



محمدرضا احمدی

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی رضا اعرافی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی افروز

استاد دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

استادیار جامعه المصطفی العالمية

محمدناصر سقای بی‌ریا

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عباسعلی شاملی

استادیار جامعه المصطفی العالمية

سیدمحمد غروی

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آشتیانی

استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره - طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی
تحریریه ۳۲۱۱۳۴۸۰ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)
صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی

http://eshop.iki.ac.ir

مدیر مسئول

محمدناصر سقای بی‌ریا

سرمدیر

محمدرضا احمدی

مدیر اجرایی

سجاد سلگی

ناظر چاپ

حمید خانی

سامانه ارسال و پیگیری مقالات

Nashriyat.ir/SendArticle

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، غربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

- نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج). یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص - قناعت / ۵

کعبه عباسعلی هراتیان / مزگان آگاه‌هریس / زهرا محمدی / فاطمه‌السادات شمسی‌نژاد

نمودهای وسواس - ناخودداری وارسی در میان افراد مذهبی و راه‌کارهای درمانی آن ... / ۲۳

رحیم ناروئی نصرتی

اثربخشی حضور در مراسم دهه اول محرم بر سطح دینداری عزاداران / ۴۱

کعبه محمد حسین‌خانی / محمد یکه فلاح

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مفهوم خداوند / ۵۵

کعبه راضیه نصیرزاده / کاظم رسول‌زاده طباطبایی / نرجس عرفان‌منش

رابطه آخرت‌نگری و پنج عامل شخصیت در دانشجویان / ۶۷

فاطمه پورابراهیمی / مسعود کریمی‌فر / سالار رضائی‌نژاد / کعبه وحید منظری توکلی

رابطه بین بهزیستی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان / ۷۹

کعبه نادر حاجلو / عیسی جعفری

رابطه سبک‌های هویت مذهبی، ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان / ۹۱

شهرام واحدی / کعبه ریحانه احمدیان

نمایه‌های مقالات و پدیدآورندگان سال هفتم (شماره‌های ۲۵-۲۸) / ۱۰۸

ملخص المقالات / ۱۱۳

Abstracts / ۱۲۶

مقدمه

«اخلاق» جمع «خُلُق»، به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر، قابل درک است (راغب اصفهانی، ۱۳۴۰، ص ۱۵۹). «خُلُق» را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان، رفتارهای متناسب با آن را بی‌درنگ، انجام می‌دهد (همان). این صفت راسخ درونی، ممکن است «فضیلت» و منشأ رفتار خوب و یا «رذیلت» و منشأ کردار زشت باشد (تجلیل و ایرانمنش، ۱۳۹۰).

ضرورت اخلاق و پرداختن به آن، و حکمت عملی و علم اخلاق، پس از علم توحید و معرفت‌الله، از ارزشمندترین علوم است؛ زیرا موضوع آن عبارت از روح و روان و حقیقت انسان بوده، غایت و ثمره آن تحصیل سعادت و کمال آدمی است. ارزش علوم یا به عظمت و ارزش موضوع است، یا به اهمیت غایت و ثمره آن می‌باشد. در عالم طبیعت چیزی برتر از انسان نیست. از سوی دیگر، برای انسان هیچ هدفی و غایتی جز سعادت و کمال وجود ندارد و طریق سعادت بشر، پس از علم توحید، وابسته به این معرفت است (حسینی شریف، ۱۳۹۰). از این‌رو، دانایان بشر از دیرباز به این عرصه توجه شایانی داشته، هریک به نوبه خود در واکاوی و بررسی ابعاد و جوانب آن سهم بوده‌اند. در این میان، انبیاء و فرستادگان الهی از همه بیشتر در جهت اصلاح نفوس و تکمیل اخلاق بشریت و امت‌ها کوشیده‌اند، تا آنجا که خاتم پیامبران ﷺ هدف و غایت بعثت خود را تتمیم و تکمیل فضایل اخلاقی اعلام فرموده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۸).

گزاره‌های اخلاقی، بزرگ‌ترین بخش معارف اسلامی است. اندیشمندان اولیه اسلامی، حرکتی ارزشمند برای تبیین محتوای اخلاقی اسلام آغاز کرده‌اند. اما با گذشت زمان، در مجامع علمی جهان، اخلاق به‌منزله یک علم از گردونه علوم، خارج و در سفارش‌ها و پندهای بزرگان خلاصه گردد. درحالی‌که تجربه ثابت کرده است علم و پیشرفت، بدون اخلاق و معنویت، بیش از آنکه موجب تعالی بشر باشد، تنزل او را از مقام انسانیت در پی داشته است (ولی‌زاده، ۱۳۸۹). امروزه با گسترش ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی، استفاده از آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی، توجه روان‌شناسان بسیاری را به خود جلب کرده و مطالعات زیادی نیز در این زمینه صورت گرفته است (ولی‌زاده و آذربایجانی، ۱۳۸۹، ص ۴۶).

مباحث اخلاقی، از مهم‌ترین خاستگاه اصلی پژوهش‌های روان‌شناختی در اسلام است. در این میان، ویژگی‌هایی که موجب اختلال در کارکرد فردی و اجتماعی می‌شوند و گاه حتی سلامت جسمی و روانی وی را به خطر می‌اندازند. (رذایل اخلاقی) و ویژگی‌هایی که موجب ارتقاء سطح سلامت روانی

ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص - قناعت

کعبه عباسعلی هراتیان / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ a.haratiyan@gmail.com

مژگان آگاه‌هریس / استادیار دانشگاه پیام‌نور گرمسار

زهرا محمدی / کارشناس علوم تربیتی دانشگاه اراک

فاطمه‌السادات شمسی‌نژاد / کارشناس روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی، ساخت و اعتباریابی مقیاس حرص - قناعت بر اساس آموزه‌های اسلامی، برای سنجش رذیله اخلاقی حرص و فضیلت اخلاقی قناعت بود. پس از طی مراحل ساخت و اعتبار و روایی سنجی اولیه، پرسش‌نامه‌ای ۲۹ گویه‌ای، بین ۴۷۵ دانشجوی طلبه، که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند، اجرا شد. در بررسی روایی مقیاس، میزان ۹۱/۱۴ درصدی موافقت کارشناسان و معناداری ضریب تطابق کندال، گویای قوت روایی محتوای مقیاس بود. تحلیل یافته‌ها بیانگر آن بود که مقیاس اسلامی حرص - قناعت دارای چهار عامل (دل‌مشغولی مادی / احساس امنیت مادی، مهارت‌گسیختگی مادی / خودمهارگری مادی، ضعف معرفت و هیجان دینی / قوت معرفت و هیجان دینی و احساس محرومیت و نیاز مادی / رضامندی مادی) بوده است. ضریب بازآزمایی ۰/۸۸۷، آلفای کرونباخ ۰/۸۶۳ و ضریب دونیمه‌سازی ۰/۸۲۳ نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: این پرسش‌نامه دارای اعتبار و روایی بالا بوده و عوامل منجمی از آن به دست می‌آید که می‌توان با کاربرد آن، ویژگی‌های اخلاقی حرص و قناعت افراد را مورد مطالعه قرار داد.

کلیدواژه‌ها: سنجش اخلاقی، حرص، قناعت، روایی و اعتبار.

و جسمی شده و سازگاری اجتماعی فرد را تقویت خواهد نمود (فضائل اخلاقی)، اهمیت ویژه‌ای دارند. از جمله آنها می‌توان به «حرص» و «قناعت» اشاره کرد.

در آیات و روایات، و منابع اخلاقی و تاریخی، به مفاهیم حرص و قناعت، بسیار توجه شده است. دومین صفت از صفات رذیله (پس از تکبر)، که در داستان انبیاء و آغاز خلقت انسان به چشم می‌خورد، حرص می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۸۱). در حدیثی، امام سجاد^ع می‌فرماید: «گناهان، سرچشمه‌هایی دارند، اولین سرچشمه گناه و معصیت پروردگار، تکبر است که گناه ابلیس بود و به خاطر آن از انجام فرمان خدا امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد و سپس حرص بود که سرچشمه گناه [به معنای ترک اولی] از ناحیه آدم و حوا^ع شد» (قمی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۰ و ۴۰۱). در قرآن کریم، واژه «حرص» چند بار به کار رفته است که تنها یک آیه، مصداق این رذیله اخلاقی است. سایر آیات، در معنای مثبت به کار رفته است. در آیه ۹۶ سوره بقره، از میل شدید قوم یهود به زندگی طولانی در دنیا، با تعبیر توییح‌آمیز «حرصترین مردم بر زندگی دنیا» یاد شده است. در سایر آیات، این واژه برای بیان خیرخواهی شدید پیامبر اکرم^ص به مردم و عزم ایشان بر هدایت انسان‌ها به کار رفته است (توبه: ۱۲۸؛ یوسف: ۱۰۳؛ نحل: ۳۷). این صفت را خدا در انسان قرار داده است تا به کمک عقل، آن را برای رسیدن به خیر و حفظ آن (حرص بر خیر) و گریز از شرّ به کار برد. بنابراین، لحن توییح‌آمیز برخی آیات [و روایات]، متوجه سوءتدبیر برخی انسان‌ها در استفاده از این صفت است و ناظر به اصل صفت، که آفرینش خداوندی است، نیست (حداد عادل، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۱۹).

اولین گام در بررسی فضیلت‌های اخلاقی، در روان‌شناسی شخصیت و رویکرد رگه‌ها برداشته شد. در سال‌ها اخیر، روان‌شناسی اخلاق و رویکرد روان‌شناسی مثبت، عهده‌دار تحقیق در زمینه اخلاق شده‌اند و به دستاوردهایی نیز نائل گشته‌اند. اما این تلاش‌ها صرفاً معطوف به برخی ویژگی‌های مثبت اخلاقی بوده و ویژگی‌های منفی اخلاقی (رذائل)، هنوز جایگاه مناسب خود را در روان‌شناسی نیافته‌اند. سلینگمن (Seligman)، شش دسته فضیلت هسته‌ای انسانی را برمی‌شمرد: حکمت و دانش، شجاعت، عشق و انسانیت، عدالت، اعتدال و معنویت و تعالی. او سخنی از قناعت به میان نیاورده است (سلینگمن، ۲۰۰۲، ص ۵). اما به نظر می‌رسد، فضیلت اعتدال و زیرشاخه آن، خودمهارگری، نزدیک‌ترین مفاهیم به قناعت است که با توجه به مفهوم اسلامی قناعت، می‌تواند یکی از لوازم آن باشد. اعتدال به‌عنوان یک صفت اخلاقی هسته‌ای، به برقراری اعتدال میان خواسته‌ها و امیال اشاره دارد. فرد معتدل، انگیزش‌ها را سرکوب نمی‌کند، بلکه منتظر فرصت‌های مناسب برای ارضای آنها می‌ماند،

به نحوی که آسیبی متوجه او و دیگران نشود (همان، ص ۵۴). خودمهارگری نیز به توانایی فرد در مهار امیال، نیازها و تکانه‌ها اشاره دارد. البته این کافی نیست که بداند چه چیزی درست است، بلکه باید بتواند این دانستن را به عمل درآورد (همان).

«حرص» در لغت، به معنای متفاوتی آمده است. از جمله، آزر شدن، ولع، طمع، آزر کردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ذیل حرص)، آز، آزمندی، شره (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ذیل حرص)، زیاده‌خواهی، افزون‌طلبی، خشم (عمید، ۱۳۹۱، ج ۲، ذیل حرص)، مشتاق منفعت (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ذیل حرص)، زیاده‌روی در میل (ابن‌فارس، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹)، اراده و خواست شدید مطلوب (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ذیل حرص؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۰، ذیل حرص)، به مفهوم شدت علاقه به چیزی یا طلب چیزی با جدیت و کوشش (حاج سیدجوادی و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۲۱۵)، خواستن و تمایل بسیار زیاد به چیزی (حداد عادل، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۱۹).

مرحوم نراقی در تبیین اصطلاح حرص می‌گوید: «حالت و صفتی است نفسانی که آدمی را بر گرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد برمی‌انگیزد، بی‌آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند و آن نیرومندترین شاخه‌های دوستی دنیا و مشهورترین انواع آن است» (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷). مرحوم نراقی آن را از رذایل متعلقه به قوه شهویه و صفتی نفسانی می‌داند که آدمی را وامی‌دارد بر جمع نمودن زاید از آنچه احتیاج به آن دارد و این صفت، یکی از شعب حبّ دنیا، و از جمله صفات مهلکه است (همان، ص ۳۹۵). حداد عادل نیز آن را مترادف مفهوم هلوع در قرآن (معارج: ۱۹) می‌داند (حدادعادل، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۱۹).

مرحوم نراقی می‌نویسد: قناعت، ضد حرص است و امام علی^ع می‌فرماید: «قناعت یافت نمی‌شود مگر اینکه حرص ناپود شود» (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۷). «قناعت» در لغت به معنای رضایت، اکتفا به مقدار ناچیز از وسایل زندگی در حد ضرورت و نیاز (راغب اصفهانی، ۱۳۸۰، ذیل قناعت)، اقبال به چیزی، عفاف (عده‌ای از نویسندگان، ۱۴۱۸ق، ذیل القناعه)، رضای به عطای کم (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ذیل قناعت)، خرسندی، رضا به قسمت، بسنده کردن، بسنده کاری، راضی شدن به اندک چیز، خرسند گردیدن به قسمت خود، آسان قرار گرفتن در مآکل و مشارب و ملابیس و غیر آن و راضی شدن بدانچه سد خلل کند، ازهر جنس که اتفاق افتد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ذیل قناعت)، خشنودی، رضا و تسلیم، صرفه‌جویی (معین، ۱۳۸۸، ج ۲، ذیل قناعت)، راضی و خرسند بودن به چیزی که فرد در اختیار دارد (عمید، ۱۳۹۱، ج ۳، ذیل قناعت)، رضایت به سهم خویش (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ذیل قناعت).

«قناعت» در اصطلاح، یعنی بسنده کردن به آنچه زندگی را ممکن می‌سازد و رضایت به آنچه معاش

را مقدور می‌سازد و دوری از حرص در به‌دست آوردن اموال و رسیدن به مقامات بالاتر (مادی)، در عین وجود میل به آنها و سخت‌گیری به نفس درباره آنها (عده‌ای از نویسندگان، ۱۴۱۸ق، ذیل القناعه). مرحوم *نراقی* معتقد است: قناعت ملکه‌ای نفسانی است که به موجب آن، انسان به نیاز خود از اموال رضایت می‌دهد و خود را برای تحصیل بیشتر آن به مشقت نمی‌اندازد (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸ و ۱۳۹). وی در تعریف قناعت می‌گوید: «حالتی است از برای نفس، که باعث اکتفا کردن آدمی است به قدر حاجت و ضرورت و زحمت نکشیدن در تحصیل فضول از مال» (همان، ص ۳۹۷). *غزالی* نیز قناعت را بسنده نمودن به مقدار ضرورت از غذا و لباس و اکتفا نمودن به مقدار و نوع پایین‌تر می‌داند، و قانع را کسی که آرزویش را متوجه همان روز یا همان ماه می‌کند و دلش را مشغول ماه‌های دیگر نمی‌نماید (غزالی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۲). *آیت‌الله مشکینی*، قناعت را مرادف اقتصاد می‌داند و می‌گوید: «اقتصاد عبارت است از اعتدال انسان در مصرف مال و خرج کردن آن برای خود و خانواده‌اش. این حالت متوسط بین افراط و تفریط (اسراف و خست) می‌باشد که قناعت مترادف است» (مشکینی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳). تعریف مرحوم *نراقی*، از این جهت دارای قوت است که قید ملکه را بیان کرده‌اند؛ زیرا امور اخلاقی تا به حد ملکه نرسد سودی به حال انسان ندارد.

از آنجاکه مفاهیم اخلاقی در ذهن بسیاری از مردم، با ارزش‌ها و دین در ارتباط است، از حیثه علوم تجربی خارج است. از سوی دیگر، فقدان مقیاس‌های مناسب برای اندازه‌گیری مفاهیم اخلاقی موجب شده است که تلاش پژوهشی کمی در این زمینه انجام شده باشد (تانگنی (Tangney)، ۲۰۰۲، ص ۴۱۱). بدون در اختیار داشتن روشی معتبر برای اندازه‌گیری، علم تقریباً متوقف می‌شود (همان، ص ۴۱۳). از این‌رو، روان‌شناسان تمایل دارند که ابزارهای سنجش، قوی‌تر و معنادارتر باشد تا بتوانند از این مسیر، به توسعه تئوری‌های خود بپردازند (همان).

تنها تلاش پژوهشی در این موضوع، توسط *محمدی* (۱۳۸۲) انجام گرفته است. منظور از قناعت را رضایت به سرنوشت و دوری از حرص و طمع و هدف از ساخت مقیاس را سنجش نگرش و رفتار فرد و ارزشیابی او از خویشتن در قلمروهای خرج و خوراک، لباس و مسکن و... می‌داند (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰). اطلاعات اولیه این پژوهش از آیات، روایات و متون اخلاقی مربوط به قناعت به‌دست آمد (همان). پرسش‌نامه اولیه شامل ۸۰ گویه بود که با نظر کارشناسان به ۴۲ گویه کاهش یافت و پس از اجرا نیز گویه‌های دشوار و گویه‌هایی که با کل تست از همبستگی لازم برخوردار نبود، حذف گردید و تعداد گویه‌ها به ۱۶ رسید (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱ و ۱۲۲). این مقیاس برای سنین بالا، که از خود دارای شغل

و کسب و درآمد هستند، می‌باشد. آلفای کرونباخ ۱۶ سؤالی ۰/۸۵ به‌دست آمد (همان، ص ۱۱۸). در مسیر تأمین روایی سازه، تحلیلی عاملی اکتشافی ۴ عامل را نشان داد که رفتارهای فردی، باور و نگرش، تجمل‌گرایی و گستره قناعت نام گرفتند (همان، ص ۱۳۷). پاسخ‌نامه به دو شکل: ۱. زمانی با پنج گزینه «همیشه» تا «هرگز»؛ ۲. کیفی با پنج گزینه «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» تنظیم گردیده است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). نتایج نشان داد میانگین نمرات مردان و زنان، در دو عامل از عوامل چهارگانه قناعت (تجمل‌گرایی و گستره قناعت) با هم تفاوت چشم‌گیری دارند؛ به این معنا که مردان کمتر تجمل‌گرا هستند و در این عامل از قناعت بیشتری برخوردارند و در گستره قناعت بعکس است (همان، ص ۱۶۳). با توجه به فقدان آزمون مناسب، برای سنجش میزان حرص و خلأهای روش‌شناختی موجود در مقیاس قناعت، *محمدی* (۱۳۸۲)، مانند استفاده حداقلی از ظرفیت خبرگان در مراحل ساخت آزمون، عدم اجرای تحلیل تأییدی، عدم ارائه همبستگی بین عوامل و عمقی نبودن عوامل، تلاش برای ساختن ابزاری بومی و مناسب، به منظور سنجش تکبر و تواضع از منظر اسلام، ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش، می‌تواند خلأ موجود در این زمینه را با ارائه یک مقیاس اسلامی تا حدی برطرف کرده، و زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی باشد. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است: مؤلفه‌های حرص و قناعت از دیدگاه آیات و روایات چیست؟ مقیاس اسلامی حرص - قناعت از چه ویژگی‌های روان‌سنجی برخوردار است؟

روش پژوهش

این پژوهش، از دو روش توصیفی و پیمایشی تشکیل شده است. برای جمع‌آوری آموزه‌های دین درباره حرص و قناعت، با استفاده از روش توصیفی و با رجوع به قرآن کریم و متون دست اول روایی، داده‌های مورد نیاز، استخراج سپس دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفت. برای ارزیابی روایی مقیاس اسلامی حرص - قناعت نیز از روش پیمایشی استفاده شده است.

الف. جامعه و حجم نمونه: جامعه آماری این پژوهش، از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی خمین با حجم ۱۱۰۰ نفر و طلاب حوزه علمیه دامغان با حجم ۸۵ نفر، در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، حجم نمونه ۴۷۵ نفری پژوهش حاضر (شامل ۳۹۶ دانشجوی و ۷۹ طلبه)، اعدادی بیش از حجم نمونه پیشنهادی (۲۸۵ و ۷۰ نفر) جدول کرجسی و مورگان (Kerjcie & Morgan) (۱۹۷۰) است. بدین ترتیب، خطای نمونه‌گیری به حداقل رسیده و براساس آزمون کفایت نمونه‌برداری، این تعداد نمونه برای انجام تحلیل عاملی معنادار می‌باشد. میانگین سنی

همبستگی بالای آنها و در نتیجه اعتبار قوی آزمون را نشان داده ($r = 0/887$ ، $P < 0/0001$). افزون بر این به وسیله، برخی گویه‌ها که از همبستگی کمتری با نمره کل آزمون برخوردار بود یا از سوی شرکت‌کنندگان دشوار تشخیص داده شده بود، اصلاح شد.

۶. **اجرای گسترده:** در این مرحله آزمون ۲۳ گویه‌ای، در میان ۵۰۰ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی شهر خمین و طلبه حوزه علمیه شهر دامغان اجرا شد. پس از کنار گذاشتن پاسخ‌نامه‌های ناقص، ۴۷۵ پاسخ‌نامه وارد مرحله تحلیل شد.

روش گردآوری اطلاعات: با استفاده از داده‌ها و مبانی مربوط به حرص و قناعت، بر اساس آیات و روایات و با مطالعه کتاب‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی در این موضوع، به‌ویژه در زمینه آزمون‌سازی، ساخت مقیاس اسلامی حرص - قناعت در دستور کار قرار گرفت. در این بخش، برای سنجش و اندازه‌گیری حرص و قناعت، با توجه به مؤلفه‌های به‌دست‌آمده، آزمونی اولیه طراحی و ساخته شد.

برای گردآوری اطلاعات، محقق با مراجعه به کلاس‌های طلاب و دانشجویانی که پیش‌تر به‌طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند و با ارائه توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و چگونگی پاسخ‌دهی به پرسش‌های آزمون، پرسش‌نامه به شرکت‌کننده‌ها ارائه و از آنها خواسته شد، پس از خواندن شیوه‌نامه کتبی، با دقت به گزاره‌ها پاسخ دهند و مشخصات جمعیت‌شناختی همچون سن، جنس، مقطع و رشته تحصیلی و نیز وضعیت تأهل خود را درج کنند. از ۵۰۰ پرسش‌نامه توزیع‌شده، در نهایت تعداد ۴۷۵ پرسش‌نامه، به کمک برنامه SPSS نمره‌گذاری و تجزیه و تحلیل شد. برای انجام تحلیل عاملی تأییدی نیز از نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در مرحله اول و دوم، ۳۱ مفهوم به دست آمد که همراه با مستندات، مورد بررسی کارشناسان قرار گرفت. حذف مفاهیمی با نمره‌ای کمتر از ۴ (۷۵٪)، منجر به کاهش مفاهیم به ۲۳ عدد شد. برخی از این مفاهیم، بدین قرار است: تخریب باور دینی، فراموشی مرگ، سوءظن و عدم اعتماد به خدا، مقایسه با بالا دست در امور مادی، طمع، تلاش بی‌سرانجام، هراس و اندوه، ضعف در شناخت خود، عدم احساس لذت از عبادت، تلاش زیاد و استراحت کم، بی‌تابی، فقدان عفت و حیا و احساس محرومیت و فقر و... در مرحله سوم، برای ۲۱ مفهوم، ۸۰ گویه انتخاب شد. بدین ترتیب، اغلب مفاهیم دارای ۴ گویه بودند. سپس، به معرض نظر کارشناسان گذاشته شد و از آنها خواسته شد ضمن دادن امتیاز به

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ۲۵/۱۱ سال ($SD=5/61$) و ۷۹/۶ درصد افراد، زن و ۲۰/۴ درصد از آنها مرد بودند. همه شرکت‌کنندگان، دارای تحصیلات دانشگاهی (۸۸/۶٪) فوق‌دیپلم، ۴۶/۳٪ لیسانس و ۵٪ فوق‌لیسانس و بالاتر) بودند. ۱۶/۶ درصد از آنها، علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، تحصیلات حوزوی هم داشتند (۴/۶٪) سطح مقدماتی، ۳/۸٪ سطح یک، ۷/۸٪ سطح دو و ۰/۴٪ سطح سه). ۶۵/۷ درصد از شرکت‌کنندگان مجرد و ۳۴/۳ درصد از آنها متأهل بودند.

ب. **ابزار پژوهش:** برای انجام این پژوهش از مقیاس پژوهشگر ساخته حرص - قناعت استفاده شد. هرچند مقیاس اسلامی قناعت دارای پیشینه پژوهشی می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۸)، اما مقیاس اسلامی حرص - قناعت نخستین‌بار توسط پژوهشگر جهت سنجش هردو صفت اخلاقی حرص و قناعت بر اساس منابع اسلامی، طراحی و ساخته شده است. فرایند ساخت این مقیاس، به شرح زیر می‌باشد.

۱. **شناسایی و مطالعه منابع اسلامی مربوط به حرص و قناعت، دسته‌بندی و مفهوم‌شناسی آنها:** در این مرحله، آیات و روایاتی از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام که به توصیف، علت‌شناسی و تبیین مفاهیم «حرص» و «قناعت» پرداخته‌اند، بررسی شد.

۲. **بررسی تطابق مستندات با مفاهیم:** در این مرحله، میزان تطابق گزاره‌های دینی با مفاهیم به معرض رأی ۱۵ نفر از کارشناسان علوم اسلامی (سطوح عالی) و روان‌شناسی (کارشناسی ارشد و دکتری) درآمد که نظر خود را در جدولی با لیکرت ۵ درجه‌ای درج کردند.

۳. **طراحی گویه‌ها بر اساس مفاهیم، مستندات و ارائه آنها به کارشناسان، برای سنجش روایی محتوا:** گویه‌های اولیه مقیاس اسلامی حرص - قناعت، شامل ۸۰ عبارت بود که برای ۳۱ مفهوم طراحی گردید. سپس، برای بررسی روایی محتوا، از دیدگاه ۱۵ نفر از کارشناسان علوم اسلامی (سطوح عالی) و روان‌شناسی (کارشناسی ارشد و دکتری) استفاده شد. آنها با استفاده از یک لیکرت ۵ درجه‌ای، میزان موافقت یا مخالفت‌شان را اعلام نموده و گویه پیشنهادی خود را ثبت نمودند.

۴. **ارائه گویه‌های برگزیده و دارای بیشترین امتیاز به کارشناسان برای سنجش روایی محتوا:** در این مرحله از میان ۸۰ گویه ارائه‌شده در مرحله قبل و گویه‌های پیشنهادی کارشناسان، ۲۳ گویه دارای امتیاز مساوی یا بالاتر از ۴ (۷۵٪)، انتخاب شد و مجدداً برای دریافت روایی محتوا، با استفاده از لیکرت ۵ درجه‌ای، در معرض نظر ۷ نفر از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی قرار گرفت.

۵. **آزمون - بازآزمون:** در این مرحله، پرسش‌نامه اولیه حرص - قناعت که شامل ۲۳ گویه بود، با فاصله ۲ هفته، بین ۵۰ دانشجو و طلبه به صورت پیش‌پژوهش (پایلوت) اجرا شد. مقایسه این دو آزمون،

نتایج تحلیل اعتبار برای مشخص شدن گویه‌های مناسب برای ورود به تحلیل عاملی نشان داد که با حذف ۵ گویه، اعتبار مقیاس (آلفای کرونباخ) به حداکثر خود خواهد رسید. در جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد ۱۸ گویه، همبستگی با نمره کل و تأثیر حذف هریک از گویه‌ها در آلفای کرونباخ ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میان گویه‌ها با نمره کل مقیاس همبستگی‌های معناداری در سطح $P < ۰/۰۰۰۱$ در دامنه‌ای از $r = ۰/۲۷۵$ (گویه شماره ۶) تا $r = ۰/۷۴۴$ (گویه شماره ۸) وجود دارد.

جدول ۱: مشخصه‌های آماری گویه‌های مقیاس حرص - قناعت؛ همبستگی گویه‌ها با نمره کل و تأثیر حذف هریک از گویه‌ها در آلفای کرونباخ ($P < ۰/۰۰۰۱$ و $n = ۴۷۵$)

گویه	M	SD	همبستگی با نمره کل	آلفای کرونباخ در صورت حذف گویه
۱	۲/۱۳	۰/۹۱	**۰/۴۱۴	۰/۸۶۳
۲	۲/۱۷	۰/۹۱	**۰/۳۷۵	۰/۸۶۳
۳	۲/۰۶	۰/۹۸	**۰/۵۹۵	۰/۸۵۴
۴	۲/۵۵	۰/۹۷	**۰/۷۱۹	۰/۸۴۸
۵	۲/۳۸	۰/۹۷	**۰/۷۳۶	۰/۸۴۷
۶	۳/۲۷	۰/۶۵	**۰/۲۷۵	۰/۸۶۵
۷	۲/۷۳	۰/۸۶	**۰/۶۵۹	۰/۸۵۱
۸	۱/۶۳	۰/۹۰	**۰/۷۴۴	۰/۸۴۷
۹	۲/۱۳	۰/۹۲	**۰/۶۴۷	۰/۸۵۲
۱۰	۲/۱۵	۰/۸۶	**۰/۴۴۵	۰/۸۶۱
۱۱	۲/۶۵	۰/۸۲	**۰/۵۴۲	۰/۸۵۶
۱۲	۲/۳۳	۰/۹۲	**۰/۵۲۷	۰/۸۵۷
۱۳	۲/۵۷	۰/۸۴	**۰/۶۲۱	۰/۸۵۳
۱۴	۲/۳۶	۰/۹۲	**۰/۴۱۳	۰/۸۶۳
۱۵	۲/۷۷	۰/۸۵	**۰/۵۲۱	۰/۸۵۷
۱۶	۱/۸۳	۰/۸۰	**۰/۵۱۷	۰/۸۵۷
۱۷	۱/۹۹	۰/۹۲	**۰/۴۸۲	۰/۸۶۰
۱۸	۲/۴۵	۰/۹۱	**۰/۵۶۸	۰/۸۵۵

پس از حذف گویه‌های پنج‌گانه، برای بررسی اعتبار درونی مقیاس، از روش دونیمه‌سازی استفاده شد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از ضریب آلفای نیمه اول (۰/۸۰۳)، ضریب نیمه دوم (۰/۷۳۰)، ضریب همبستگی بین دونیمه (۰/۷۰۷) و مقدار ضریب دونیمه‌سازی گاتمن (۰/۸۲۳)، می‌توان گفت: مقیاس اسلامی حرص - قناعت از اعتبار درونی سطح بالایی برخوردار است.

گویه‌های موجود، گویه‌های پیشنهادی خود را نیز ثبت نمایند. حاصل این مرحله، انتخاب ۲۳ گویه دارای امتیاز مساوی یا بالاتر از ۴ (۷۵٪) بود. در مرحله چهارم، ۲۳ گویه مذکور، برای دریافت نهایی روایی محتوا، با استفاده از لیکرت ۴ درجه‌ای، در معرض نظر کارشناسان قرار گرفت. میانگین نمرات کارشناسان ۳/۶۴ (از ۴) بوده که موافقت ۹۱/۱۴ درصدی آنها، با تناسب بین گویه‌ها و مستندات روایی را نشان می‌دهد. از این رو، این مقیاس از روایی محتوای قوی برخوردار است.

برای بررسی میزان توافق نظرات کارشناسان درباره روایی محتوا از شاخص آماری ضریب تطابق کندال، آزمون معناداری خی دو و آزمون تعقیبی ویل کاکسون استفاده شده است که ضریب تطابق کندال ۰/۱۱۶ و مقدار خی دو ۲۰/۰۶۹ در سطح معناداری ۰/۰۰۳ در جدول ۲، بیانگر توافق مناسب و معنادار کارشناسان خبره در مورد تطابق ۲۳ گویه نهایی با مستندات اسلامی می‌باشد. وجود مفروضه آزمون تعقیبی ویل کاکسون ($P > ۰/۰۵$) نیز یافته فوق را مورد تأیید قرار داد.

حاصل عملیات مرحله پنجم، همبستگی میان نمرات آزمون و بازآزمون مقیاس اولیه و ۲۳ گویه‌ای حرص - قناعت بود که با فاصله ۲ هفته، بین ۵۰ دانشجو و طلبه به صورت پیش‌پژوهش (پایلوت) اجرا شد. پاسخ‌نامه، یک طیف ۴ گزینه‌ای، بدون حد وسط «بی‌نظر» بود تا از انباشت نمره‌ها در وسط جلوگیری شود. بدین ترتیب، نمره‌های بالا، بیانگر ویژگی حرص و نمره‌های پایین، نشانگر ویژگی قناعت است. مقایسه نتایج این دو آزمون، همبستگی بالای آنها و در نتیجه، اعتبار قوی آزمون را نشان می‌دهد ($P < ۰/۰۰۰۱$ $r = ۰/۸۸۷$). افزون بر اینکه به این وسیله، برخی گویه‌های که از همبستگی کمتری با نمره کل آزمون برخوردار بود، یا از سوی شرکت‌کنندگان دشوار تشخیص داده شده بود، اصلاح شد.

در مرحله ششم، پس از اجرای نهایی مقیاس اسلامی حرص - قناعت در میان ۴۷۵ نفر از شرکت‌کنندگان، برای سنجش روایی سازه و نیز شناسایی و تعیین عوامل تشکیل‌دهنده مقیاس، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عوامل، برای اینکه معلوم شود حجم نمونه انتخاب شده، متناسب روش تحلیل عاملی می‌باشد، از آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's Test of Sphericity) و کفایت نمونه‌برداری به روش KMO استفاده شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری برابر با ۰/۸۷۸ می‌باشد. در نتیجه، حجم نمونه موردنظر برای تحلیل عوامل مناسب است. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت، با درجه آزادی ۴۶۵ و مجذور کای ۴۵۳۵/۰۶۸ در سطح $P < ۰/۰۰۰۱$ معنادار است. بنابراین، ماتریس همبستگی متغیرها، ماتریس واحدی نیست و می‌توان بر پایه این داده‌ها، به استخراج عامل‌ها اطمینان کرد.

برای تعیین و تحلیل عوامل، از تحلیل عاملی به روش «مؤلفه‌های اصلی»، «چرخش واریماکس» (Varimax Rotation) به همراه «بهنجارسازی کایزر» (Kaiser Normalization) استفاده شد. در مرحله اول تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عامل‌های اصلی از ملاک ارزش‌های ویژه بزرگ‌تر از یک استفاده شد. براین اساس، برای مقیاس اسلامی حرص و قناعت، تعداد ۴ عامل نمایان شد. پس از تعیین تعداد عامل‌های اصلی (۴ عامل)، پیش از آنکه تفسیر شوند، برای ساده‌تر و قابل‌فهم‌تر کردن ساختار عاملی، عامل‌های مذکور انتخاب و چرخش متعامد به شیوه واریماکس بر روی آنها اجرا شد که جدول ۲ نمایانگر گویه‌های هر عامل و بارعاملی آنهاست.

جدول ۲: عوامل ۴ گانه مقیاس اسلامی حرص - قناعت و بارعاملی آنها

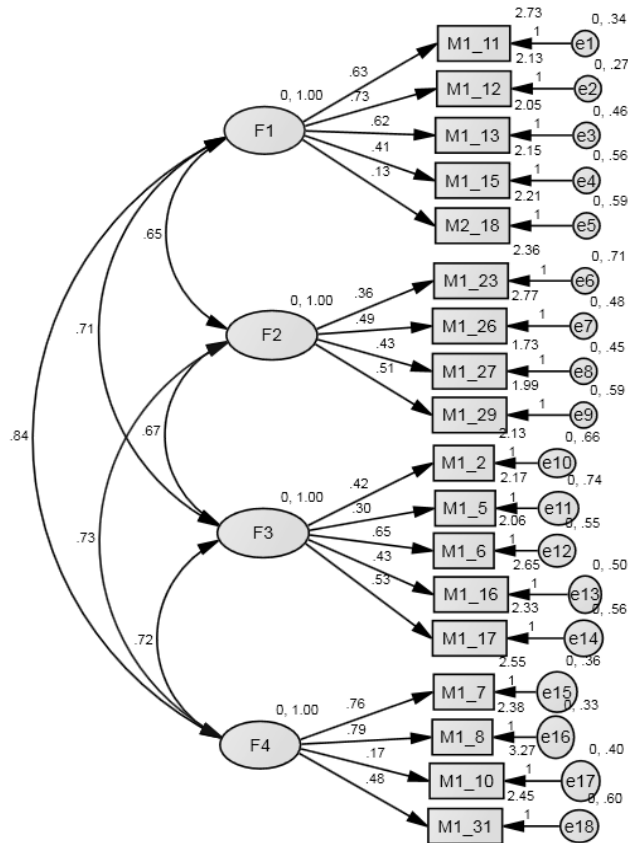
عامل اول: دل‌مشغولی مادی / احساس امنیت مادی			
ردیف	گویه	عبارت	بارعاملی
۱	۱۱	بیشتر اوقات، نگران تأمین امکانات مادی و رفاهی آینده‌ام هستم.	۰/۷۳۹
۲	۱۵	هزینه‌ها و مخارج زندگی، بر دوشم سنگینی می‌کند.	۰/۷۲۸
۳	۱۲	فکر نداشتن امکانات مادی و رفاهی‌ای که خواهان آن هستم، باعث شده لذت کافی را از زندگی نبرم.	۰/۶۸۸
۴	۱۳	مانند یک ماشین حساب (چرتکه) شده‌ام که دائم مشغول ارزیابی درآمدها و مخارج زندگی‌ام هستم.	۰/۶۶۹
۵	۱۸	وقتی پای سود و زیانم درمیان است، آرامشم را از دست می‌دهم.	۰/۴۹۹
عامل دوم: مهارت‌گسیختگی مادی / خودمهارگری مادی			
۶	۲۹	اشتیاق داشتن امکانات مادی بیشتر، باعث شده گاهی اوقات، کارهایی بکنم که وقتی به آنها فکر می‌کنم، شرمنده می‌شوم.	۰/۷۰۴
۷	۲۶	گاهی اسیر تمایلات نفسانی خودم می‌شوم.	۰/۶۹۵
۸	۲۳	برای رسیدن به اهداف، باید مدام و بدون استراحت تلاش کرد.	۰/۵۲۴
۹	۲۷	وقتی به اندازه کافی پول ندارم، حفظ کردن عزت نفسم بیهوده است.	۰/۴۸۷
عامل سوم: ضعف معرفت و هیجان دینی / قوت معرفت و هیجان دینی			
۱۰	۲	فکر می‌کنم فقر و مشکلات اقتصادی، دلیل خوبی برای ضعف ایمان باشد.	۰/۷۶۶
۱۱	۶	گاهی فکر می‌کنم خدا من را از یاد برده است.	۰/۶۳۵
۱۲	۱۷	گاهی در مورد دستورات و باورهای دینی، دچار تردید می‌شوم.	۰/۶۳۷
۱۳	۵	به اینکه روزی خواهم مرد، کمتر فکر می‌کنم.	۰/۴۶۵
۱۴	۱۶	دغدغه‌های زندگی باعث شده که به هنگام عبادت، حضور قلب لازم را نداشته باشم.	۰/۳۱۸
عامل چهارم: احساس محرومیت و نیاز مادی / رضامندی مادی			
۱۵	۱۰	با اینکه به طور نسبی از امکانات رفاهی برخوردارم، تلاش می‌کنم تا به امکانات بیشتری برسم.	۰/۶۷۰
۱۶	۳۱	من لیاقت بیشتری برای برخورداری از امکانات مادی و رفاهی در مقایسه با دیگران دارم.	۰/۵۱۹
۱۷	۷	ای کاش من هم از امکانات افراد ثروتمند برخوردار بودم.	۰/۳۹۹
۱۸	۸	یکی از دغدغه‌های مهم من، داشتن آن امکانات رفاهی‌ای است که ندارم.	۰/۳۴۴

همان‌گونه که جدول ۲ آمده است، بار عاملی گویه‌ها در طیفی بین ۰/۷۳۶ تا ۰/۳۱۸ قرار دارد و نمایانگر ۴ عامل است. عامل اول، «دل‌مشغولی مادی» (در حرص) و «احساس امنیت مادی» (در قناعت) است که ۵ گویه را به خود اختصاص داده و بار عاملی آنها در دامنه ۰/۳۳۹ تا ۰/۴۹۹ قرار دارد. عامل دوم، «مهارت‌گسیختگی مادی» (در حرص) و «خودمهارگری مادی» (در قناعت) است که دارای ۴ گویه است و بار عاملی‌ای بین ۰/۷۰۴ تا ۰/۴۸۷ دارد. عامل سوم، «ضعف معرفت و هیجان دینی» (در حرص) و «قوت معرفت و هیجان دینی» (در قناعت) است که ۵ گویه از مقیاس را داراست. دامنه بار عاملی گویه‌های این عامل، از ۰/۳۱۸ تا ۰/۳۱۸ است. آخرین عامل اکتشافی این مقیاس، «احساس محرومیت و نیاز مادی» (در حرص) و «رضامندی مادی» (در قناعت) است که دارای ۴ گویه و دامنه بار عاملی ۰/۶۷۰ تا ۰/۳۴۴ است. روش محاسبه آلفای کرونباخ، از دیگر روش‌های بررسی اعتبار درونی مقیاس است. نتایج این بررسی، در مورد مقیاس اسلامی حرص - قناعت و زیرمقیاس‌های آن در جلد ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتایج بررسی همسانی درونی با ضریب آلفای کرونباخ

عوامل		آلفای کرونباخ
دل‌مشغولی مادی / احساس امنیت مادی	زن	۰/۷۹۱
	مرد	۰/۸۰۴
	کل	۰/۷۹۳
مهارت‌گسیختگی مادی / خودمهارگری مادی	زن	۰/۶۵۳
	مرد	۰/۴۹۸
	کل	۰/۵۸۳
ضعف معرفت و هیجان دینی / قوت معرفت و هیجان دینی	زن	۰/۶۴۴
	مرد	۰/۶۱۱
	کل	۰/۶۳۶
احساس محرومیت و نیاز مادی / رضامندی مادی	زن	۰/۶۸۱
	مرد	۰/۳۳۵
	کل	۰/۶۹۸
کل مقیاس	زن	۰/۸۵۵
	مرد	۰/۸۸۷
	کل	۰/۸۶۳

ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۸۶۳ محاسبه شد ($M=42/47$ و $SD=1/17$) که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای مردان، $M=40/80$ و $SD=9/69$ و برای زنان، $M=42/90$ و $SD=1/48$ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ، برای چهار عامل دل‌مشغولی مادی / احساس امنیت مادی، مهارت‌گسیختگی مادی / خودمهارگری مادی، ضعف



شکل ۱- الگوی پیشنهادی مربوط به مقیاس حرص-قناعت

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، ساخت آزمون سنجش حرص و قناعت بر اساس شاخص‌ها و ویژگی‌های استخراج شده از منابع معتبر اسلامی (قرآن و روایات) و همچنین اثبات ویژگی‌های روان‌سنجی آن بوده است. بدین منظور، آیات و روایات ناظر به مفاهیم حرص و قناعت و مفاهیم نزدیک به آنها، استخراج، دسته‌بندی و مفهوم‌سازی شده و وارد مرحله ساخت گویه شد. همراهی نظر کارشناسان در سه مرحله تطابق مفاهیم با مستندات، تطابق گویه‌های با مفاهیم و مستندات و تطابق ۲۳ گویه نهایی با اهداف ساخت مقیاس، روایی محتوای این مقیاس را در سطح بالایی تأیید نمود. اجرای مقیاس اولیه، به صورت آزمون-بازآزمون در فاصله زمانی مشخص در میان نمونه ثابت و همبستگی بالای این دو مرحله، قوت اعتبار این مقیاس را مورد تأیید قرار داد.

معرفت و هیجان دینی / قوت معرفت و هیجان دینی و احساس محرومیت و نیاز مادی / رضامندی مادی به ترتیب ۰/۷۹۳، ۰/۵۸۳، ۰/۶۳۶ و ۰/۶۹۸ است. جدول ۴، نشانگر رابطه بین عوامل با یکدیگر و با کل مقیاس است.

جدول ۴: همبستگی بین عوامل و کل مقیاس (۴۷۵ = n، ۰/۰۱ < P < **)

۴	۳	۲	۱	
			۱	۱. حرص - قناعت
		۱	۰/۸۴۴**	۲. دل‌مشغولی مادی / احساس امنیت مادی
	۱	۰/۴۶۷**	۰/۷۲۱**	۳. مهارت‌گسیختگی مادی / خودمهارگری مادی
۱	۰/۴۱۹**	۰/۴۹۳**	۰/۷۶۹**	۴. ضعف معرفت و هیجان دینی / قوت معرفت و هیجان دینی
۰/۴۸۹**	۰/۴۹۲**	۰/۶۳۷**	۰/۸۲۲**	۵. احساس محرومیت و نیاز مادی / رضامندی مادی

نتایج جدول ۴ بیانگر رابطه نسبتاً قوی عوامل با کل مقیاس است. همبستگی عامل‌ها با یکدیگر کم است که بیانگر استقلال عامل‌ها از یکدیگر و روایی پرسش‌نامه است.

برای بررسی روایی سازه مقیاس اسلامی حرص - قناعت، تحلیل عاملی تأییدی به روش بیشینه درست‌نمایی با استفاده از نسخه ۲۰ نرم‌افزار آماری AMOS انجام شد. مدل پیشنهادی مدلی متشکل از چهار عامل است (شکل ۱). همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازش، بیانگر آنند که این مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. بررسی خروجی‌های AMOS نشان داد که با برقراری ارتباط میان برخی خطاها، می‌توان شاخص‌های برازندگی را بهبود بخشید. به اعتقاد چو (Chou) (۱۹۸۷) و بنتلر (Bentler) (۱۹۸۸)، عدم همبستگی میان کلیه خطاها در یک الگو، به ندرت با داده‌های واقعی تناسب دارد. بنابراین، ایجاد ارتباط میان چنین خطاهایی، نه تنها به اعتبار عاملی پرسش‌نامه لطمه نمی‌زند، بلکه بازنمایی واقعی‌تری از داده‌ها فراهم می‌کند. از این رو، از این روش برای افزایش برازش مدل استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ۵ نیز منعکس شده است، با الحاق خطاها، شاخص‌های برازندگی برازش مناسب مدل را نشان می‌دهند ($\chi^2/df < 3$)، $GFI > 0/9$ ، $CFI > 0/8$ و $RMSEA < 0/08$ (پاشا شریفی و همکاران، ۱۳۹۱ به نقل از میرز و همکاران، ۲۰۰۶).

جدول ۵: شاخص‌های برازندگی در تحلیل عاملی تأییدی

شاخص‌ها*				مدل
RMSEA	CFI	GFI	χ^2/df	مدل چهار عاملی
۰/۰۵۶	۰/۹۱۰	۰/۹۱۲	۲/۴۹	
* χ^2/df = مجذور کای هنجار شده، GFI = شاخص نیکویی برازش، CFI = شاخص برازش تطبیقی، RMSEA = ریشه دوم میانگین خطای تقریب				

وضعیت مادی (مالی، شغلی و ...) خود و جامعه دارند. رضامندی مادی (عامل چهارم قناعت) مشخصه افرادی است که حتی اگر از امکانات کافی برخوردار نباشند، به دلیل وجود منابع درونی هیجان مثبت و توان پذیرش شرایط، احساس رضایت بیشتری دارند. وجود نوعی تواضع، خودشناسی و خوش‌بینی، موجب می‌شود که گرفتار مقایسه غیرمنطقی و ناکارآمد وضعیت خود با دیگران صاحب رفاه و امکانات مادی نشوند.

از محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن در نمونه گسترده‌تر طلاب و دانشجویان است. اجرای این مقیاس در نمونه‌های دیگری موجب غنای بیشتر آن خواهد شد. پیشنهاد: از آنجایی که این پژوهش در چارچوب محتوای قرآن و روایات پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام انجام شد، اضافه نمودن متون اخلاقی به این چارچوب، به توسعه مفهومی مقیاس کمک خواهد نمود.

پس از اجرای گسترده مقیاس در نمونه ۴۷۵ نفری دانشجویان و طلاب، نتایج بررسی اعتبار درونی براساس محاسبه آلفای کرونباخ کل مقیاس و هرگویه، نشان داد که حذف ۵ گویه از ۲۳ گویه، موجب رسیدن این ضریب اعتبار به حداکثر خود (۰/۸۶۳) خواهد بود. نتایج آزمون دونیمه‌سازی نیز قوت اعتبار (همسانی) درونی این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. با تحلیل عاملی اکتشافی، ۴ عامل به‌دست آمد که برازش مناسب آنها، در تحلیل عاملی تأییدی نیز تأیید شد. ضمن اینکه، همبستگی تمامی گویه‌ها و عوامل با نمره کل مقیاس، مثبت و معنادار بوده‌است.

دل‌مشغولی مادی (عامل اول حرص)، به معنای داشتن یک دغدغه نسبتاً دائمی درباره آینده مادی (میزان رفاه، درآمد، هزینه‌ها، جایگاه شغلی و ...) و احساس ناخرسندی نسبت به وضعیت مادی موجود است، حتی اگر از رفاه نسبی برخوردار باشد. نشخوار ذهنی نسبت به اشتباهات مادی در گذشته، از دیگر ویژگی‌های این دسته افراد است. در مقابل، احساس امنیت مادی (عامل اول قناعت)، بیانگر آرامش ذهنی نسبت به امور مادی زندگی است، حتی اگر رفاه لازم وجود نداشته باشد. مهارگسیختگی مادی (عامل دوم حرص)، گویای ویژگی افرادی است که در مهار تکانه‌های مادی از موفقیت کمی برخوردارند و استفاده از هر وسیله‌ای را برای رسیدن به اهداف مادی، جایز می‌دانند. ارضاء نیازهای این دسته، شکلی برون‌سو داشته و ارضاء نیازهای واقعی و درونی، یا به کلی مغفول واقع می‌شود، یا وابسته به ارضاء نیازهای بیرونی تصور می‌شود. در مقابل، خودمهارگری مادی (عامل دوم قناعت) قرار دارد که گویای ویژگی افرادی است که حفظ تعادل و تعالی روانی را دارای ارزش بالاتری نسبت به نیل به اهداف مادی می‌دانند. این افراد، برخلاف افراد حریص، ارضای نیازهای مادی را در گستره سلامت روانی و نیازهای متعالی تعریف می‌کنند. ضعف معرفت و هیجان دینی (عامل سوم حرص)، در افراد حریص به معنای ضعف شناختی آنها نسبت به اصول و فروع دین و فقدان هیجان لازم در انجام تکالیف و آیین‌های دینی است. قوت معرفت و هیجان دینی (عامل سوم قناعت) نیز ناظر به ویژگی افرادی است که به اصول و فروع دین باور داشته و پایبندی درون‌سویی نسبت به دستورات دینی دارند. داشتن هیجان مثبت هنگام عبادات، از ویژگی دیگر این افراد است. احساس محرومیت و نیاز مادی (عامل چهارم حرص)، بیانگر افرادی است که در زمینه امکانات مادی و رفاهی، احساس محرومیت دارند، حتی اگر به اندازه کافی یا حتی بیش از نیاز، برخوردار از این امکانات باشند. نوعی تکبر و خودبزرگ‌بینی در شخصیت آنها وجود دارد که موجب به وجود آمدن احساس استحقاق می‌گردد. اغلب فضای تخیلی و ایده‌آل‌های این افراد را آرزوهای مادی دربرگرفته است. ابراز نارضایتی دائم از

منابع

- ابن فارس، احمد، ۱۳۹۰، *ترتیب مقایس اللغة*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- تجلیل، جلیل و زهرا ایرانمنش، ۱۳۹۰، «آموزه‌های اخلاقی در متون روایی و غیرروایی»، *ادبیات تعلیمی*، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱-۲۷.
- حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۸۸، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- حسینی شریف، علی، ۱۳۹۰، «رذایل اخلاقی و نسبت آنها با ذات آدمی»، *مطالعات اسلامی (فلسفه و کلام)*، ش ۸۷، ص ۳۳-۶۰.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۴۰، *آفرینش و خوشبختی دو جهان*، تبریز، کتابفروشی ابن سینا.
- ____، ۱۳۸۰، *مفردات الفاظ قرآن*، تهران، حوراء.
- صدر حاج سیدجواد، احمد و همکاران، ۱۳۷۶، *دایرةالمعارف تشیع*، قم، شهید سعید محبی.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، *مکارم الأخلاق*، قم، شریف رضی.
- عدهای از نویسندگان، ۱۴۱۸ق، *موسوعة نضرة النعمان فی أخلاق الرسول الکریم*، جده، دار الوسيلة للنشر والتوزیع.
- عمید، حسن، ۱۳۹۱، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- غزالی، محمدبن محمد، بی تا، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالندوة الجدیدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۵ق، *العین*، قم، دارالهجره.
- قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۶ق، *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، تهران، اسوه.
- محمدی، محمدرضا، ۱۳۸۲، *رابطه بین قناعت و حرمت خود در معلمان مقطع ابتدایی شهر قم در سال ۸۲-۱۳۸۱*، پایان‌نامه ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- محمدی، محمدرضا، ۱۳۸۸، *قناعت و سلامت روان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۷۶، *درس‌های اخلاق*، قم، الهادی.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، *اخلاق در قرآن*، قم، امام علی بن ابیطالب.
- نراقی، احمد، ۱۳۷۷، *معراج السعاده*، تهران، دهقان.
- ____، ۱۳۸۷، *جامع السعادات*، نجف، محمد کلاتر.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، *تحلیل روان شناختی حسادت و ساخت آزمون اولیه آن از منظر اسلام*، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ولی‌زاده، ابوالقاسم و مسعود آذربایجانی، ۱۳۸۹، «آزمون اولیه سنجش حسادت با تکیه بر منابع اسلامی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۴۵-۶۰.

Bentler, P.M, & chou, C, 1987, Practical issues in structural modeling, *Sociological Methods and Research*, v. 16, p. 78-117.

Bentler, P.M, 1988, Comparative fit indexes in structural model, *Psychological Bulletin*, v. 107, p. 238- 246.

Emmons, R.A, 1984, Factor analysis and construct validity of Narcissistic Personality Inventory, *Journal of Personality Assessment*, v. 48, p. 291-300.

Kerjcie, R.V, & Morgan, D.W, 1970, Determining sample size for research, *Activities. Educational and Psychological Measurments*, 30.

Meyers, L.S, & et al, 2006, *Applied Multivariate Research: Design and interpretation*, Translated by: Pashasharifi, H, Farzad, V, RezaKhani, S, Hasanabadi, H.R, EiZanloo, B, Habibi, M. 1391, Tehran, Roshd Publication.

Seligman, M.E.P, 2002, *Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment*, New York: Free Press/ Simon and Schuster.

Tangney, J.T, 2002, *Humility. Ads in Snyder*, C.R. and Lopez, S.J, The handbook of positive psychology, New York: Oxford University Press, p. 411-419.

مقدمه

وسواس - ناخودداری و ارسی، یکی از نمودهای وسواس - ناخودداری می‌باشد که اغلب به شکل و ارسی قفل‌ها، بخاری‌ها، وسایل برقی، و ارسی صحنه‌های تصادف در وقت رانندگی، بررسی مکرر کارها به‌منظور تصحیح اشتباه‌های احتمالی و تکرار، نظیر بازخوانی، بازنویسی و از جا بلند شدن و نشستن برای احساس راحتی کردن آشکار می‌شود (جوز و همکاران (Jose)، ۱۹۹۷، ص ۲۵). نمودهای وسواس و ارسی در میان افراد مذهبی، به‌گونه‌ای هستند که متخصصان در وسواس - ناخودداری، به دلیل ناآشنایی با ابعاد دینی این نوع وسواس‌ها نیز نمی‌توانند، آنها را به‌درستی درمان کند (جنایک و همکاران (Jenike)، ۱۹۹۸، ص ۵۵۵). این واقعیت و از طرفی، مراجعان زیاد مبتلا به وسواس - ناخودداری‌های و ارسی دینی می‌طلبند، نمودهای وسواس و ارسی دینی، در کنار سایر نمودهای وسواس و ارسی مورد توجه قرار گیرند. به همین دلیل، این پژوهش نمودهای مختلف وسواس و ارسی در میان افراد مذهبی را بررسی کرده، خصوصیات و چگونگی بروز و راهکارهای درمان آنها را بر اساس منابع اسلامی بیان می‌کند.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش اجتهادی دینی استفاده شد. اجتهاد دینی روشی است که در آن دین‌پژوه تلاش می‌کند با گردآوری آموزه‌های دینی مربوط به موضوع مورد بحث در منابع دینی و تحلیل محتوای آنها، با توجه به قواعد استنباط، مراد مرجع دین را نسبت به آن موضوع کشف کند. بنابراین، اجتهاد دینی، اصطلاحاً کوشش علمی بر اساس منابع معتبر، به واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین، به‌گونه‌ای است که از اعتبار برخوردار باشد. این فعالیت، در حیطه استنباط قواعد روان‌شناختی نیز جریان می‌یابد و اجتهاد دینی روان‌شناختی می‌باشد (علی‌پور و حسینی، ۱۳۹۰، ص ۶۰-۶۱). در این پژوهش، به‌منظور شناسایی نمودهای وسواس و ارسی در میان افراد مذهبی و راهکارهای درمانی آنها، آیات و روایات مربوط به نمودهای وسواس و ارسی گردآوری گردید. این آموزه‌ها، به روش اجتهاد دینی تفسیر و تحلیل گردید و شش نمود برای وسواس و ارسی ناخودداری و درمانی شش مؤلفه‌ای برای آن از متون مذکور استخراج گردید.

پیشینه تحقیق

وسواس و ارسی، یکی از شایع‌ترین وسواس‌ها و در عین حال، از پیچیده‌ترین نمودهای وسواس - ناخودداری می‌باشد. میزان شیوع آن در میان تمامی نمودهای وسواس و ارسی، فقط نسبت به نمود شست‌شو و پاکیزه‌گردانی در مرتبه دوم قرار دارد. مبتلایان به وسواس و ارسی ناخودداری و ارسی، روزانه چندین

نمودهای وسواس - ناخودداری و ارسی

در میان افراد مذهبی و راهکارهای درمانی آن بر اساس روایات اسلامی

رحیم ناروئی نصرتی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) marooei@yahoo.com
دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش معرفی نمودهای وسواس - ناخودداری و ارسی در میان افراد دیندار و ارائه راهکارهای درمانی آن، بر اساس روایات اسلامی می‌باشد. این نمودها، بر اساس روایات اسلامی، بخصوص روایات شیعی به روش اجتهاد دینی گردآوری گردید. سپس راهکارهای درمانی این نمودها، به همین شیوه از منابع معتبر استنباط و معرفی گردیده است. در این پژوهش، شش نمود شایع برای وسواس - ناخودداری و ارسی در میان افراد مذهبی به‌دست آمد: الف. و ارسی اعضای دفعی بدن، ب. وسواس و ارسی وضو، ج. وسواس و ارسی غسل، د. وسواس و ارسی ادای دین و حق‌الناس، ه. وسواس و ارسی نماز، ز. وسواس و ارسی قصد قربت و احساس ریا. برای درمان این وسواس‌ها، شش مؤلفه درهم‌تنیده کشف گردید: ۱. انکار و عدم پذیرش احساس‌های دریافتی، ۲. تعیین نوع شناخت برای عمل کردن، ۳. تعیین دقیق حد و مرز رفتار، ۴. عمل کردن به شناخت‌های صحیح، ۵. پیوستگی عمل، ۶. اجتناب از عمل کردن به باورهای نادرست.

کلیدواژه‌ها: وسواس - ناخودداری و ارسی، و ارسی اعضای دفعی بدن، و ارسی وضو، و ارسی غسل، و ارسی ادای دین و حق‌الناس، و ارسی نماز، و ارسی احساس ریا و قصد قربت.

ساعت صرف واری برخی اشیا یا مکان‌های خاص در منزل یا سایر فضاها می‌کنند. این افراد، همچنین ممکن است وقت زیاد را به دلیل واری‌های ذهنی، صرف واری خاطرات گذشته خود کنند تا اطمینان یابند که کارهای گذشته را به درستی انجام داده‌اند. این وسواس، با وسواس‌های دیگر مانند وسواس شست‌وشو و ذخیره‌سازی آمیخته می‌شود. در نتیجه، افراد نحوه شست‌وشو و ذخیره‌سازی خود را واری می‌کنند. رفتارهای واری، شکل متناقضی به خود می‌گیرند؛ زیرا فرد واری‌کننده انتظار دارد پس از واری، تمایلش به واری بعدی کاسته شود، ولی بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد و بیشتر به رفتار واری می‌پردازد (ابرامویتز و همکاران (Abramowitz)، ۲۰۰۸، ص ۱۹).

ویژگی اصلی این نوع وسواس، شک و تردید فراوان بوده و شخص می‌ترسد در نتیجه‌اهمال و غفلت او، اتفاقی ناگوار برای خودش و یا دیگران رخ دهد. این افکار، میل شدیدی را برای اجتناب و یا فعالیت‌های خنثاسازی در شخص برمی‌انگیزند و شخص به مجموعه‌ای از رفتارهای ناخودداری روی می‌آورد که هدف اصلی آن کاهش خطر و آسیب پیش‌بینی‌شده است. این افراد، نمی‌توانند واری‌ها را به تأخیر بیندازند؛ زیرا در این صورت اضطراب شدیدی را تجربه می‌کنند که برایشان قابل تحمل نیست. تجربه‌ی تردید بیمارگونه، بخشی از همه انواع وسواس‌های ناخودداری شمرده می‌شود، ولی در وسواس - ناخودداری واری عمیق‌ترین شکل خود را می‌یابد. اگر از این افراد پرسیده شود شما چه وقت راضی می‌شوید که مثلاً در وضو واقعاً آب به دستت رسیده و یا واقعاً درب را بسته و یا گاز را خاموشی کرده‌ای، در پاسخ خواهد گفت: اگر ترس از امور کاری، خانوادگی و اجتماعی نباشد من هیچ‌گاه راضی نخواهم شد و تمام روز را به واری ادامه می‌دهم (جنایک و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۲۶-۲۷). جنایک و همکاران واری‌های مکرر خانمی پنجاه ساله را نقل می‌کنند که او «دو شاخه‌های وسایل برقی را بیست مرتبه یا بیشتر داخل پریز کرده و خارج می‌کرد تا اطمینان یابد که دو شاخه را واقعاً از داخل پریز بیرون آورده است. او با کلیدهای برق نیز همین کار را انجام می‌داد. پول‌ها را بارها و بارها می‌شمرد. در وقت نوشتن نام خود روی پاکت‌نامه، آن را بارها می‌خواند تا یقین کند نام خود را دیده و نام کسی دیگری نبوده است» (همان، ص ۷).

رویکردها در درمان وسواس - ناخودداری واری

اولین مدل‌های درمانی برای وسواس ناخودداری واری، مبتنی رویکردهای روان‌تحلیلی بوده است. ولی این مدل‌های درمانی در واقع تغییری را در زندگی مبتلایان به وجود نیاورد. دومین تبیین‌ها و فعالیت‌های درمانی از اندیشه‌های رفتارگرایانه برخاسته است. از نگاه رفتاری، وسواس ناخودداری

واری، به همراه سایر نمودهای وسواس - ناخودداری از تجربه‌های شرطی‌سازی ناشی می‌شوند که با رویدادهای منفی همراه می‌گردند. برای نمونه، رویدادهایی مانند آتش‌سوزی، دزدی، سیل و سایر رویدادهای آزاردهنده، با محرک‌های خنثایی نظیر بخاری، بستن در و شیرهای آب همراه می‌شوند. سپس، رفتار ناخودداری بدان جهت حفظ می‌شوند که نقش تقویت منفی برای تمایلات فرد برای واری کردن را بر عهده دارند. به عبارت دیگر، میل شدید برای واری کردن (که احساسی ناخوشایند است)، که با رفتار واری فروکش می‌کند، به وسیله همین رفتار تقویت می‌شود و در نتیجه، احتمال تکرار آن بیشتر می‌شود. این تبیین برای وسواس واری، با نظریه دومرحله‌ای ماورر هماهنگ است، ولی طرفداران چندانی در میان صاحب‌نظران نیافته است. این به دلیل این است که بیشتر افرادی که درگیر رفتارهای وسواس ناخودداری می‌گردند، انکار می‌کنند که رویدادهای منفی نظیر آتش‌سوزی، سیل و در معرض سرقت قرار گرفتن را تجربه کرده باشند (ابرامویتز و دیگران، ۲۰۰۸، ص ۲۹).

علی‌رغم کاستی‌هایی که در تبیین‌های رفتاری برای وسواس ناخودداری واری وجود دارد، درمان اصلی که از این مدل‌ها برخاسته است، یعنی مواجهه و جلوگیری از پاسخ به منزله مداخله‌ای مؤثر در درمان وسواس ناخودداری واری نقش ایفا می‌کند (همان، ص ۲۰-۲۱). درمان مهم دیگر برای وسواس - ناخودداری واری، از رویکرد شناختی نسبت به وسواس - ناخودداری برخاسته است. این درمان بر مفهوم «احساس مسئولیت اغراق‌آمیز (متورم)» در واری‌کنندگان مبتنی است که گامی مهم و مؤثر برای فهم وسواس‌ها و ناخودداری‌ها به صورت عام و وسواس ناخودداری واری به شکل خاص می‌باشد. احساس مسئولیت اغراق‌آمیز، بدین معناست که فرد واری‌کننده تصور می‌کند قدرت فوق‌العاده‌ای در ایجاد یا جلوگیری کردن از پیامدهای منفی سرنوشت‌ساز بر عهده دارد. بنابراین، فرد وقتی نسبت به چیزی احساس مسئولیت نداشته یا به صورت معمول احساس مسئولیت کند، رفتار واری نسبت به آن نخواهد داشت. برخی پژوهش‌ها از اهمیت فزون برآورد کردن تهدیدی که واری‌کننده ممکن است با آن روبه‌رو شود و از تأثیر آن بر رفتار واری سخن گفته‌اند، ولی سایر تحقیقات آن را در ردیف احساس مسئولیت افراطی ندانسته‌اند (همان).

در دهه گذشته، عدم تحمل تردید از ناحیه مبتلایان به عنوان یکی از مؤلفه‌های شناختی وسواس ناخودداری واری مورد بحث قرار گرفته است. در تحقیقی تولین و همکاران، با استفاده از مقیاس عدم تحمل تردید به دست آوردند که مبتلایان به اختلال وسواس - ناخودداری، که واری ناخودداری را گزارش کرده‌اند، در مقیاس عدم تحمل تردید نمره بالاتر کسب کرده‌اند. در مجموع، یافته‌ها نشان

بیشتر وقت‌ها به ذهنشان می‌آید، «دچار خطا شده‌اند و برای حصول اطمینان مکرراً به واریسی کردن عملکردشان می‌پردازند» (لی بائر، ۱۳۸۲، ص ۲۹-۳۰). واریسی‌ها، معمولاً به این دلیل اتفاق می‌افتد تا ۱. اطمینان یابند که کار خود را به‌درستی انجام داده‌اند، ۲. با آلودگی و نجاست از جا بلند نشده‌اند تا چیزهای مربوط به خود و دیگران را آلوده یا نجس کنند، ۳. موجب فعالیت در دسر درست کن مانند لزوم آبکشی تمام منزل در آینده نشوند (جنایک و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۸).

ب. وسواس در وضو: یکی از وسواس‌های شایع واریسی در میان افراد مذهبی، وسواس در وضو می‌باشد. این نوع وسواس در نیت وضو، شست‌وشوی اعضای وضو و بطلان وضو، بر اثر احساس خارج شدن غیرارادی ادرار و مدفوع و یا باد روده و معده، نمودار می‌شود.

۱. وسواس در نیت وضو: نیت همان توجه داشتن به کار و فعالیت موردنظر و بعد انگیزشی و علت انجام آن می‌باشد. اگر از کسی که به سمت یخچال می‌رود، پرسیم کجا می‌روی؟ او می‌گوید می‌روم آب بخورم (رکن اول). اگر بگوییم چرا می‌خواهی آب بخوری؟ می‌گوید چون تشنه هستم (رکن دوم). ما در انجام همه کارهایمان همین‌گونه عمل می‌کنیم. یعنی ما هیچ کاری را بدون نیت انجام نمی‌دهیم. امام خمینی علیه السلام می‌گوید: نیت همان قصد انجام کار می‌باشد. در نیت لازم نیست چیزی بر زبان آورده شود، برای اینکه نیت امری قلبی است. در نیت همچنین لازم نیست چیزی را به ذهن آورد یا به عبارت دیگر، لازم نیست حدیث نفس کند و چیزی را به خاطر آورد. مثلاً به ذهن آورد که من الان نماز ظهر می‌خوانم برای امتثال امر خداوند، بلکه صرف انگیزه و علت انجام کار کفایت می‌کند. مراد از انگیزه، همان اراده اجمالی است که در صادر شدن عمل تأثیر می‌گذارد. این اراده اجمالی بر اثر غایت‌هایی که در درون فرد وجود دارد، صادر می‌شود و بدین وسیله، فرد از حالت سهو و غفلت خارج می‌شود و فعل و عملش در زمره افعال کسی به حساب می‌آید که کار را با اراده و اختیار انجام داده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۲).

چنان‌که بیان کردیم، ما همه کارهایمان، چه کوچک چه بزرگ را به همین نحو انجام می‌دهیم. خوردن، آشامیدن، راه رفتن، دویدن و فعالیت اجتماعی داشتن و... با این حال، به دلیل تأکیداتی که بر نیت در عباداتی مانند وضو، نماز، روزه و... می‌شود، برای مبتلایان به وسواس مسئله نیت به امری دشوار و طاقت‌فرسا تبدیل می‌گردد (حجازی شهرضایی، ۱۳۶۶، ص ۴۵-۴۸). خطاهای روان‌شناختی که برای این افراد پیش می‌آید، این است که تصور می‌کنند که باید به ذهن آورده و به قلبشان خطور دهند که چه کاری می‌خواهند انجام بدهند. این افراد چون چنین بنایی گذاشته‌اند، با تقلای فراوان تلاش می‌کنند، چیزی غیر آنچه خودشان می‌خواهند، وارد ذهنشان نشود. همین حساس‌سازی موجب می‌شود وقتی مثلاً فرد اراده می‌کند وضو بگیرد، چیزهای زیادی به ذهنش بیاید. او که این به ذهن آمده‌ها را مخل نیت می‌داند، فکر می‌کند نمی‌تواند نیت کند. او در واقع در وقت انجام کاری مثل نماز، پیوسته

داده‌اند، عدم تحمل تردید نقش بسیار اساسی در اضطراب تعمیم یافته و همچنین واسوس - ناخودداری واریسی بر عهده دارد. با اینکه تبیین‌های خوبی نسبت به وسواس ناخودداری واریسی تاکنون ارائه شده است، درمان آنها از پیشرفت چندانی برخوردار نبوده است. بهترین درمان، یعنی درمان رفتاری یا درمان رفتاری شناختی تا حدودی تأثیرگذار است، ولی حدود پنجاه درصد مبتلایان وسواس - ناخودداری درمان را کنار می‌گذارند (همان، ص ۲۳). همین واقعیت‌ها می‌طلبد نمودهای وسواس واریسی به صورت خاص در منابع دینی بررسی و راه‌های درمانی آن نیز استخراج شود تا شاید کمکی به شناخت بیشتر نسبت به این اختلال و همچنین درمان آن بر اساس منابعی اسلامی باشد.

تظاهرات وسواس - ناخودداری واریسی در میان افراد مذهبی

وسواس - ناخودداری‌های واریسی، معمولاً در میان افراد مذهبی به شش صورت نمودار می‌شوند:

الف. وسواس ناخودداری واریسی مواد دفعی بدن: در دین اسلام برخی از مواد از جمله مدفوع، ادرار، خون و منی حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده دارند، نجس شمرده شده‌اند. نجس بودن به صورت ملموس بدین معناست که: ۱. خوردن این مواد جایز نیست؛ ۲. خوراندن آنها به غیر نیز ممنوع است؛ ۳. این مواد در برخی اوقات مانند وقت نماز خواندن و طواف خانه خدا، نباید در بدن لباس فرد باشند (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۳۴). این حکم، زمینه دقت را برای برخی افراد فراهم می‌آورد، به طوری که با اندک احساسی مبنی بر خارج شدن یکی از این مواد از بدن، به واریسی شدید می‌پردازند و اقدامات بعدی از جمله شستن و غسل را انجام می‌دهند. در این نوع وسواس، فرد مبتلا بعد از آنکه از آبکشی محل فارغ شده و یا حتی از جای خود بلند می‌شود، به ذهنش می‌آید یا احساس می‌کند دوباره ماده دفعی خارج شد و یا شاید محل را درست و یا اصلاً آبکشی نکرده باشد. در آغاز به میزان و دفعات کم، دوباره محل را می‌شوید یا با فاصله زیاد به محل دستشویی و حمام بازمی‌گردد و دوباره بدن و لباس خود را آبکشی می‌کند. به تدریج، فاصله به ذهن‌آیی بسیار کم می‌شود و به جایی می‌رسد که با اراده بستن شیر آب و از جا برخاستن این فکر به ذهنش می‌آید و یا احساس می‌کند که محل را نشسته است. او احتمال به ذهن آمده را تأیید می‌کند و دوباره خود را آب می‌کشد. همین آبکشی‌ها اختلال را تشدید می‌کند و به جایی می‌رسد که بدون وقفه، دقیقاً در وقت اشتغال به آبکشی، به ذهنش می‌آید که شاید خود را آب نکشیده است. در این صورت، دیگر فرد به راحتی نمی‌تواند از جای خود بلند شود. پیوسته آب می‌ریزد تا جایی که پاها بر اثر زیاد نشستن به شدت درد می‌گیرد (حجازی شهرضایی، ۱۳۶۶، ص ۳۹-۴۱). این بیماران

چیزهایی غیرنماز به ذهنش می‌آید. او این واقعیت‌ها و امور به ذهن آمده را به‌عنوان اموری می‌داند که در نیت اخلال ایجاد می‌کنند و موجب ناتوانی او در نیت می‌شوند.

برای اینکه از معضل به ذهن‌آیی امور مختلف رها شود، نیت خود را بر زبان جاری می‌کند، و تلاش می‌کند لفظ را هر چه دقیق‌تر بگوید. بر اثر همین کارها، روزبه‌روز دقت و تلاش او در نحوه‌ی ادای لفظ بیشتر می‌شود. با افزایش دقت و تلاش برای صحیح‌گویی، روزبه‌روز انجام کاری که او آن را «نیت» می‌نامد، سخت‌تر می‌شود تا جایی که ممکن است اصل واجب مثل وضو، نماز و یا روزه را ترک کند (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸).

۲. **وسواس در شست‌وشوی اعضای وضو:** در قرآن کریم می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی برای انجام نماز برخاستید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سر را مسح نموده و پاهایتان را نیز تا مچ مسح کنید. بنابراین، وضو یعنی شست‌وشوی عادی صورت و دست‌ها تا آرنج و مسح سر و روی پاها (لمس سر و پاها با آب وضو). این دستوری است که خداوند برای انجام برخی کارها، از جمله برگزاری نماز خواندن لازم دانسته‌اند. افرادی که دچار وسواس ناخودداری و اِرسی نرسیدن آب به اعضای وضو می‌شوند، گاهی چنان روی دست آب می‌ریزند و دست می‌کشند که وضویشان خیلی بیش از معمول طول می‌کشد و گاهی اعضای وضویشان خشک می‌شود.

۳. **وسواس ناخودداری بطلان وضو به گمان خروج غیرارادی مواد دفعی بدن:** یکی از وسواس‌های و اِرسی و در نتیجه، تکرار وضو و غسل، احساس احتمالی و غیرارادی خروج ادرار و مدفوع و یا گازهای روده و معده و در نتیجه، باطل شدن وضو می‌باشد. در این صورت، فرد لباس‌های خود را با اندک احساسی و اِرسی می‌کند. بدن خود را برای یقین‌یابی به کمک وسایل خشک‌کننده، مانند دستمال کاغذی و غیره خشک می‌کند. این افراد تا جایی پیش می‌روند که حس می‌کنند نمی‌توانند وضوی خود را نگه دارند و باید پیوسته وضو بگیرند.

ج. **وسواس - ناخودداری و اِرسی در غسل:** وسواس و اِرسی در غسل نیز همانند وسواس و اِرسی در وضو می‌باشد که بیشتر در نیت‌کردن، احتمال نرسیدن آب به بدن و احساس خروج ادرار و مدفوع در اثنای غسل نمودار می‌شود. این نوع وسواس، به‌صورت شست‌وشوی پی‌درپی اعضای بدن، تکرار بعد از پایان‌یابی و بازگشت دوباره به حمام و شروع مجدد عمل، در رفتار فرد نمودار می‌شود. در غسل، با اینکه حس خیس شدن بدن را دارد، به این قضاوت تردیدآمیز عمل می‌کند که شاید آب به بدن نرسید. به همین دلیل، با بخش‌بخش کردن بدن، دقت زیاد در رساندن آب و به شدت دست کشیدن فرد تلاش می‌کند آب را به بدن برساند. ولی هر بار که به ذهنش می‌آید شاید آب نرسید، باز هم بنا

می‌گذارد که نرسیده است. به همین دلیل، دوباره آب می‌ریزد. همین امر موجب می‌شود غسل فرد که افراد معمولی در مدت یک تا دو دقیقه انجام می‌دهند، گاهی تا چند ساعت طول بکشد.

وضو و غسل در روایات اسلامی

دین اسلام در سرزمین عربستان، بخصوص در مکه و مدینه به انسان‌ها اهداء گردید. در آن روزگار و آن سرزمین، امکاناتی مانند آب لوله‌کشی، منابع آبی فراوان و سرویس‌های بهداشتی و غیره وجود نداشت. به‌راستی در آن دوران مسلمانان، خود پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در انجام وظایفی مانند غسل، وضو و پاک کردن بدن خود، چه کار می‌کردند؟ روایات و سیره معصومان ﷺ نشان می‌دهد برخورد بنیان‌گذاران دین با این وظایف دینی، غیر از آن چیزی است که امروزه در میان افراد متدین رواج دارد.

در ادامه، به برخی روایات درباره غسل و وضو اشاره می‌کنیم. در روایتی امام باقر ﷺ درباره میزان آبی که برای وضو لازم است، فرمودند: «شما مردم مثنی روغن برمی‌دارید و عضوی از اعضای بدن خود را چرب می‌کنید. ظرفیت و شأنت آب برای فراگیری بدن از روغن هم بیشتر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۹). در روایتی دیگر، امام باقر ﷺ می‌فرمایند: «فرد جنب همین مقدار که آب روی بدنش جاری شود، کفایت می‌کند» (همان، ج ۳، ص ۲۱). محمدبن مسلم از امام صادق یا امام باقر ﷺ می‌پرسد: برای غسل جنابت چقدر آب لازم است؟ حضرت فرمود: پیامبر خدا با همسرشان از یک ظرف با پنج مُد آب (حدود چهار لیتر) دوتایی غسل می‌کردند (همان، ص ۲۲). همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «وضو در نهایت باید یک مد آب (حدود سه چهارم لیتر) و غسل با یک صاع (حدود دو لیتر و نیم) انجام شود. در آینده، گروه‌هایی خواهند آمد که این مقدار را کم می‌شمارند. این افراد، بر خلاف سنت و روش عملی من حرکت می‌کنند. بدانید کسانی که طبق سنت من عمل کنند، با من در بهشت برین خواهند بود» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۱۶). بیش از این مقدار را معصومان ﷺ نکوهش کرده و گفته‌اند: خلاف سنت پیامبر و اسراف است. چنانکه امام صادق ﷺ می‌فرماید: «خداوند ملکی دارد که اسراف در وضو را می‌نویسد، همان‌گونه تجاوز از حد وضو را هم می‌نویسد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۹).

د. **وسواس در ادای دین و مراعات حقوق مردم:** در دین اسلام، بر تضييع نکردن و ادای حقوق مردم فراوان تأکید شده است. چنان‌که امیرالمؤمنین علی ﷺ فرموده‌اند: «حق برادرت را به هیچ‌وجه تضييع نکن به اعتماد رابطه‌ای میان تو و او وجود دارد. چون اگر حقش را ضایع کنی او برادرت نیست» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۲). در روایت دیگری، از امام صادق ﷺ نقل شده است که «خداوند به هیچ چیز برتر از ادای حق مؤمن عبادت نمی‌شود» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳). تأکید بر رعایت حق افراد در

روایات، که حکایت از لزوم رعایت حقوق قطعی افراد دارد، موجب می‌شود مبتلایان به این نوع وسواس ناخودداری، با اندکی احتمال هرچند احتمال ضعیف و غیرمعمول، دست به کار شوند و برای حقوق مردم تلاش کنند تا به کسی مدیون نباشند. این افراد، گاهی به ذهنشان می‌آید شاید به فرد خاصی مانند راننده تاکسی، اتوبوس، اداره و یا فردی که با او داد و ستد داشته‌اند، مدیون هستند. با همین ذهنیت، سراغ فرد رفته و از او سؤال می‌کنند آیا دین خود را اداء کرده‌اند، یا نه؟ گاهی این کار را بارها و بارها انجام می‌دهند باز هم راضی نمی‌شوند. یکی مراجعان بنده، وسواس شدید در مدیون شدن داشت. او با این وسواس، بارها و بارها سراغ افرادی رفته بود که قبلاً با آنها سروکار داشته است. از آنها اعتراف گرفته بود که به آنها مدیون نیست و بارها مبالغی را به‌عنوان رفع دین به آنها پرداخت کرده بود. اعتراف‌گیری را نیز با مراسم خاصی انجام می‌داد، به‌طوری‌که فرد را به ستوه می‌آورد. اگر به ذهنش می‌آمد که به کسی شاید مدیون باشد، گاهی ساعت‌ها در منزل، کوچه و یا خیابان قدم می‌زد و جمله‌ای مانند اینکه «من به فلانی مدیون نیستم» را تکرار می‌کرد. با انبوه سؤالاتی که به ذهنش می‌آمد، اطرافیان را کلافه کرده بود. همسرش در آستانه جدا شدن از او قرار داشت. بالاخره، از او طلاق گرفت. درحالی‌که وظیفه دینی در این‌گونه موارد، انکار چنین احساس‌هایی می‌باشد و فرد باید بنا بگذارد که به هیچ‌وجه به کسی مدیون نیست و نیاز به واری هم ندارد.

هـ. وسواس ناخودداری و اِرسی در نماز: وسواس ناخودداری نماز، به صورت‌های گوناگون نمودار می‌شود که به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱. **وسواس در وقت نماز:** این عده در فرا رسیدن وقت و داخل شدن وقت که ملاک‌های تعریف‌شده و معینی دارد، پیوسته تردید می‌کنند. وقتی به ذهنشان می‌آید، شاید وقت داخل نشده باشد، بنا را بر صبر کردن، احتیاط کردن و سؤال از دیگران می‌گذارند. در نتیجه، از دیگران به‌طور مکرر می‌پرسند، آیا وقت داخل شده است و یا اذان مثلاً گفته‌اند. معمولاً، نماز و عمل عبادی را تا پایان وقت به تأخیر می‌اندازند.

۲. **وسواس در تکبیرة الاحرام و سایر کلمات نماز:** وسواس در شروع نماز، که تکبیرة الاحرام فعل اول آن است، یکی از وسواس‌های شایع در میان افراد مذهبی می‌باشد. این وسواس، از وسواس در نیت آغاز می‌شود و با دقت زیاد در نحوه اداء کلمه تکبیرة الاحرام ادامه می‌یابد. وقتی فرد تصمیم می‌گیرد به نحو خاصی «تکبیر» را بگوید، به تدریج تلفظ این کلمه چنان سخت و طاقت‌فرسا می‌شود که برای گفتن این کلمه وحشتی عجیب بر وجود فرد سایه می‌افکند، ضربان قلب افزایش می‌یابد و گاهی سردرد شدید بر فرد عارض می‌شود. مرحوم نراقی می‌گوید:

از اشخاص مغرور آنهایی هستند که در نیت نماز وسوسه دارند و شیطان نمی‌گذارد که آنها نیت صحیح نمایند، چندان مورد وسوسه و اضطراب واقع می‌شوند که از ثواب و فضیلت جماعت و اول وقت باز می‌مانند، گاهی به خیال خود، به‌عنوان احتیاط، تکبیرة الاحرام را چنان با فشار می‌گویند که صیغه و لفظ آن را تغییر می‌دهند و بعد از آن، غفلت آنان را فرا می‌گیرد در بقیه نماز و دلشان در نماز نیست، بیچاره‌ها گمان می‌کنند در اول نماز که تکبیر را با آب و تاب گفتند تا آخر نماز برخیزند... اما از حضور قلب و معنی و حقیقت نماز خبری نیست، بیچاره گمان می‌کند ظاهر که زیبا افتاد، نماز او مقبول درگاه خواهد شد، و این از زشت‌ترین اقسام غرور است (حجازی شهرضایی، ۱۳۶۶، ص ۴۷-۴۸).

بنده از این دست افراد مراجعان زیادی داشته‌ام. برخی از این افراد در وقت گفتن تکبیرة الاحرام، به شدت سردرد می‌گرفتند و حتی ساعت‌ها برای گفتن این کلمه معطل می‌شدند. وسواس در صحیح‌گویی لفظ، از دیگر وسواس‌هایی است که در کلمات نماز مانند، نستعین و یا تمام کلماتی که به «نون» ختم می‌شوند، «صراط» و «واللضالین» نمودار می‌شود. این وسوسه از اینجا ناشی می‌شود که فرد به ذهنش می‌آید که «شاید لفظ را درست اداء نکرد». او بنا می‌گذارد که لفظ درست اداء نشده و دوباره تکرار می‌کند. با هر بار تکرار، تمایلش برای تکرار بیشتر می‌شود و روز به روز بر دامنه وسواسش افزوده می‌شود.

۳. **وسواس در تعداد رکعات و افعال نماز:** نماز عملی است که کمیت و کیفیت خاصی دارد. به همین دلیل، فرد برای آن برنامه‌ریزی خاصی شامل دقت در تعداد رکعات و ترتیب افعال انجام می‌دهد. اما گاهی اوقات، در اثنای نماز با توجه به اشتغال‌های ذهنی و عملی روزمره، متوجه این فعالیت‌ها می‌شود و به‌صورت ذهنی به رتق و فتق آن امور می‌پردازد. شخص وقتی دوباره به نماز برمی‌گردد، دچار تردید می‌شود و یکی از راه‌های زیر را طی می‌کند:

الف. میزان توجه به نماز بر اثر عدم تمرکز تنها اندکی کاسته می‌شود و وقتی دوباره با توجه کامل به نماز بازمی‌گردد، احتمال زیاد می‌دهد و یا به تعبیر شرعی، گمان دارد که در چه فعل و محلی از نماز قرار دارد. در این صورت، فرد زود متوجه می‌شود و تقریباً در ادامه‌دهی عمل چندان دچار مشکل نمی‌شود. با اندکی توجه، این گمان تبدیل به یقین می‌شود و فرد معمولاً در نماز دچار مشکل نمی‌شود.

ب. بعد از توجه دوباره به نماز، احتمال اندکی یا گمان ضعیفی به یک سمت دارد. در این صورت، فرد با قاطعیت به همان گمان اندک عمل می‌کند و بنا می‌گذارد که واقعاً همان چیزی را که اندک گمانی نسبت به آن دارد، درست می‌باشد.

ج. واقعاً نمی‌داند که در چه جایی از نماز بوده است و سردرگم و متحیر می‌شود.

در هر کدام از سه مورد پیش‌گفته، وظیفه شرعی معلوم است، به‌طوری‌که فرد در صورت اول و دوم، باید بنا بگذارد به همان طرفی که گمان دارد و در مورد سوم، نماز باطل است. افرادی که به وسواس مبتلا

مؤلفه‌ها و گام‌های درمانی وسواس ناخودداری و اِرسی براساس آموزه‌های اسلامی

۱. انکار و عدم پذیرش احساس دریافتی: طبق روایات اسلامی، وقتی فرد گمان می‌کند از او باد روده و معده یا ادرار خارج شده، باید بنا بگذارد که چنین اتفاقی نیفتاده است. راوی به نام عبدالرحمن از امام صادق^ع سؤال می‌کند که من گاهی در درون شکم خود حس می‌کنم که باد روده و معده جمع شده است و حتی گمان می‌کنم که از بدنم خارج شد، در چنین وضعی تکلیف وضویم چه می‌شود؟ امام^ع می‌فرمایند: وضویت هیچ مشکلی پیدا نمی‌کند، مگر اینکه صدای خارج شدن باد معده و روده را بشنوی و یا بوی آن را حس کنی. سپس فرمود: شیطان واقعاً بین دو پای مؤمن می‌نشیند و باد ایجاد می‌کند تا او را به شک بیندازد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۹۰). این روایات، بر این معنا دلالت می‌کنند که آن احساسی که شواهد خارجی آن را تأیید نموده و فرد را به یقین صددرصد می‌رساند، باید تأیید شود. در غیر این صورت، آن احساس و گمان را باید انکار کند و یقین پیشین خود را مبنی بر اینکه وضو داشته است، هرگز خدشه‌دار نکند.

۲. تعیین نوع شناخت برای عمل: قضاوت‌ها نسبت به رویدادهای خارجی، به‌صورت وهم (احتمال اندک)، شک (احتمال مساوی)، گمان (احتمال بیشتر) و یقین صددرصد نمودار می‌شود. روایات، نوع شناختی را که مکلف می‌تواند ملاک عمل قرار دهد معین کرده و تنها یقین را ملاک عمل دانسته‌اند. در روایتی، دربارهٔ باطل شدن وضو می‌فرمایند: اگر خواب بر چشم، گوش و قلب با هم مستولی شود، بر فرد لازم است وضو بگیرد. از حضرت پرسیدند: اگر در کنار فرد چیزی حرکت کند و او از حضورش آگاهی نیابد، آیا وضویش باطل می‌شود، حضرت فرمود: نه مگر اینکه با یقین صددرصد بفهمد که خواب رفته است؛ زیرا چنین فردی یقین داشته که وضوء دارد و امر یقینی را هرگز شک، که شامل گمان قوی نیز می‌شود، از بین نمی‌برد و تنها یقین آن را نقض می‌کند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۸). در روایت دیگری، حضرت فرمودند: تنها در صورتی که یقین پیدا کردی که وضویت نقض شده است، دوباره وضو بگیر. هرگز وضویت را تجدید نکن، مگر اینکه یقین داشته باشی که وضویت باطل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳). این برخورد، حکایت از این دارد که مکلف هرگز نباید تردید و گمان‌های خود را ملاک عمل قرار دهد، بلکه فقط باید به یقین عمل کند. در برخی روایات، امام^ع می‌فرمایند: اگر فرد به مقتضای این تردیدها عمل نکند، دیگر این وسوسه‌ها سراغش نمی‌آیند (همان، ج ۶، ص ۲۸۷).

روایات اسلامی نشان می‌دهند که شک و گمان، هیچ‌گونه تکلیفی را برای فرد به وجود نمی‌آورد. بنابراین، اگر کسی گمان کرد که چیز نجسی از بدنش خارج شده، یا به بدنش نجاست از جای دیگر

می‌شوند، در جایی که گمان اندکی دارند، نمی‌توانند به این گمان اندک، اعتماد کنند و می‌گویند: نمی‌دانم در کجای نماز هستم. به همین دلیل، به تکرار نماز روی می‌آورند و به تدریج، با اندک تردیدی این حس به آنها دست می‌دهد که واقعاً نمی‌دانند در چه محلی از نماز قرار دارند. به همین دلیل، به دفعات نماز را می‌شکنند و دوباره می‌خوانند و یا به ابزارهای مانند شمردن با دست، علامت‌گذاری و یا استفاده از مهرهای مخصوص روی می‌آورند. آنچه قابل توجه است، اینکه این افراد با اندک تردیدی می‌گویند، نمی‌دانم در کجای نماز هستم و خود را به یک نوع تردید عمدی در نماز مبتلا می‌کنند و به جایی می‌رسند که فردی باید قرائت آنها را بشنود و حساب رکعات نماز را برایشان نگه دارد. نماز برای این افراد، به تدریج به عملی طاقت‌فرسا و کشنده تبدیل می‌شود. آنها آرام آرام نماز را ترک می‌کنند!

و. وسواس ناخودداری و اِرسی قصد قربت و احساس ریا: احساس ریا در برخی اعمال عبادی، مانند نماز، روزه و یا وضو و در نتیجه، تکرار این اعمال، نمودی دیگر از وسواس - ناخودداری و اِرسی می‌باشد. در این نمود، وقتی فرد اراده می‌کند عملی انجام دهد که در آن قصد قربت لازم است، مانند بلند خواندن حمد و سورهٔ نماز، انتخاب صف اول جماعت یا امام جماعت ایستادن، احساس می‌کند این کار را برای خودنمایی و خوب جلوه دادن خود انجام می‌دهد. در روایات اسلامی اولاً، برای ریاکننده علامت‌های عملی برشمرده‌اند که ریاکار را از غیرریاکار متمایز می‌کند. پیامبر اکرم^ص فرمودند: ریاکننده چهار علامت دارد: ۱. وقتی کسی نزد او باشد کارهایی را که برای خداست زیاد انجام می‌دهد. ۲. در تنهایی تنبلی می‌کند و کار چندانی انجام نمی‌دهد. ۳. در هر کاری که انجام می‌دهد، به‌شدت از پی آن است که مورد ستایش و تمجید قرار گیرد، ۴. ظاهر خود را با کوشش زیاد خوب نشان می‌دهد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۲).

در روایات، همچنین برخی حالت‌های روانی را ذکر کرده‌اند که با ریا هیچ ارتباطی ندارد. از جمله: ۱. خوشحال شدن، وقتی کار قربی مانند نماز را در مقابل دیگران انجام می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۷). در توجیه این واقعیت، امام باقر^ع فرمودند: زیرا همه دوست می‌دارند که کار خیر آنها در میان مردم آشکار شود. البته نباید انگیزه از انجام عمل همین باشد، ۲. خوشحال شدن از اینکه فرد به‌خاطر کاری که انجام داده، مورد حمد و ستایش قرار گیرد. ۳. انتخاب رویه‌ای خاص در عمل خیر با قصد خیر دیگری، مانند اینکه فرد نماز را با صدای خیلی خوب بخواند تا شنوندگان از او پیروی کنند و به سمت نماز گرایش پیدا کنند. امام صادق^ع فرمودند: این ریا نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۶). ۴. وسوسه ریا مثل اینکه فرد به ذهنش می‌آید که نماز را برای دیگران خوششان می‌آید، طول می‌دهد. پیامبر خدا^ص فرمودند: درست فرد در وقت این احساس بر عکس عمل کند و نماز را طول بدهد (همان، ج ۵، ص ۴۷۹).

رسیده، لازم نیست واریسی کند، بلکه باید بنا را بر طهارت گذارد. اگر واریسی، از سر بیماری و یا موجب تشدید بیماری شود، جایز نیست. برای نمونه، در روایتی آمده است که زراره از امام صادق ع سؤال می‌کند: «آیا من وظیفه‌ای دارم در آنچه شک می‌کنم خون به آن رسیده، آن را واریسی کنم؟ حضرت فرمودند: نه» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۸۳).

۳. **تعیین دقیق حد و مرز رفتار:** در روایات اسلامی، در امور وسوسه‌آمیز تلاش شده تا فرد مبتلا، به دقت حدود رفتار را بداند. به عبارت دیگر، خط‌کشی عملی در اختیار فرد گذارده شود که طبق آن بتواند شروع و پایان کار خود را بداند. در روایتی از امام صادق ع نقل شده است که از آن حضرت درباره فردی سؤال کردند که بول کرده، سپس خود را شست‌وشو داده و از پی آن رطوبتی را مشاهده کرده که از او خارج شده است. حضرت فرمودند: وقتی فرد بول کرد و به صورت شرعی استبراء کرد و محل را شست‌وشو داد، هر مقدار رطوبت از او خارج شود، اهمیت ندهد، هر چند به ساق‌های پایش برسد (همان، ص ۹۴). همچنین زراره و ابویصیر نقل می‌کنند که ما به امام ع عرض کردیم، فردی زیاد در نمازش شک می‌کند، تا جایی که نمی‌داند چند رکعت از نمازش را خوانده و چقدر از نمازش باقی مانده است. حضرت فرمودند: در این صورت، باید نمازش را اعاده کند. زراره و ابویصیر گفتند: ما عرض کردیم این مشکل برای این فرد زیاد اتفاق می‌افتد، به گونه‌ای که هر بار اعاده کند، دوباره شک می‌کند. حضرت فرمودند: در حال شک، به نمازش ادامه دهد. سپس، فرمودند: شیطان را به این کار که نماز خود را قطع کنید، عادت ندهید؛ زیرا در این صورت در کار شما طمع می‌ورزد. بنابراین، به اندک احتمال صحت که می‌دهید، اعتماد کنید و به همان عمل کنید. اگر بارها چنین کاری را انجام دهید، دیگر شک سراغتان نمی‌آید. سپس، امام فرمودند: شیطان می‌خواهد که افراد از او اطاعت کنند، در صورتی که از او نافرمانی کنند، دیگر سراغشان نمی‌آید (کلینی، ۲۰۰۷ق، ج ۶، ص ۲۷۷). یکی از وسواس - ناخودداری‌های واریسی در مورد زنان در ایام عادت ماهانه اتفاق می‌افتد. در این ایام، زنان احکام خاصی دارند که از جمله نماز را ترک می‌کنند. برخی زنان در ایام عادت ماهانه، بیش از اندازه از خود مراقبت می‌کنند تا اینکه پاک باشند، یا جایی را نجس نکنند. افراد مبتلا به وسواس - ناخودداری واریسی، به محض شروع عادت ماهانه خود را نجس می‌دانند و یا با لباس‌هایی که در ایام عادت ماهانه پوشیده‌اند، نماز نمی‌خوانند. به ذهنشان می‌آید شاید به این لباس‌ها خون رسیده باشد و یا مثلاً عرق کرده باشند و عرق از جاهای آلوده به خون، به جاهای دیگر بدن رسیده باشد. در همین زمینه، روایاتی داریم که دلالت می‌کند فرد نباید واریسی کند و عرق ایام عادت ماهانه، هیچ ارتباطی به خون عادت ماهانه ندارد و نجس

نیست. به علاوه، نماز خواندن در لباس‌های ایام عادت ماهانه جایز است. به‌عنوان نمونه، راوی از امام صادق ع می‌پرسد: آیا زن حائض باید لباس‌هایی را که در ایام عادت ماهانه بر تن داشته، بشوید. حضرت فرمودند: فقط آن قسمت‌هایی از لباس را که به آن خون رسیده، باید بشوید و بقیه لباس را کاری نداشته باشد. راوی می‌گوید: به امام عرض کردم که او در این لباس‌ها عرق کرده است. حضرت فرمودند: عرق کردن ارتباطی به حیض ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۴۹). در روایاتی دیگر آمده است که زن حائض، در همان لباسی که عادت ماهانه شده، نمازش را می‌خواند، مگر اینکه به لباسش خون رسیده باشد (همان، ج ۳، ص ۱۰۹).

۴. **عمل کردن به شناخت‌های یقینی و صحیح:** عمل کردن به باورهای صحیح، رکن و پایه اصلی اسلام در همه زمینه‌هاست. به همین دلیل، این دستورالعمل‌ها را ائمهاطهار ع در مقام عمل کردن صادر کرده‌اند. از فرد خواسته‌اند بر خلاف احساس خود با واقعیت روبه‌رو شود و بر خلاف تردیدهای خود عمل کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (کهف: ۳۰)؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش کسانی که عمل نیکو به انجام رسانند را ضایع نخواهیم کرد.

عَلَّامَه طَبَّاطِبَائِي در تفسیر این آیه می‌فرماید: «در این آیه، پاداش برای ایمان و عمل صالح قرار داده شده است. از آیه استفاده می‌شود برای ایمان خالی، بدون عمل هیچ پاداشی وجود ندارد، بلکه چه‌بسا آیه اشعار دارد که ایمان بدون عمل خود نوعی ظلم است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۳۰۵). این امر، همان مواجهه با واقعیت می‌باشد. این بدان جهت است که بدون عمل، تغییر سازمانی در درون فرد واقع نمی‌شود. این واقعیت، همان روبه‌رو شدن با واقع و عمل نکردن بر خلاف آن می‌باشد که شباهت بلکه هماهنگی با مواجهه و جلوگیری از پاسخ دارد.

۵. **پیوستگی عمل:** در دین اسلام، علم (شناخت) و عمل قرین هم هستند. این دو، به‌منزله دو بال هستند که حرکت هماهنگ آنها انسان را به سمت مقصد حرکت می‌دهد. این دو، به‌تنهایی هیچ‌کدام راه به جایی نمی‌برند. بنابراین، اگر فردی هر قدر شناخت داشته باشد، ولی به شناخت‌هایش عمل نکند، در او هیچ دگرگونی واقع نمی‌شود. همچنان‌که عمل بدون علم، هم را به جایی نمی‌برد. امیرالمؤمنین علی ع می‌فرماید: «علم قرین و همراه عمل است». بنابراین، هر کس علم پیدا کند، به آن عمل می‌کند و هر کس عمل کند، علم دارد. علم، همواره فریاد عمل عمل سر می‌دهد. در صورتی که آن را اجابت کند و الا آن را به خود وامی‌گذارد (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ح ۳۷۲، ص ۵۳۹).

۶. اجتناب از عمل کردن به باورهای نادرست: بر اساس روایات اسلامی، فرد نباید باورهای غیرمنطقی را تأیید کند. مهمتر اینکه، نباید به این باورها عمل کند. این نحوه عمل کردن، به منزله اطاعت کردن از شیطان شمرده شده است و عملش اطاعت از خداوند به حساب نمی آید. *عبدالله بن سنان* می گوید: از امام جعفر صادق ع احوال مردی را که به مشکل وسواس در وضو و نماز گرفتار بود، نقل کردم. در پایان گفتم: او فرد عاقلی است. امام ع فرمود او چه عقلی دارد که از شیطان در اعمال خود پیروی می کند؟ *ابن سنان* می گوید: پرسیدم یابن رسول الله چگونه پیروی از شیطان می کند؟ امام ع فرمود: از خودش سؤال کن. این وسواس که سراغ او در وضو و نماز می آید، از کجا می آید؟ او، خواهد گفت: از ناحیه شیطان به او القا می شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲).

عمل کردن به باورهای صحیح و منطقی، یکی از آموزه های اسلامی است و بر اساس درمان خودیابی اسلامی، هیچ تغییر روانی، بدون عمل کردن برای فرد ایجاد نمی شود. بنابراین، درمان نه در اتاق درمان، بلکه پس از خارج شدن درمانجو از فضای درمانی و وارد شدن در فضای زندگی شخصی و واقعی اتفاق می افتد. این واقعیت مهم انسانی، از آموزه های اصیل اسلامی است. این آموزه، با ضرورت مواجهه سازی مراجع با واقعیت خارجی، که روان تحلیل گران می گویند و همچنین با رویکرد شناختی رفتاری و رویکرد رفتاری هماهنگ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

وسواس - ناخودداری، سازمان یافتگی روانی است که انواع مختلفی دارد که در فرهنگ های گوناگون تقریباً صورت یکسانی دارند (ابرامویتز و دیگران، ۲۰۰۸، ص ۴-۵)، اما نشانگان آن، در فرهنگ های گوناگون، بخصوص ادیان مختلف با هم بسیار تفاوت دارند (جنایک و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۵۵۵-۵۵۶). وسواس - ناخودداری و ارسی یکی از انواع وسواس ناخودداری است که نمودهای دینی اسلامی آن در اموری نمودار می شود که در دین اسلام، به آنها اهمیت خاصی از برخی جهات داده شده است. این نمودها، عبارتند از: الف. و ارسی و شست و شوی اعضای دفعی بدن، ب. وسواس و ارسی وضو، ج. وسواس و ارسی غسل، د. وسواس و ارسی ادای دین و حق الناس، ه. وسواس و ارسی نماز، ز. وسواس و ارسی احساس ریا و قصد قربت.

بر اساس روایات اسلامی، برای درمان وسواس ناخودداری و ارسی، اولین گام انکار احساس هایی است که به فرد دست می دهد. برای نمونه، فرد حس می کند که «ادراش بدون اراده خارج شد و یا

اینکه باد روده و معده خارج شده و وضویش باطل شد است». در این صورت، با اندک احتمالی که شاید چنین چیزی اتفاق نیفتاده، نباید به این احساس اعتنا شود. این رویکرد، با درمان منطقی - هیجانی البرت الیس، هماهنگ است که در آن به فرد بصیرت داده می شود تا از افکار غیرمنطقی خود دست بردارد (الیس و هارپر، ۱۳۸۰، ص ۲۵۵-۲۶۲). این رویکرد، همچنین با درمان خودیابی اسلامی (خود تحقیق دهی دینی)، که انکار باورهای نادرست یکی از پایه های آن می باشد، نیز هماهنگ است (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱-۱۲۲). بی تردید تا وقتی فرد افکار و احساسات خود را درست می داند و افکار جایگزینی در نظر نگیرد، تغییری در درون او واقع نخواهد شد.

آموزه های اسلامی در گام دوم، مؤمنان را از عمل به باورهای تردیدآمیز بر حذر داشته اند. چنان که امام صادق ع در روایتی می فرماید:

فرد نمازگذار هرگز یقین خود را نباید با شکی که بعداً حاصل می شود، از بین ببرد. نباید شک را در یقین وارد کند و این دو را نباید به هم بیامیزد، بلکه باید به یقین خود چنگ بزند و به وسیله آن شک را از بین ببرد. او بر اساس یقینی که دارد، عمل را تمام می کند و در هیچ حالی از حالتها، به شک توجه نمی کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳ ص ۳۵۲).

تفکیک باورها به باورهای تردیدآمیز و یقینی، تنها در منابع دینی به صورت روشن و گفتار معصومان ع آمده است. البته درمان منطقی - هیجانی الیس نیز جست و جو برای یقین یابی را از افکار غیرمنطقی می داند که باید با آن مقابله شود (جنایک و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۳۸۸). به یک معنا، می توان گفت: درمانگری منطقی هیجانی با باورهای تردیدآمیز فرد وسواسی، چون غیرمنطقی هستند، مقابله می کند.

در گام سوم، یعنی تعیین حد مرز دقیق رفتار به فرد مبتلا به وسواس کمک می کند تا او به صورت روشن بداند که از او چه خواسته می شود و با تمسک به آن، مرزهای روشن تکلیف خود را در برابر انبوه تردیدها بداند. این چیزی است که در روایات اسلامی به آن پرداخته شده و در هر کاری حدی را معین کرده اند که این حد معمولاً با حد مرزی که افراد عادی برای رفتار معین می کنند، هماهنگ است. این آموزه را می توان در دستورالعمل عصب شناس معروف فرانسوی، *پیر ژانه* به خوبی یافت. وی می گوید:

راهنمایان و درمان گران عمل را به هر دقتی که ممکن است برای بیمار مشخص می کنند. در صورتی که لازم است، هدفی فوری و تقریبی برای بیمار معین کنند، عمل را به اجزایش تجزیه کنند. درمان گر با تکرار دستورالعمل مبنی بر انجام کار، که همان مواجهه است، به بیمار به وسیله کلمات تشویق آمیز فوق العاده کمک می کند (همان، ص ۳۳۸).

گام چهارم، یعنی عمل کردن به باورها، روان را تغییر می دهد، حالت های روانی را تثبیت می کند و شاکله را حفظ می کند. این واقعیت از منابع دینی و اسلامی به خوبی به دست می آید. به همین دلیل، بر اساس روایات

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه صبحی صالح، بی‌جا، بی‌نا.

ابن‌اشعث، محمدبن محمد، بی‌تا، *الجغریات (الاشعثیات)*، تهران، مکتب‌النینوی الحدیثه.

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

الیس، آلبرت و رابرت آلن هارپر، ۱۳۸۰، *زندگی عاقلانه*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد.

برقی، احمدبن محمدبن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، ج ۲، قم، دارالکتب‌الاسلامیه.

پی. کرامر، جفری و همکاران، ۱۳۸۸، *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی بالینی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، ارسباران.

حجازی شهرضائی، سیدمهدی، ۱۳۶۶، *الوسواس و علاجه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۷۶، *الفصول المهمه فی اصول الائمة (تکملة الوسائل)*، مصحح و محقق محمدبن

محمدحسین القائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.

— ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

زمانی، مصطفی، ۱۳۶۹، *وسواس: پیدایش، رشد و علاج*، قم، پیام اسلام.

شعیری، محمدبن محمد، بی‌تا، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعة حیدریه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۹۰ق، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تصحیح: حس موسوی خراسان، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.

علی‌پور، مهدی و سیدحمیدرضا حسینی، ۱۳۹۰، *پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

علیلو، مجید محمود، سال ۱۳۸۲، *بررسی الگوهای شناختی و شاخص‌های پردازش هیجانی در اختلال وسواس -*

اجباری، تهران، انستیتو روان‌پزشکی تهران.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.

کوفی اهوازی، حسین‌بن سعید، ۱۴۰۴ق، *المؤمن*، قم، مؤسسه امام مهدی.

لی بائر، ۱۳۸۲، *غلبه بر وسواس*، ترجمه مسعود محمدی و همکاران، تهران، رشد.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۴، *تحریرالوسيلة مع تعالیک صانعی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ناروئی نصرتی، رحیم، ۱۳۸۸، *اثربخشی روش خود تحقیق‌دهی دینی در درمان وسواس - ناخودداری*، قم، مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

Abramowitz Jonathan S, & et al, 2008, *Obsessive- Compulsive disorder (subtypes and spectrum conditions)*, New York, Elsevier.

Ewen, Robert B, 2010, *An Introduction To Theories Of Personality*, 7th edition. New York: Taylor & Francis Group.

Jenike, & His Associates, 1998, *Obsessive-compulsive Disorders, Practical Management (third edition)*, New York, Mosby Inc.

Jenike Michael A, & others, 1998, *Obsessive - Compulsive Disorders; Practical Management*, New York, Mosby Inc.

Jose, A, & et al, 1997, *Biobehavioral treatment of obsessive-compulsive spectrum disorders*, New York, W. W. Norton & Company.

اسلامی تا فرد به ایمان خود عمل نکند، فعالیت‌هایش مانند مشاوره رفتن، راه‌کارهای درمانی را آموختن و در مرکز درمان با مشاور همراهی کردن، اثری برای تغییر رفتار ندارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، فرد باید به ایمان آورده‌های خود عمل کند. این آموزه، ویژه دین اسلام است و با رویکرد شناختی رفتاری شباهت دارد. ولی دین اسلام علاوه بر مرحله شناخت، دانستن و استدلال و تفسیر در شناخت، ایمان را که نقطه صفر حرکت به حساب می‌آید، عمل کردن را شروع تغییر روانی به حساب می‌آورد که در آن انتخاب آگاهانه نقش اساسی را دارد. درحالی‌که رویکرد شناختی رفتاری، حاصل دو رویکرد مجزاست که وحدت‌بخش آن اثربخشی بیشتری بر رفتار می‌باشد، نه اینکه منطبق خاصی برای انضمام این دو وجود داشته باشد.

گام پنجم، یعنی پیوستگی عمل یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که از آموزه اسلامی به دست می‌آید. بر این اساس، فرد باید پیوسته و دست‌کم چهل روز به ایمان آورده‌ها عمل کند تا تغییر محسوس و درون‌سازی شده در فرد تحقق یابد. از جمله در روایاتی آمده است که «گوشت خوردن موجب رویش گوشت در بدن می‌شود و هر کس ۴۰ روز گوشت نخورد، روحیه و اخلاقش بد می‌شود» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۵). در روایت دیگری آمده است «هر کس به مدت ۴۰ روز برای خدا اخلاص بورزد، چشمه‌های حکمت از قلب بر زبانش آشکار می‌شود» (شعیری، بی‌تا، ص ۹۴). این خصوصیت، یعنی ضرورت استمرار عمل آن هم تا چهل روز، در رویکردهای درمانی معروف به چشم نمی‌خورد.

گام ششم، یعنی اجتناب از عمل کردن به باورهای نادرست، حرکت فرد مبتلا در مسیر نادرست را متوقف می‌کند. طبق روایات اسلامی، فرد برای درمان اگرچه به باورهای درست عمل می‌کند، ولی این برای درمان کفایت نمی‌کند، او باید در کنار عمل به باورهای درست، از باورهای نادرست دست بردارد و به آنها به هیچ‌وجه عمل نکند؛ زیرا به هر میزان به باورهای نادرست عمل کند، به همان میزان در دهلیزهای اختلال باقی می‌ماند. شاید این رویکرد را بتوان از دیدگاه شناختی، بر اصطلاح «نقش افکار خودکار» منطبق کرد که در آن «برخی از افکار از جمله بسیاری از فکرهای ناسازگارانه عادت می‌شوند. افکار طرحواره‌ای منفی، آن‌قدر سریع به مغز خطور می‌کنند که بر آنها واقف نمی‌شویم، چه رسد به اینکه بفهمیم تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌ایم. به نظر شناخت درمان‌گراها، این شناخت‌های ناسازگارانه عاداتی آموختنی هستند که با پرسش و گفت‌وگوی ساده می‌توانیم به آنها برسیم» (پی. کرامر و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۵۱). در روایات اسلامی نیز خواسته می‌شود که فرد به‌صورت فعال باورهای نادرست خود را زیرسؤال ببرد و درستی آنها را نیز انکار کند و در وقت عمل از آنها اجتناب کند.

با این‌همه، این گام‌های شش‌گانه تنها در درمان خودیابی اسلامی به‌گونه‌ای مدنظر قرار گرفته‌اند و در هیچ‌کدام از رویکردهای موجود به چشم نمی‌خورد (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

مقدمه

دین به شکل خاصی در هر فرهنگ شناخته شده‌ای وجود دارد. فرد دیندار، به نوعی با یک منبع آفرینش، که بر زندگی بشر و امور طبیعی تأثیر دارد، ارتباط برقرار می‌کند. ویلیام جیمز در کتاب دین و روان می‌گوید:

دین عبارت است از: اعتقاد به اینکه نظم نامرئی در اشیا و موجودات این جهان است و بهترین کار این است که خود را با این نظم هماهنگ کنیم. یا احساسات و اعمال و تجارب انسان در خلوت با آنچه که آن را خدا می‌داند مطابق می‌باشد. پژوهش‌ها، دینداری و معنویت را به گونه مناسبی با یکدیگر ترکیب نکرده‌اند. در ادبیات این حوزه، دینداری و معنویت غالباً به‌جای یکدیگر به کار گرفته شده است. درحالی‌که دینداری به‌طور عمده با رفتارهای آشکاری مانند حضور در اماکن مذهبی و برگزاری مراسم مذهبی و همچنین باورهای شخصی افراد درباره دین مشخص می‌شود. اما معنویت یک تجربه درونی است که شامل نوعی باور و یا رابطه با خدا یا یک نیروی ماورایی است (پارگامنت، ۱۹۹۷، ص ۶۰، به نقل از راهبرد فرهنگ، ۱۳۸۹).

کراس (Krause) «دینداری» را مفهومی مرکب از سه جزء دینداری سازمانی، دینداری ذهنی و باورهای دینی تعریف می‌کند (کراس، ۱۹۹۳). دینداری سازمانی، عبارت است از: مشارکت در مراسم مذهبی، حضور در اماکن مذهبی و عضویت در این‌گونه اماکن. دینداری ذهنی، شامل تعهد و اهمیتی است که افراد برای دین به‌عنوان بخشی از زندگی قائل هستند. باورهای دینی دربردارنده عقاید افراد درباره دین و رابطه با خداست. پژوهش‌هایی که با توجه به تعریف چندبعدی از دینداری صورت گرفته، نشانگر آن است که دینداری با جنبه‌های گوناگون زندگی، سلامت جسمانی و روحی در ارتباط مثبت می‌باشد. پژوهش‌های متعدد به وجود رابطه مستقیم میان باورها و اعتقادات مذهبی با سلامت جسمی و روانی (کامپتون (Compton)، ۲۰۰۵)، شادمانی (قمی، ۱۳۸۹)، بهداشت روانی و پایداری عاطفی (کوئینیک (Koeing)، ۱۹۹۵)، اعتماد بین‌فردی (بگیو (Begue)، ۲۰۰۲)، نوع‌دوستی (لوفر و والد (wald Lupfer &)، ۱۹۸۵)، سازگاری فردی و اجتماعی (سراتون و رید (Reid Stratton &)، ۲۰۰۳)، رضایت از زندگی، بهکامی روان‌شناختی و سبک زندگی (بالتز (Boulter)، ۲۰۰۲، ص ۲۳۴)، همسازی اجتماعی (شورتز و همکاران (Shortz)، ۱۹۹۴)، برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و اعضای خانواده (تامپسون (Thompson)، ۱۹۹۹)، ابعاد سازش‌یافتگی زناشویی (تورنتون و همکاران (Thronton)، ۱۹۹۲)، جلوگیری از گرایش به سوی بزهکاری (چادویک و تاپ (Top Chadwick &)، ۱۹۹۳)، جمع‌گرایی اشاره دارد.

اثربخشی حضور در مراسم دهه اول محرم بر سطح دینداری عزاداران

Hossein86@gmail.com

محمد حسین خانی / دانشجوی دکتری علوم اجتماعی آکادمی علوم تاجیکستان

محمد یکه فلاح / کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

عزاداری محرم نوعی احیای نهضت عاشورا و ترویج روحیه آزادگی و جوانمردی است که در بین مسلمانان، به‌ویژه شیعیان مرسوم است. این یک رفتار فرهنگی است که بر دیگر رفتارها از جمله دینداری به‌عنوان مقوله اجتماعی تأثیر دارد. هدف این پژوهش، بررسی میزان اثربخشی عزاداری محرم در سطح دینداری دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد نظرآباد، سال تحصیلی ۹۲-۹۱ با استفاده از روش نیمه‌تجربی می‌باشد. گروه نمونه این پژوهش، ۹۰ نفر (۵۲ مرد، ۳۸ زن) به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آذربایجانی بود که در دو مرحله، به فاصله یک ماه اجرا شد. داده‌ها به روش آماری؛ مستقل و وابسته، تحلیل واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که نمره دینداری دانشجویان در پس‌آزمون نسبت، به نمره پیش‌آزمون به‌طور معنادار بیشتر بود. این تفاوت معنادار در خرده‌آزمون‌های جهت‌گیری مذهبی نیز مشاهده گردید. همچنین نمره آزمون‌های مؤنث بیشتر از آزمون‌های مذکر بود. می‌توان گفت مناسب در دینداری دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان دختر تأثیر داشته است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، اخلاق، دینداری، عزاداری محرم، عقاید، مناسک.

دین اسلام دارای پایه‌ها و ارکانی است که بر آنها بنا شده و بدان‌ها قوام یافته است. یکی از این ارکان، عزاداری محرم است. آن‌گونه که امام خمینی علیه السلام گفته است: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۱). از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به فضیلت فرمودند:

آیا با هم می‌نشینید و حدیث می‌گویید؟ او در پاسخ گفت: بلی. امام فرمودند: همانا من این مجالس را دوست دارم، پس امر مرا احیا کنید. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند. یا فضیلت! کسی که ما را یاد کند، یا در نزد او ما یاد شویم و از دو چشم او به اندازه بال مگسی اشک بیرون آید خداوند گناهایش را می‌آمرزد، هرچند بیشتر از کف آب دریا باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۲).

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است: «گرد هم آید و ما را یاد کنید، فرشتگان اطراف شما جمع می‌گردند. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند» (حرعاملی، ۱۴۰۳، باب ۶۶، ص ۲۶). در آیه ۳۲ سوره مبارکه «حج»، برپاداشتن شعائر دینی، نشانه تقوای دل به‌شمار می‌آید: «ذَلِكُمْ وَ مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». «شعائر» جمع «شعیره»، به معنای علامت است. منظور از شعائرالله، نشانه‌هایی است که خداوند برای اطاعتش نصب کرده است. تمام عبادت‌های گروهی، مانند نماز جمعه و مراسم‌های مذهبی جز شعائر الهی محسوب می‌شود. با توجه به مفهوم شعائرالله و جایگاه عزاداری در میان شیعیان، این مراسم نیز از شعائر الهی و دینی به‌شمار می‌آید. بزرگداشت آن نیز شرکت در مجالس عزاداری، برگزاری باشکوه و رعایت آداب آن است. برخی بر این باورند که شرکت در مراسم‌های سوگواری به تزکیه معنوی و رشد بعد الهی و انسانی افراد می‌انجامد. در تعریف دورکیمی از دین، دو عنصر بنیادین وجود دارند که تشکیل‌دهنده دین هستند: باورها و مناسک. دورکیم با تأکید بر اینکه تقلیل دین به مجموعه‌ای صرف از باورها کاری نادرست است، به اهمیت مناسک در حیات دینی اشاره می‌کند و آن را مجرای اصلی تجربه دینی و کسب ایمان دینی و بروز پیامدهای حیات دینی برای مؤمنان می‌داند. کیش عبادی یا مناسک، مجموعه اعمال منظم تکراری شده است که فقط دستگامی متشکل از علائم، که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند، نیست، بلکه مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود. دورکیم (Dourkim) در مباحث مربوط به مناسک، بیش از همه بر مناسک جمعی و مشترک و نظریه‌پردازی بر مبنای آنها تأکید دارد و چندان به مناسک فردی و منفرد اشاره نمی‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۸۵).

مهم‌ترین مخاطب مناسک درون افراد است. تصویری که در طی مناسک در درون فرد برانگیخته

می‌شود، آنهایی هستند که «برای کارکرد نیکوی حیات اخلاقی» مؤمنان ضروری هستند (همان). ایمان مذهبی در جریان مناسک مذهبی ایجاد می‌شود (رهبری، ۱۳۸۰، ص ۹۳).

هیئت‌های عزاداری، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دین‌ورزی مؤمنان است. در مراسم و آیین‌های دینی است که آمیختگی نمادین روحیات معنوی و جهان‌بینی به وجود می‌آید و آگاهی‌های معنوی مردم را شکل می‌دهد. آیین یا مناسک، با ایجاد مجموعه‌ای از حالات معنوی و انگیزه‌ها و نیز ارائه تصویری از نظم جهان هستی، به‌وسیله مجموعه واحدی از نمادها، همراه با اجرای آیین‌های دینی، باورها و عقاید دینی را جایگزین منحصر به فرد یکدیگر می‌کنند. به عقیده گیترتز، سازوکار ایجادکننده ایمان، مناسک است. ایمان مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود. برای نمونه، او می‌گوید: پذیرش مرجعیتی که حاکم بر چشم‌انداز مناسک مذهبی است، از خود مناسک سرچشمه می‌گیرد (گیترتز، ۱۹۷۳، ص ۱۵). مناسک هم مفاهیم کلی مذهبی را صورت‌بندی کرده و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌سازد که پذیرش و حتی التزام به پذیرش این مفاهیم مذهبی را توجیه می‌کند. تحقیقات ثابت نموده‌اند که نکته اصلی در باب مناسک دینی، رابطه آنها با تجربه‌های دینی مؤمنان است (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۸۵). مسئله تجربه دینی، ناشی از حضور در مناسک برای مؤمنان، به سبب آنکه تجربه دینی امری درونی و فردی است، دشواری‌هایی بسیار در حوزه پژوهش خود دارد.

مجالس عزاداری از چند جهت در تقویت و دینداری و معنویت تأثیرگذار است. از یک‌سو، با ایجاد همبستگی اجتماعی، ایجاد فضای معنوی، شکل‌دهی به مراکز دینی-فرهنگی و تقویت عواطف و احساسات دینی و از سوی دیگر، با نشر معارف الهی، فرهنگ دینی را استمرار می‌بخشد (عابدینی، ۱۳۸۹).

همچنین مراسم عزاداری، موجب تقویت روحیه دینی در جامعه و ارتباط افراد با مراکز مذهبی و عالمان دینی می‌گردد. در این فضای معنوی، نور ایمان و عشق حسینی بر قلب‌ها می‌تابد و افراد بیشتری با معارف اهل‌بیت علیهم السلام آشنا می‌شوند. در نتیجه، در دینداری خود پایدارتر می‌شوند. همچنین این فضا موجب می‌گردد افراد بسیاری دست از انحرافات عملی و عقیدتی خود بردارند. به همین دلیل ارتکاب جرایم و انحرافات در جامعه کاهش می‌یابد. در ایام عزاداری حضور روحانیان، و مبلغان، که نماد دین و دینداری‌اند، در شهر و روستا پرنگ می‌شود. پس از دوره کاهش نسبی ارتباط میان مردم و روحانیت، دوباره آنها در ارتباط بیشتر و چهره به چهره قرار می‌گیرند (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۵). یکی از مهم‌ترین آثار برگزاری مجالس عزاداری این است که دست‌کم در زمان کوتاهی، جامعه را از زندگی روزمره و مشکلات و عادات آن‌رهایی بخشیده، در آن فضای معنوی ایجاد می‌کند. طبق آمارهای

رسمی نیروی انتظامی، میزان کاهش جرم در ماه محرم، بین ۴۰ الی ۶۰ درصد می‌باشد. دلیل این مسئله را همان مذهب و فضای معنوی می‌باشد «از دیدگاه جامعه‌شناختی گفته می‌شود خودکنترلی فرد در این حالت بالا می‌رود. در عین حال، فرد خود را در برابر دیگران می‌بیند و احساس می‌کند بیشتر در برابر دید مردم است؛ زیرا همه مردم مشغول کاری خوب هستند با این اقدام او بیشتر در معرض دید قرار می‌گیرد و به خاطر همراهی نکردن با مردم خود نیز عذاب وجدان می‌گیرد» (شریفی، ۱۳۸۱).

در مجالس عزاداری محرم، ارزش‌ها و پیام‌های دینی بسیاری ترویج می‌شود. این پیام‌ها مکرر و به شیوه‌های گوناگون برای مردم القا می‌شود که در نهادینه شدن آن در جامعه و دل‌ها بسیار مؤثر است. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، آزادمردی، عزت نفس، شجاعت، غیرت دینی، رعایت اصول انسانی، عشق به نماز، دعا و مناجات، نمونه‌ای از ارزش‌های دینی است که در تابلوی عاشورا به بهترین شکل نقش بسته است. البته در اینجا منظور از عزاداری، آن عزاداری می‌باشد که با حضور قلب و توجه به یاد خداوند صورت گیرد. آیین‌ها و نمادهای مذهبی نیز پژوهش‌های علمی متعددی را به خود اختصاص داده است (گریفیت و همکاران (Griffith)، ۲۰۰۸). برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشارکت در مراسم مذهبی و عباداتی مثل نماز موجب کاهش تنش و رهایی از پریشانی‌های عاطفی می‌گردد. با مرور جامعی از بررسی‌ها، دعا را یکی از رفتارهای مذهبی مرتبط با سلامت و تندرستی گزارش می‌دهد (شریفی، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

عابدینی (۱۳۸۹) در پژوهش خود درباره نقش عزاداری محرم در خویشتن‌داری جنسی دانشجویان به این نتیجه دست یافت که ارتباط معنی‌داری بین شرکت در مجالس عزاداری و خویشتن‌داری جنسی وجود دارد. مجلد تیموری (۱۳۷۶) به نقش مراسم مذهبی، عبادات و مکان‌های دینی در بهداشت روان اشاره می‌کند. وی با ارائه تحلیلی در این زمینه نتیجه می‌گیرد: مراسم عبادی به شکل دسته‌جمعی در بهداشت روانی تأثیر گذاشت و گذشته از احساس آرامشی که حاصل کلیه مراسم عبادی دسته‌جمعی است، همدلی را به وجود می‌آورد. این امر، حالت خلسه‌ای را به جمع می‌بخشد که ناشی از فراموش کردن خود و توجه به حق است و تسکین‌دهنده اختلالات جسمی و روانی می‌باشد.

توجه به آثار مناسک و آیین عزاداری محرم، توصیف، تحلیل و تبیین روان‌شناختی آن، از این جهت که آثار دینداری مورد بررسی قرار می‌گیرد، از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است؛ زیرا برخی روان‌شناسان دین آثار دینداری را ملاک داور و معیاری برای حقانیت آن می‌دانند.

ویلیام جیمز (۱۳۷۲)، که ملاک حقانیت هر چیزی را پیامدهای عملی مفید آن می‌دانند، برای

اثبات حقانیت دین به آثار و نتایج مثبت و مفید آن روی آورده است. هرچند عمدتاً این شیوه تفکر، دین و آموزه‌های دینی را به یک فعالیت بشری تقلیل می‌دهد و فایده عملی دین، درستی اعتقاد به آن را اثبات نمی‌کند، ولی نمی‌توان انکار کرد که کارکردگرایی ما را به واقعیت‌های زمینی بازمی‌گرداند. ما را وادار می‌کند تجارب عینی و عملی را لحاظ، واقعیت‌ها را لمس و پیامدهای عملی واقعیت‌ها را ملاحظه کنیم. زمینه نظری این بحث، دیدگاه کارکردگرایی است. کانون توجه و هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل عزاداری و کارکردهایی است که عزاداری‌ها در خود دارند. همچنین توجه به کارکردهای پنهان عزاداری: نشر آموزه‌های دینی و احیای ارزش‌های دینی و بررسی میزان تأثیرگذاری عزاداری محرم، به‌عنوان یک نوع از مناسک رفتاری در شیعه و تأثیر آشکار و پنهان آن در فرد، بخصوص در بعد دینداری می‌باشد.

روش پژوهش

این پژوهش تحلیلی و توصیفی و از نوع مقطعی است که بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نظرآباد انجام شده است. در این پژوهش، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آذربایجانی برای سنجش میزان دینداری در دو مرحله به فاصله یک ماه (ده روز قبل از ماه محرم و بیستم محرم) روی ۹۰ نفر از دانشجویان اجرا شد. این تعداد از افراد آزمودنی‌هایی هستند که داوطلبانه در هر دو مرحله پژوهش با پژوهشگر همکاری کرده و پرسش‌نامه‌ها را در هر دو مرحله پیش و پس‌آزمون اجرا کرده‌اند.

آزمودنی‌ها افرادی بودند که تصمیم به شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم را داشتند. این عمل را سال قبل نیز انجام داده بودند. منظور از شرکت در مراسم عزاداری در این پژوهش، حضور دست‌کم هفت جلسه در مساجد و هیئت‌های عزاداری بود. برای دقت بیشتر تحقیق در متن پرسش‌نامه، سؤالی برای حذف افرادی که به هر دلیلی موفق به شرکت در مراسم نشده بودند و همچنین حذف افرادی که برخلاف انتظار در مراسم شرکت کرده بودند، در نظر گرفته شد. برای دستیابی مجدد در مرحله دوم، به افراد آزمودنی و جهت ترغیب آنان به دادن پاسخ صحیح، از شماره رمز انتخاب‌شده توسط خود داوطلبانه در هر مرحله استفاده شد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نظرآباد که تعداد آنها

حدود ۷۰۰ نفر بودند در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ استفاده شد. بر همین اساس در این پژوهش، از جامعه آماری مزبور تعداد ۹۰ نفر به تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری

مقیاس جهت‌گیری مذهبی اسلامی: این مقیاس با تکیه بر اسلام، توسط آذربایجانی (۱۳۸۲) تهیه شده است. پرسش‌نامه نهایی آن، مشتمل بر هفتاد سؤال و دارای دو زیرمقیاس عقاید-مناسک و اخلاق است. الف. خرده مقیاس عقاید-مناسک (R1): زیرمقیاس نخست، مشتمل بر ۴۳ ماده، دارای ضریب آلفای ۰/۹۴۷ به وسیله ۳۰۲ نفر آزمودنی پاسخ داده شده و عامل عقاید - مناسک (R1) را می‌سنجد. ب. خرده مقیاس اخلاق (R2): زیرمقیاس دوم، مشتمل بر ۲۷ ماده با ضریب آلفای ۰/۷۹۳، به وسیله ۳۲۱ نفر آزمودنی پاسخ داده شده و عامل اخلاق (R2) را می‌سنجد.

اعتبار پرسش‌نامه: آذربایجانی (۱۳۸۲) در گزارش خود درباره سنجش اعتبار دو زیرمقیاس عقاید مناسک (R1) و اخلاق (R2)، ضریب آلفای کرونباخ، اعتبار (R1) معادل ۰/۹۴۷ و اعتبار (R2) معادل ۰/۷۹۳ گزارش نموده است. گزارش وی در مجموع ضریب آلفای کرونباخ جهت‌گیری مذهبی کل (R)، در سه حوزه عقاید - مناسک و اخلاق را معادل ۰/۹۳۶ نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج به دست آمده، در مورد عامل (R1)، هر سه گروه دو به دو تفاوت معنادار دارند (در سطح معناداری $a=0/0001$). در مورد عامل (R1) (عقاید - مناسک)، میان هر سه گروه دو به دو تفاوت معنادار وجود دارد (در سطح معناداری ضریب آلفای معادل $0/0001$ و ضریب آلفا معادل $0/044$). در مورد زیرمقیاس اخلاق (R2)، هیچ‌گونه تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود (ضریب آلفا بزرگ‌تر از $0/05$). در مورد (R) (جهت‌گیری مذهبی اسلامی) در میان گروه‌های ۱ و ۲ (حوزه و دانشگاه تهران)، گروه‌های ۲ و ۳ (دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد)، تفاوت معنادار وجود دارد: اما میان گروه‌های ۲ و ۳ (دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد) تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود (ضریب آلفا بزرگ‌تر از $0/05$). همچنین در بررسی اعتبار محتوایی مقیاس، از راه جمع‌آوری نظرات کارشناسان اسلامی، میزان آن $0/775$ به دست آمد (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی و آماره در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون دینداری

دینداری	پیش‌آزمون	میانگین	میان	مد	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
	۶۶/۰۴۳۵	۶۷/۵	۶۷	۳۳	۶۴/۰۱	۶۸/۹۷	
	۶۸/۸۳۱۵	۶۹/۰۴	۶۹	۳۴	۶۸/۱۳	۷۴/۱۲	

فرضیه اول: عزاداری محرم، سطح دینداری افراد را افزایش می‌دهد.

برای بررسی این فرضیه، به کمک طرح آماری t وابسته به مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها در مراحل دوگانه پیش و پس‌آزمون پرداخته شد که نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج آزمون t وابسته برای مقایسه میانگین‌ها در مراحل دوگانه آزمون جهت‌گیری مذهبی و خرده‌مقیاس‌های آن

معناداری	t	درجه آزادی	میانگین	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
۰/۰۰۰	-۳/۵۶۱	۸۹	۶۶/۰۴۳۵	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
				۶۸/۸۳۱۵	
۰/۰۰۰	-۳/۴۴۲	۹	۹۱/۷۰	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
				۹۵/۹۲	
۰/۰۰۱	-۲/۱۰۲	۸۹	۱۲۳/۰۱	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
				۱۲۵/۹۸	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین نمرات آزمودنی‌ها در پس‌آزمون، در مقایسه با پیش‌آزمون به‌طور معناداری بالاتر است؛ بدین معنا که با وجود عزاداری محرم، سطح دینداری آزمودنی‌ها افزایش یافته است. این تأثیرگذاری را می‌توان در خرده‌مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی نیز مشاهده کرد. فرضیه ۲: تأثیرگذاری عزاداری محرم بر دینداری آزمودنی‌های مذکر و مؤنث تفاوت معنادار وجود دارد. به‌منظور بررسی این فرضیه، از طرح آماری t مستقل، به‌منظور مقایسه میانگین‌های آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون پرداخته شد، نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها در مراحل سه‌گانه در مردان و زنان در آزمون جهت‌گیری مذهبی

معناداری	F	T	میانگین	جنس	تعداد	مرحله
.۶۰۸	-۰/۲۷۰	۱/۸۲۱	۶۵/۹۶۳	مرد	۵۲	پیش‌آزمون
				زن	۳۸	
.۶۶۲	-۰/۲۷۴	۳/۳۲۱	۶۸/۶۵۲	مرد	۵۲	پس‌آزمون
				زن	۳۸	

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمرات دینداری مردان و زنان در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که سطح دینداری آزمودنی‌ها پس از انجام مناسک و آیین عزاداری محرم، بیشتر از سطح آنها قبل از انجام عزاداری است. حضور در مکان‌ها و انجام مراسم‌های مذهبی، سبب

افزایش آشنایی و پایبندی به احکام و دستورالعمل‌های دینی می‌شود. همان‌گونه که این تفاوت معنادار، در دو خرده‌آزمون عقائد-مناسک و اخلاق قابل مشاهده است.

فضای معنوی اماکن مذهبی، سبب بروز تصویرپردازی‌های ذهنی خاص در افراد می‌گردد. این امر بیانگر پیچیدگی نظام مفهومی اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌ها و احساس‌هاست. مکان‌های مذهبی، هشیارانه برخی از ارزش‌های خاص را از طریق سبک معماری و فرهنگی خود تقویت می‌کند (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹). برخی اندیشمندان این تأثیرگذاری را به روحیه خاص انسان، که آن را محاکات (یعنی تقلید، تشابه، همانندی، شباهت) نامیده‌اند، مربوط می‌دانند. همچنین فضای مذهبی محیط‌های مذهبی و مقدس، به ایجاد امیدواری و تقویت ایمان مذهبی افراد منجر می‌شود (موریس (Morris)، ۱۹۸۳، ص ۱۸).

در مجالس عزای حسینی، ارزش‌ها و پیام‌های عاشورا، که همان ارزش‌ها و پیام‌های دین است، احیا و ترویج می‌گردد. در عاشورای حسینی، این پیام‌ها مکرر و به شیوه‌های گوناگون برای عزاداران القا می‌گردد که در نهادینه شدن آن، در ذهن‌ها و دل‌ها بسیار مؤثر است. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، آزادمردی، عزت نفس، شجاعت، موج‌شکنی، غیرت دینی، ترجیح دین و عقیده بر خود، وفاداری بی‌مانند به پیشوا، نظم و انضباط، رعایت اصول انسانی حتی در حق دشمن، عشق به نماز، دعا و مناجات و توبه، دسته‌ای از ارزش‌های دینی است که در پیام‌های عاشورا نقش بسته است (دانش، ۱۳۸۹).

در فرهنگ شیعه، برپایی مراسم سوگواری پیشوایان دین، به‌ویژه امام حسین^ع و یارانش عبادت است. نماز گلاوزه شب عاشورا و سبب افزایش ایمان و معنویت است. عزاداری موجب شکوفایی معنویت است؛ چراکه عزادار امام حسین^ع هم‌نشین با حضرت است. عزادار با شرکت در این مراسم، با امامت اتصال پیدا می‌کند. این پیوند انسان‌ها را حسینی می‌کند، کسی که با امام حسین^ع بیعت کند، از صف یزیدیان جدا می‌شود. این کار خود عبادت است. چنان‌که نماز ارتباط با خدا و بریدن از غیر خداست. امام صادق^ع فرمودند: «سوگواران بر مظلومیت ما خاندان نفس کشیدنشان عبادت است» (مفید، ۱۳۹۰). از منظر قرآن کریم، مراسم سوگواری از شعائر الهی است، تعظیم آن نشانه تقواست: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۲۲)؛ و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دل‌هاست. شرط ورود در صف عزاداران حسینی آمادگی قلبی است، دلی که تقوا دارد، در این مصیبت عزادار می‌شود. از سوی دیگر، عزاداری موجب افزایش تقواست؛ چراکه برپایی این مراسم،

نشانه ایمان و عمل صالح است: «کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، خداوند مهربان آنان را محبوب قرار می‌دهد» (روم: ۱۵-۱۶).

دورکیم، مهم‌ترین سازوکار اثرگذاری مناسک را نه در استدلال، بلکه در ایجاد نوعی «احساس رضایت اخلاقی حاصل از به‌جا آوردن منظم مناسک» می‌داند (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۸۶). بنابراین، در مناسک مذهبی، استدلال منطقی و مستقیم در باب حقیقت یا سودمندی یک قضیه چندان مهم نیست، بلکه «احساس رضایت اخلاقی حاصل از به‌جا آوردن مناسک»، اثرگذار است. واعظان و رهبران مناسک بدین‌سان، نوعی پیش‌آمدگی روحی در شنوندگان برای پذیرفتن و باور کردن ایجاد می‌کنند که مقدم بر برهان و استدلال است. از دیدگاه دورکیم، این پیش‌داوری مناسب و شوق به باور کردن در مؤمنان، درست همان چیزی است که ایمان را می‌سازد، به این معنا، دورکیم در بحث از مناسک، از اصل بنیادی اعتماد که سری ایمانی است تا استدلالی سخن می‌گوید.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین نگرش مذهبی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که نگرش مذهبی زنان بیشتر از مردان است. نتایج این پژوهش، با یافته‌های فرارو و کلی‌سمور (۲۰۰۶)؛ لونتال و همکاران (Loewenthal) (۲۰۰۲)؛ بتی‌هالامی و آرگیل (Beti-Hallahme & Argyle) (۲۰۰۲)؛ فرانسیس (Francis) (۲۰۰۱)؛ لو و هاندال (Low & Handel) (۱۹۹۵)؛ شریفی (۱۳۸۱) همخوانی دارد و با بعضی از پژوهش‌های دیگر/ایگال و همکاران (Egall) (۲۰۰۳)، میرهاشمیان (۱۳۸۰) ناهماهنگ می‌باشد.

تفاوت بین دختران و پسران در دینداری، یافته‌هایی است که به‌طور مکرر و در پژوهش‌های متعدد مشاهده شده است. این یافته، به حدی در مطالعات و بررسی‌های مختلف در فرهنگ‌ها، مذاهب و طبقات مختلف تکرار شده است که بعضی از مؤلفان (استارک، ۲۰۰۵)، این مسئله را امری جهانی تلقی کرده‌اند. یعنی این امر در تفاوت‌های زیستی زنان و مردان ریشه دارد.

بعضی از محققان خاطرنشان کرده‌اند که ممکن است تفاوت دو جنس در نگرش‌های مذهبی، به مذهب خاص مورد مطالعه مربوط باشد (رهبری، ۱۳۸۰) محققانی که از نظر نگرش مذهبی تفاوت معناداری میان دو جنس به دست نیاورده‌اند، معتقدند که این تفاوت، مختص فرهنگ‌های غربی است. در فرهنگ ما، به دلایلی از جمله نفوذ بسیار گسترده مذهب در همه اعصار و دوران‌ها، این تفاوت مشاهده نمی‌شود (فرانسیس، ۲۰۰۱). تفاوت در ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان و اجتماعی‌شدن، نقش جنسی را علت این تفاوت می‌دانند. نکته دیگری که باید به آن توجه شود این است که در این

پژوهش‌ها، بالاتر بودن نگرش مذهبی در جنس مونث و نه ضرورتاً بیشتر بودن رفتارهای واقعی حاکی از دینداری، به دست آمده است. مسئله دیگر، بافت اجتماعی نمونه‌های مورد مطالعه است. تفاوت در نگرش دینی میان دو جنس، می‌تواند در طبقات اقتصادی-اجتماعی مختلف با شرایط دیگری، متفاوت باشد (کاظمیان مقدم، ۱۳۸۸).

اما نکته مهمی که درباره پژوهش‌های انجام شده در زمینه تفاوت‌های دو جنس درباره مذهب باید گفت، این است که حجم مطالعاتی که میان دو جنس در این زمینه تفاوت یافته‌اند، بسیار بیشتر از مطالعاتی است که چنین تفاوتی را نیافته‌اند (شریفی، ۱۳۸۱، ص ۳۶). برای نمونه، (لونتال و همکاران، ۲۰۰۲)، در پژوهشی که بر پیروان چهار دین مسیحیت، هندوئیسم، یهود و ایلام انجام دادند، تفاوت زنان و مردان در نگرش مذهبی را فقط در پیروان دین مسیح یافتند.

بتی- هالاومی و آرگیل (۱۹۹۷) وقت بیشتری را که زنان برای انجام فعالیت‌های مذهبی در اختیار دارند، از جمله علل این امر برمی‌شمارد. در همه ادیان، انجام فرایض دینی رکنی مهم به‌شمار می‌آید و در بیشتر جوامع مذهبی، میزان مبادرت فرد به فعالیت‌های مذهبی را نشانه شدت اعتقاد فرد به آن مذهب می‌دانند. از سوی دیگر، در اکثر پرسش‌نامه‌های مذهب، سنج یکی از مواردی که به‌مثابه شاخصی از شدت دینداری در فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد، فراوانی انجام فعالیت‌های مذهبی است که با محاسبه، وقت بیشتری که زنان برای انجام چنین فعالیت‌هایی در اختیار دارند، می‌توان انتظار داشت که میانگین نمره زنان در آزمون‌های مذهب سنج بالاتر باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که زنان در مقایسه به مردان، نسبت به دین و باورهای دینی خود احساس تعهد بیشتری می‌کنند (گرین وی، ۲۰۰۳). نتایج این تحقیق نشان داد که بشر امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند تفکر و اندیشه در باب تأثیرگذاری تقلیدات دینی بر تمامی امور انسانی، به‌ویژه مسائل روزمره می‌باشد.

منابع

احمدی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی ابعاد روان‌شناختی مناسک حج و تأثیر آن بر سطح دینداری حجاج»، *روان‌شناسی و دین*، سال اول، ش ۴، ص ۸-۲۱.

آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۲، *مقیاس سنجش دینداری، تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

اعظم آزاده، منصوره و عاطفه توکلی، ۱۳۸۶، «فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۹، ص ۱۰۱-۱۲۵.

جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه مدت «آموزش خود‌درمانگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنیدگی*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

جیمز، ویلیام، ۱۳۷۲، *دین و روان*، ترجمه مهدی قانثی، چ دوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

چراغی، مونا و حسین مولوی، ۱۳۸۵، «رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، سال دوم، ش ۲، ص ۱-۲۲.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۳ق، *وسائل الشیعه، بیروت*، دارالتراث العربی.

خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ☞

— ۱۳۷۳، *تبیان (آثار موضوعی)*، دفتر سوم «قیام عاشورادر کلام و پیام امام خمینی ☞»، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ☞

دانش، محمدقدیر، ۱۳۸۹، «چگونگی اثرگذاری عزاداری حسینی در زنده نگه داشتن دین»، *معرفت*، سال نوزدهم، ش ۱۵۱، ص ۴۳-۵۵.

دورکیم، امیل، ۱۳۸۳، *صور بینانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، مرکز.

رستمی، نادیا، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تهران»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۱۶-۱۲۶.

رهبری، حسن، ۱۳۸۰، *مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت*، تهران، دبیرخانه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد.

روزنامه قانون، ش ۲۳، آذر ۱۳۹۲، ص ۱۱.

شریفی، طیبه، ۱۳۸۱، *بررسی رابطه نگرش دینی با سلامت عمومی، افسردگی، پرخاشگری و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، اهواز، دانشگاه آزاد

- Greenway, P., & et al, 2003, Personality variables, self esteem and depression and an individual's perception of God. *Mental Health, Religion and Culture*, v. 6 (1), p. 45-58.
- Griffith, E. E., et al, 2008, "Possession, Prayer and testimony: Therapeutic aspects of the Wednesday night meeting in a black church", *Psychiatry*, v. 43, P. 123-139.
- Griffith, E. E., & et al, 2003, Therapeutic elements in a black church service", *Hospital and Community Psychiatry*, v. 35, p. 467.
- Koeing, H. G, 1995, Religion and older man in prison, *International Journal of Geriatric Psychiatry*, v. 10, p. 219-230.
- Krause, N, 1993, "Measuring Religiosity in Later Life", *Journal of Research on Aging*, v. 15, p. 170-197.
- Larson, D.B, & Zinnbauer, B. J, 2000, "Conceptualizing Religion and Spirituality: Points of Commonality, Points of Departure", *Journal for the Theory of Social Behaviour*, v. 30, p. 51-77.
- Loewenthal, K. M., & et al, 2002, Are women morereligious than men? Gender differences in religious activity among differentreligious group in the UK, *Personality and Individual Differences*, v. 32, p. 133-139.
- Low, C. A., & Handel, P. J, 1995, The relationship between religion and adjustment to college, *Journal of college Student Development*, v.36 (5), p. 406-412.
- Lupfer, M., & wald, k, 1985, An exploration of adults' religious orientations and the their philosophies of human nature, *Journal for Scientific Study of psychology*, v. 10, p. 147-163.
- Maddi, S. R, 2002, The role of hardiness and religiosity in depression and anger, Second Biannual International Conference on Personal Meaning: Freedom, responsibly and justice (July 2002). <http://www.meaning.ca/conference/program.doc>.
- Morris, P.A, 1983, *The effect of pilgrimage on anxiety*, depression and religious attitude.
- Pargament, K. I, 1997, *The Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice*, New York: Guilford Press.
- Shortz, J. L., & et al, 1994, Young adults recall of religiosity, attribution, and coping in parental divorce. *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 33, 172- 179.
- Spilka, B, et al, 1985, *The Psychology of religion: An Emprical approach* NJ: Prentice – Hall.P.14.
- Sratton, C. W., & Reid, R. J, 2003, Treating conduct problems and strengthening social and emotional competence in young children, *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, v. 3, p. 130.
- Stark, R, 2005, Addressing the universal gender difference in religious commitment, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 41, p. 495-507.
- Thompson, D. A, 1999, The role of religiosity in the school behavior of adolescents with emotional and behavioral disorders, Thesis, Florida State University, *Tallahassee*, v. 59, p. 25-27.
- Thronton, A, et al, 1992, Reciprocal effects of religiosity, cohabitation, and marriage, *American Journal of Psychology*, v. 98, p. 628- 651.

اسلامی اهواز.

- عابدینی، نصیر، ۱۳۸۹، «نقش عزاداری محرم در خویشتن‌داری جنسی دانشجویان»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۹، ص ۴۳-۵۳.
- فیاض، ابراهیم و جبار رحمانی، ۱۳۸۵، «مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین ورزی اقشار فرودست شهری»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۶، ص ۲۲-۳۱.
- قمری، محمد، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۱، ص ۸۹-۱۰۴.
- کاظمیان مقدم، کبری و مهناز مهربابی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۸، «مقایسه نگرش مذهبی و سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان»، *روان‌شناسی دین*، سال دوم، ش ۲، ص ۷۹-۸۵.
- لطف‌آبادی، حسین، ۱۳۸۱، «روان‌شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، *حوزه و دانشگاه*، ش ۳۱، ص ۴۳-۵۳.
- مجد تیموری، میرمحمد ولی، ۱۳۸۰، *مراسم مذهبی، عبادات و مکان‌های دینی در بهداشت روان*. در: چکیده مقالات اولین همایش نقش دین در بهداشت روان.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دارالفکر.
- محمد بن محمد مفید، ۱۳۹۰، *امالی شیخ مفید*، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام.
- میرهاشمیان، حمیرا، ۱۳۸۰، «تأثیر اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری مکان کنترل و نیمرخ روانی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی*، ش ۲، ص ۱-۲۲.
- Begue, L, 2002, Beliefs in justice and faith in people: just world, religiosity and interpersonal trust, *Personality and Individual Differences*, v. 32, p. 375–382.
- Beti-Hallahme, B, & Argyle, M, 1997, *The Psychology of Religious Behavior, Belief and Experience*, New York, Routledge.
- Boulter, L, 2002, Self-concept as a predictor of college freshman academic adjustment, *College Student Journal*, v. 36 (2), p. 234-246.
- Chadwick, B. A., & Top, B. I, 1993, Religiosity and delinquency among LDS adolescents, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 32, p. 100-105.
- Compton, C, 2005, *An Introduction In Positive Psychology*.
- Egall, E., & et al, 2003, Eysenck personality scale and religiosity in a US outpatient sample, *Personality and Individual Difference*, v. 37, p. 1023- 1031.
- Ferraro, K. F & Kelly-Moor, J.A, 2006, Religious consolation among menand women: Do health problem spure seeking?, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 39, p. 220-234.
- Francis, L. J, 2001, The psychology of gender differences in religion: Areview of empirical research, *Religion*, v. 27, p. 81-90.
- Geertz, Clifford, 1973, *Interpretation of Cultures*, NewYork: Basic Book.

مقدمه

مفاهیم همواره در ارتباط با مفاهیم دیگر و به صورت سیستم مفهومی مطرح هستند. کلی معتقد است: هر فرد برای درک یک مفهوم، باید سیستم سازه‌ای مربوط به آن را داشته باشد تا با ارتباط مفهوم جدید و سیستم سازه‌ای بتواند آن را درک کند (مدی (Maddi)، ۲۰۰۱، ص ۱۶۲). خدا نیز شبیه مفاهیمی چون حقیقت، یک نام و یا یک شیء نیست، بلکه یک مفهوم است و استفاده این کلمه در واقع تلاشی متفکرانه است. بنابراین، برای فهم آن به سطح معینی از یادگیری و نیز استفاده مطلوب و مؤثر این مفهوم نیاز می‌باشد (دهارت (Dehart)، ۲۰۰۲). در واقع، به نظر می‌رسد عقاید افراد دربارهٔ ویژگی‌ها و صفات بالقوه خداوند، مانند خداوند مهربان، آرامش‌بخش، قدرتمند و کيفر دهنده، می‌تواند بر مفهوم خدای آنان دلالت داشته باشد (دی‌روز و همکاران (De Roos)، ۲۰۰۴).

مفهوم «خدا»، تحول و شکل‌گیری دین‌داری شخصی افراد را تعیین می‌کند که در سال‌های گذشته، بیش از هر مفهوم مذهبی دیگر، مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است (هاید (Hyde)، ۱۹۹۰، ص ۸۶). در ادبیات تحقیق و مبانی نظری، دیدگاه‌های شناختی سهم ویژه‌ای در تبیین این مفهوم به عهده دارند. در واقع، دو جنبه رشدشناختی، یعنی تفکر نمادین و نظریه ذهن، به درک چگونگی شکل‌گیری و تحول مفهوم خدا کمک می‌کند. براساس مفاهیم جاندارپنداری و خودمیان‌بینی پیش‌عملیاتی پیائزه، گرچه ممکن است مفهوم «خدا» در دوره اول کودکی نوعی انتزاع تلقی شود، اما این مفاهیم در کودکان براساس معیارهای بزرگسالان عینی و انسان‌گونه به نظر می‌رسند. پس از آنکه کودک رشدشناختی لازم را کسب کرد، اگر نظام دل‌بستگی او توسط رویدادی، مانند جدایی، فعال شود، ممکن است کودک به خدا به‌عنوان یک جان‌شین دل‌بستگی انتزاعی و هنوز انسان‌گونه تکیه کند. همسو با این نظر، ریزوتو (۱۹۷۹) معتقد است: در این سن کودکان بازنمودی جاندار از خداوند شکل می‌دهند که در آن خداوند به‌عنوان پناهگاهی امن در نظر گرفته می‌شود (کاسیدی و شیور (Cassidy & Shaver)، ۲۰۰۸، ص ۵۱۰). مینر (Miner) (۲۰۰۷)، نیز معتقد است: سیستم رفتاری دل‌بستگی، که در پیوندهای ارتباطی کودک-والد دیده می‌شود، ممکن است گواهی بر رابطه خداوند با انسان، از طریق در نظر گرفتن خداوند به‌عنوان پایگاه و پناهگاه امن و جست‌وجوی نزدیکی به او در هنگام تنش، باشد.

در سال‌های میانه کودکی، وقتی کودک وارد مدرسه شده و از والدین و مراقبت آنها فاصله می‌گیرد، مفهوم خداوند در آنها کمتر شکل انسان‌گونه دارد. اگرچه در همین زمان نیز خداوند، در مقایسه با دوره اول کودکی، نزدیک‌تر احساس می‌شود (اشلمن و همکاران، ۱۹۹۹). داده‌های تجربی نشان می‌دهد که

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مفهوم خداوند

Raznasirzadeh@gmail.com

کلیه راضیه نصیرزاده / دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی

کازم رسولزاده طباطبایی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

نرجس عرفان‌منش / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه الزهرا

دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۱۵

چکیده

با توجه به آنکه ادراک مفهوم «خداوند» یکی از شیوه‌هایی است که برای شناسایی باورهای مذهبی افراد به کار گرفته می‌شود، این پژوهش با هدف بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مفهوم «خداوند» در دانشجویان انجام گرفت. نمونه‌ای ۵۰۲ نفره، (۲۸۱ دختر و ۲۲۱ پسر) ۱۸ الی ۳۵ سال دانشجویان دانشگاه‌های شیراز به شیوه خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه مفهوم خداوند گورسوچ، پس از ترجمه و آماده‌سازی مقدماتی، توسط آزمودنی‌ها تکمیل گردید. برای بررسی اعتبار، از بازآزمایی و آلفای کرونباخ استفاده گردید. اعتبار بازآزمایی و مقدار آلفا برای کل پرسش‌نامه به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۷۱ بود. روایی سازه و روایی محتوایی پرسش‌نامه نیز احراز گردید. در مجموع، نتایج حاصل از این بررسی نشانگر برخورداری پرسش‌نامه مفهوم «خداوند» از اعتبار و روایی مناسب برای سنجش باورهای مذهبی و کفایت این پرسش‌نامه برای استفاده در جمعیت دانشجویان ایرانی بود.

کلیدواژه‌ها: مفهوم خداوند، اعتبار، روایی، تحلیل عاملی.

از دوره اول کودکی به بعد، خداوند همواره به‌عنوان یک پناهگاه امن در هنگام تنیدگی تلقی می‌شود (تمینن (Tamminen)، ۱۹۹۴).

نوجوانی و ابتدای بزرگسالی از گذشته تاکنون، به‌عنوان دوره تغییرات اساسی افراد در زمینه مذهب در نظر گرفته شده است (گرانکوویست (Granqvist)، ۲۰۰۳). این دوران، با تغییرات مذهبی ناگهانی و سایر تغییرات در رابطه فرد با خدا همراه است. از آنجاکه نوجوانی، دوره تحولی پیچیده و ویژه‌ای است، تبیین‌های گسترده‌ای برای افزایش میزان این تغییرات در این دوره ارائه شده است. این تبیین‌ها، شامل بلوغ و غرایز جنسی، افزایش نیاز به معنا، هدف و احساس هویت و تحقق خود می‌گردد (هود و همکاران (Hood)، ۲۰۰۹، ص ۱۲۶). از دیدگاه دلبستگی، نوجوانی دوره انتقال بین چهره‌های دلبستگی اصلی، از والدین به همسالان، است (زیفمن و هزن (Zeifman & Hazan)، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰). رها کردن والدین به‌عنوان چهره‌های دلبستگی، پیامدهایی قابل پیش‌بینی همچون آسیب‌پذیری در برابر تنهایی هیجانی، یعنی فقدان چهره دلبستگی در دنیای درونی، در پی دارد. در این هنگام، ممکن است نوجوان به سمت خدا، یا رهبران مذهبی کاریزماتیک، به‌عنوان یک چهره شبه‌دلبستگی جایگزین برگردد. این تغییرات ناگهانی با آشفته‌گی‌های هیجانی همراه است (گرانکوویست، ۱۹۹۸).

سال‌های میانه بزرگسالی، در مقایسه با دوره‌های سنی پیش از آن، دوره حفظ انتقال عادت‌های مذهبی به نسل بعد است. در دوره پیری، ارتباط فرد با خداوند اغلب اهمیت خود را حفظ می‌کند، به‌ویژه هنگامی که فرد دوستان نزدیک یا همسر خود را به دلیل مرگ از دست می‌دهد. یافته‌ها حاکی از افزایش اهمیت رابطه با خداوند در این دوره‌های انتقالی است (برون و همکاران (Brown)، ۲۰۰۴؛ سیسیرلی (Cicirelli)، ۲۰۰۴؛ کیرک‌پاتریک (Kirkpatrick)، ۲۰۰۵، ص ۱۵۳).

علاوه بر دیدگاه‌های تحولی، ادراک مفهوم خداوند، نمونه‌ای از شیوه‌های متعددی است که برای شناسایی باورهای مذهبی در افراد هم برای اهداف و مقاصد تجربی و هم بالینی مورد استفاده قرار گرفته است (گورسوچ (Gorsuch)، ۱۹۶۸؛ اسپیلکا و همکاران، ۱۹۶۴؛ شافر و گورسوچ (Schaefer & Gorsuch)، ۱۹۹۱). برای مثال، در مداخلات بالینی متمرکز بر خشم و ترس، تمرکز درمانی بر مفهوم‌سازی (ادراک) خداوند و تقویت ادراک از خداوند به‌عنوان شفا دهنده و مهربان معطوف می‌شود (کار (Carr)، ۱۹۷۵؛ کامپن (Compaan)، ۱۹۸۵). نب و امرسون (Knabb & Emerson) (۲۰۱۳) ارزیابی مناسب‌کاری دلبستگی، کمک به مراجع برای ساخت قصه دلبستگی خداوند و حرکت به سوی که مراجع احساس نزدیکی بیشتری نسبت به پیامبر، به‌عنوان تصویر دلبستگی را مرکزی داشته باشد،

گام‌های مفیدی برای درمانگران و مشاوران مراجعان مسیحی دارای الگوهای دلبستگی مختل دانسته‌اند، مطالعات تجربی، مفهوم خدا را به‌عنوان یک متغیر روان‌شناختی-مذهبی براساس تحلیل عامل مقیاس‌های درجه‌بندی‌شده صفات در ارتباط با متغیرهایی مانند عزت نفس، هسته کنترل، ساختار شخصیت، شیوه ارتباطات بین‌فردی و اقتدار خانوادگی مورد ارزیابی قرار داده است (بنسون و اسپیلکا (Benson & Spilka)، ۱۹۷۳؛ شافر و گورسوچ، ۱۹۹۲).

این مفهوم می‌تواند مستقیماً با پیش‌دوری‌های روان‌شناختی و تحمل سیاسی بزرگسالان و احتمالاً با وجوه بنیادگرایانه مذهبی، باورهای خداسالارانه و تعهد مذهبی مرتبط باشد (کارپو (Karpov)، ۲۰۰۲). علاوه بر این، ادراک مفهوم خداوند در افراد، بر عملکرد و بهداشت روان آنها تأثیر دارد (گریفین و همکاران (Griffin)، ۲۰۰۹). برای نمونه، تأکید بر خداوند به‌عنوان یاری‌دهنده‌ای قدرتمند، تأثیر مثبتی بر مقابله کودکان و بزرگسالان با بیماری‌های مزمن و مرگ دارد (پندلتون و همکاران (Pendleton)، ۲۰۰۲). نتایج پژوهش رونسون و همکاران (۲۰۱۱)، بیانگر این بود که در نظر داشتن خداوند به‌عنوان خیراندیش و بخشنده، فرایند پیشروی بیماری ایدز را کند و در نظر داشتن خداوند با صفاتی همچون قضاوت‌کننده و کیفردهنده فرایند پیشروی ویروس ایدز را طی ۴ سال تسریع می‌کرد. علاوه بر این، اندازه اثر این متغیرها حتی بزرگتر از آن چیزی بود که قبلاً در مورد متغیرهای روان‌شناختی همچون دلبستگی و مقابله گزارش شده بود. شافر و گورسوچ (۱۹۹۱)، گزارش کردند که خدای دروغین، خدای بی‌فایده و خداوند دور و غیرقابل دسترس به‌گونه‌ای منفی با مقابله خود راهبر و مفهوم خدای خیراندیش، قهار، لایتناهی، هدایت‌گر، پایدار، قدرت‌مند و حافظ به‌گونه‌ای مثبت از سوی دیگر، مقابله مبتنی بر مشارکت به‌گونه‌ای مثبت با مفهوم خدای خیراندیش، قهار، لایتناهی، هدایت‌گر، پایدار و حافظ و به‌گونه‌ای منفی با خدای دروغین، خدای بی‌فایده و خداوند دور و غیرقابل دسترس در ارتباط بود. مقابله از طریق تسلیم شدن نیز خدای خیراندیش، قهار، لایتناهی، هدایت‌گر و حافظ، و به‌گونه‌ای منفی با خداوند دور و غیرقابل دسترس در ارتباط بود. اضطراب نیز با مفهوم خدای خیراندیش، قهار، لایتناهی، هدایت‌گر، پایدار و قدرت‌مند همبستگی منفی و با خدای دروغین و خداوند دور و غیرقابل دسترس همبستگی مثبت داشت (شافر و گورسوچ، ۱۹۹۱). وونگ-مک دونالد (Wong-McDonald) و گورسوچ (۲۰۰۴) معتقدند: رابطه با خداوند وابسته به شناخت و مفهوم خداوند است و در نظر گرفتن خداوند به‌عنوان خیراندیش، لایتناهی، هدایت‌گر، پایدار، قدرتمند، حافظ موجب می‌شود افراد رابطه نزدیکتری به خداوند تصور نمایند. در پژوهش بنسون و اسپیلکا (۱۹۷۳)، نیز همبستگی مثبت میان

ابزارهای پژوهش

فرم کوتاه پرسش‌نامه مفهوم خداوند: این پرسش‌نامه نخستین بار در سال ۱۹۶۸ توسط ریچارد گورسوج ارائه گردید (گورسوج، ۱۹۶۸). در این پرسش‌نامه، مجموعه صفاتی به آزمودنی‌ها ارائه و از آنها خواسته شد تا بر مبنای یک مقیاس ۵ درجه‌ای معلوم کنند، هر صفت تا چه اندازه به مفهومی که آنها از خداوند در ذهن دارند، نزدیک است. سازنده این پرسش‌نامه هشت عامل (خداوند خیراندیش، بی‌ربط، لایتناهی، قضاوت‌کننده، الوهیت، هدایت‌گر، معتبر و قهار) را معرفی می‌کند. اصل پرسش‌نامه شامل ۷۵ صفت بود که با توجه به همستگی معنادار، حداقل بالای ۷۰ درصد بین عامل‌ها، تحلیل عامل تأییدی که در ابتدا توسط گورسوج (۱۹۶۸) انجام گرفت، عامل‌ها را به‌عنوان یک مجموعه تأیید نکرد (شافر و گورسوج، ۱۹۹۲). تحلیل عامل اکتشافی این ۷۵ صفت، به استخراج ۲۰ عامل اولیه انجامید که تنها ۱۱ عامل بارعاملی بیش از ۰/۳۲ داشتند. گورسوج، بعدها فرم کوتاهی از این پرسش‌نامه تهیه کرد و در پژوهش‌های مختلف، با توجه به ماهیت پژوهش آن را مورد استفاده قرار داد.

فرایند آماده‌سازی پرسش‌نامه‌ای که در فرهنگ دیگری به وجود آمده است، مستلزم ترجمه و بازترجمه‌های متعددی است که به‌منظور کسب اطمینان از معادل بودن مفاهیم پرسش‌نامه اصلی با پرسش‌نامه ترجمه‌شده صورت می‌پذیرد. در فرایند ترجمه و آماده‌سازی پرسش‌نامه، مفهوم خداوند گام‌های زیر برداشته شد:

۱. دو نفر به‌طور جداگانه پرسش‌نامه اصلی را از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه کردند. این دو ترجمه توسط یک متخصص با مدرک دکترای تخصصی زبان انگلیسی با یکدیگر مقایسه شد و به یک متن تبدیل گردید.

۲. دو نفر به‌طور جداگانه متن مذکور را از زبان فارسی به زبان انگلیسی ترجمه کردند. این دو ترجمه نیز توسط یک دکترای تخصصی زبان انگلیسی با یکدیگر مقایسه شد و با حذف موارد اختلاف، به یک متن تبدیل گردید.

۳. در گام بعد، با همکاری یک متخصص علم کلام، صفتی که می‌توانست به بهترین و قابل‌فهم‌ترین صورت بیانگر صفت موردنظر باشد، از میان ترجمه‌های مختلف انتخاب گردید، سپس صفات به ترتیب حروف الفبا در پرسش‌نامه پخش گردید. سرانجام، نسخه فارسی پرسش‌نامه مفهوم خداوند، که در بخش پیوست مشاهده می‌شود، به وجود آمد. در مطالعه‌ای مقدماتی نسخه فارسی پرسش‌نامه مفهوم خداوند در میان گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز به‌طور آزمایشی به کار برده شد و از قابلیت کاربرد آن در جمعیت ایرانی اطمینان حاصل شد.

عزت نفس و داشتن برداشت مهربان از خداوند گزارش شده است. علاوه بر این، افرادی با انگیزه‌های درونی مذهبی خدا را تنبیه‌گرتر و مهربان‌تر می‌بینند و نیز افرادی که خدا را خیراندیش می‌بینند، بهزیستی بیشتر و رابطه نزدیک‌تری با خداوند گزارش کردند. همچنین در ملاحظه خداوند به‌عنوان تنبیه‌گر نیز به بهزیستی بیشتر می‌انجامد، گورسوج معتقد است: در نظر داشتن خداوند به‌عنوان تنبیه‌کننده گناهکاران به بهزیستی منجر می‌شود (وونگ- مک دونالد و گورسوج، ۲۰۰۴). همچنین مفهوم خداوند با آسیب‌شناسی شخصیت و آشفتگی روان‌شناختی رابطه دارد؛ هرچه مفهوم منفی‌تری از خداوند در ذهن افراد وجود داشته باشد، آسیب شخصیت و آشفتگی روان‌شناختی بیشتری وجود خواهد داشت (یورلینگر- بنتکو و همکاران، ۲۰۰۵).

برخلاف بسیاری از فرهنگ‌های دیگر، دین در جامعه ایران عاملی اساسی و تأثیرگذار در زندگی فردی و اجتماعی است. در این میان از یک‌سو، باورهای مذهبی افراد به‌عنوان عواملی تأثیرگذار، که می‌تواند فهم ما را از ارتباط میان دینداری و رفتارهای افراد افزایش دهد، در نظر گرفته می‌شود، از سوی دیگر، با توجه به اینکه سنجش و اندازه‌گیری اساس یک علم را تشکیل می‌دهد. در بررسی‌های علمی پدیده‌های مذهبی، طراحی ابزارهایی برای اندازه‌گیری به‌عنوان یک مؤلفه حساس و حیاتی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، با توجه به نقش مفهوم خداوند به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در جنبه‌های گوناگون زندگی روانی افراد، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه‌ای که این مفهوم را مورد سنجش قرار می‌دهد، هدف این پژوهش است. پرسش‌های این پژوهش این است که آیا فرم کوتاه پرسش‌نامه مفهوم خداوند، در جامعه دانشجویان ایرانی از اعتبار و روایی مناسب برخوردار است؟ و ادراک دانشجویان در مورد مفهوم خداوند چگونه است؟

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش که از نوع توصیفی است، کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های شهر شیراز تشکیل می‌باشند. از این جامعه آماری، با توجه به ماهیت پژوهش، نمونه‌ای ۵۰۲ نفره، مشتمل بر ۲۸۱ دختر و ۲۲۱ پسر که در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال قرار داشتند، به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این شیوه نمونه‌گیری، ابتدا از هر دانشگاه شهر شیراز، دو دانشکده به تصادف انتخاب گردید، سپس از هر دانشکده دو کلاس انتخاب شد و کلیه دانشجویان آن کلاس در پژوهش شرکت نمودند.

مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کرویت بارتلت ۴ برابر $2821/910$ بود که در سطح $0/0001$ معنی‌دار بود و حکایت از کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب‌شده برای انجام تحلیل عاملی داشت. پس از حصول اطمینان نسبت به کفایت نمونه‌گیری محتوا و معنی‌داری ماتریس اطلاعات، براساس نمودار اسکری و درصد واریانس مورد محاسبه توسط عوامل، هفت عامل استخراج شد. سپس، عوامل استخراجی به شیوه Varimax مورد چرخش قرار گرفتند. چهار مقیاس فرعی استخراج‌شده شامل «خداوند خیراندیش، دروغین، دور- قهار و ارزشمند» نامگذاری شد. به ترتیب ۳۰، ۱۴، ۸ و ۶ در مجموع ۵۸ درصد واریانس را تبیین می‌کرد.

جدول ۲: نتایج تحلیل عامل اکتشافی پرسش‌نامه مفهوم خداوند

سؤال	عامل	بار عاملی	سؤال	عامل	بار عاملی
آرامش‌بخش	خداوند ارزش‌مند	۰/۵۳	صمیمی	خداوند خیراندیش	۰/۵۸
ارزش‌مند	خداوند ارزش‌مند	۰/۵۸	ضعیف	خداوند دروغین	۰/۶۸
بخشنده	خداوند خیراندیش	۰/۷۳	عالم مطلق	خداوند خیراندیش	۰/۴۹
بی‌خاصیت	خداوند دروغین	۰/۷۱	قابل اعتماد	خداوند خیراندیش	۰/۶۶
پر معنا	خداوند ارزش‌مند	۰/۵۸	قادر مطلق	خداوند خیراندیش	۰/۶۹
پوچ	خداوند دروغین	۰/۷۷	غضبناک (قهر آلود)	خداوند دور- قهار	۰/۷
حاضر مطلق	خداوند خیراندیش	۰/۵۷	کیفردهنده	خداوند دور- قهار	۰/۶۶
حافظ	خداوند خیراندیش	۰/۷۵	مبهم	خداوند دور- قهار	۰/۷۲
حامی	خداوند خیراندیش	۰/۶۹	معتبر	خداوند خیراندیش	۰/۷۹
دروغین	خداوند دروغین	۰/۸۰	مؤثر	خداوند خیراندیش	۰/۷۷
دور- قهار	خداوند دور- قهار	۰/۶۴	مهربان	خداوند خیراندیش	۰/۷۴
دیرپاب	خداوند دور- قهار	۰/۶۲	وقت‌شناس	خداوند خیراندیش	۰/۶۹
ستار	خداوند خیراندیش	۰/۶۸	هدایت‌گر	خداوند خیراندیش	۰/۷۴
ساختگی	خداوند دروغین	۰/۶۱	یاری‌دهنده	خداوند خیراندیش	۰/۶۷

روایی محتوایی پرسش‌نامه حاضر، با استفاده از روش روایی وابسته به محتوی محاسبه گردید. سؤالات پرسش‌نامه در اختیار ۲ نفر متخصص قرار گرفت و نظرات آنان راجع به تک‌تک سؤالات در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت جمع‌آوری گردید. میزان همبستگی بین این دو نفر، برابر $0/92$ به‌دست آمد که در سطح $P < 0/05$ معنی‌دار شد.

دومین پرسش پژوهش حاضر، به بررسی نحوه ادراک دانشجویان در مورد مفهوم خداوند

پس از ارائه پرسش‌نامه به دانشجویان، این توضیحاتی در مورد آن داده شد: «اصطلاح "خداوند" برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. ما می‌خواهیم بدانیم این واژه برای شما چه معنایی دارد. در این پرسش‌نامه، مجموعه صفاتی وجود دارد که ما از شما می‌خواهیم هر کدام را به دقت بخوانید و معلوم کنید هر صفت تا چه اندازه به مفهومی که شما از خداوند در ذهن دارید، نزدیک است. پاسخ‌های شما به‌صورت گروهی و برای استفاده در یک پژوهش مورد استفاده قرار خواهند گرفت. بنابراین، نیازی به ذکر نام و سایر مشخصات نیست. هیچ پاسخ درستی وجود ندارد. نظر شما هر چه باشد، برای ما محترم است. با صداقت پاسخ دهید و دقت نمایید که هیچ سؤالی را بدون پاسخ نگذارید». از دانشجویان خواسته شد هر یک از سؤالات را به دقت بخوانند و برای پاسخ‌گویی در مورد هر صفت، یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، من همواره خداوند را با این صفت تصور می‌کنم، را به کار ببرند. پس از تکمیل پرسش‌نامه نیز از اینکه دانشجویان با صرف وقت خود با صداقت و آرامش به سؤالات پاسخ داده بودند، از آنها سپاسگزاری گردید.

یافته‌های پژوهش

اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از دو شیوه بازآزمایی، (با فاصله زمانی دو هفته، در یک گروه نمونه ۳۰ نفری) و همسانی درونی، با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ محاسبه گردید. نتایج مربوط به آن در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: نتایج مربوط به محاسبه اعتبار کل و خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه مفهوم خداوند

خیراندیش	آلفای کرونباخ	بازآزمایی
خیراندیش	۰/۹۳	۰/۹۰
دروغین	۰/۷۹	۰/۷۶
دور- قهار	۰/۶۱	۰/۶۸
ارزشمند	۰/۷۱	۰/۷۷
کل	آلفای کرونباخ: ۰/۷۱	اعتبار بازآزمایی: ۰/۷۸

به منظور سنجش روایی پرسش‌نامه پس از تکمیل پرسش‌نامه توسط آزمودنی‌ها، داده‌های حاصل به روش مؤلفه‌های اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. این روش، از جمله روش‌های اکتشافی در تحلیل عاملی محسوب می‌شود. هدف از این نوع تحلیل، تعیین ساختار عاملی موجود در مقیاس می‌باشد. نتایج اولیه این تحلیل حاکی از این بود که مقدار عددی شاخص KMO برابر با $0/92$ و نیز

می‌پردازد. برای پاسخ‌گویی به این پرسش، جمع نمرات آزمودنی‌ها در هر عامل بر تعداد سؤالات مقیاس در آن عامل تقسیم گردید (میانگین وزنی). نتیجه عددی بین ۱ تا ۵ بود که امکان مقایسه ادراک دانشجویان در مورد خداوند را فراهم می‌ساخت. میانگین وزنی چهار عامل خداوند خیراندیش، خداوند ارزشمند، خداوند دور-قهار و خداوند دروغین، به ترتیب برابر با ۴/۶۱، ۴/۰۸، ۴/۴۶ و ۱/۲ بود. بنابراین، دانشجویان خداوند را به ترتیب خیراندیش، ارزشمند، ادراک می‌کردند. علاوه بر اینکه در مورد خداوند دور-قهار و دروغین مخالفت بیشتری ابراز شده بود. میانگین مربوط به هر صفت در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: میانگین صفات پرسش‌نامه مفهوم خداوند

صفت	میانگین	صفت	میانگین	صفت	میانگین	صفت	میانگین وزنی
آرامش‌بخش	۴/۶۶	حافظ	۴/۶۳	صمیمی	۴/۴۶	مهم	۲/۷۴
ارزش‌مند	۴/۴۳	حامی	۴/۶۷	ضعیف	۱/۱۸	معتبر	۴/۶۱
بخشنده	۴/۶۸	دروغین	۱/۱۸	عالم مطلق	۴/۶۵	مؤثر	۴/۶۱
بی‌خاصیت	۱/۱۷	دور-قهار	۲/۲۲	قابل اعتماد	۴/۲۵	مهربان	۴/۷۱
پر معنا	۴/۵۵	دیرپای	۲/۳۵	قادر مطلق	۴/۶۵	وقت‌شناس	۴/۷۶
پوی	۱/۱۸	ستار	۴/۴۷	غضبناک(قهر آلود)	۲/۱۵	هدایت‌گر	۴/۶
حاضر مطلق	۴/۵۴	ساختگی	۱/۲۹	کفر دهنده	۲/۸۷	یاری دهنده	۴/۷۱

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق، نتایج تلاش‌هایی را که با هدف آماده‌سازی و بررسی نخستین اعتبار و روایی پرسش‌نامه مفهوم خداوند در یک جمعیت دانشجویی ایرانی انجام شده است، منعکس می‌کند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه مفهوم خداوند از اعتبار لازم برخوردار است. هلم/استاتر (۱۹۶۴) پیشنهاد کرده است مقیاسی را که ضریب همسانی درونی عبارات تشکیل‌دهنده آن بالاتر از ۰/۵۰ است، دارای ضریب همسانی درونی قابل‌قبولی است که می‌تواند حداقل در پژوهش‌هایی که هدف آن مقایسه گروه‌ها با یکدیگر است، به کار رود. با در نظر گرفتن این عدد، تمام مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه مفهوم خداوند، دارای ضریب همسانی درونی قابل‌قبولی است. از میزان پیشنهادشده به وسیله هلم/استاتر (۱۹۶۴) بالاتر است. ضمن آنکه ضرایب مذکور باید با در نظر گرفتن تعداد محدود عبارات هر زیرمقیاس تحلیل و توجیه شود. به علاوه، محاسبه ضرایب بازآزمایی (به فاصله ۲ هفته) نشان داد که آزمون در یک فاصله زمانی قابل‌توجه (دو هفته)، دارای اعتبار مطلوبی است. گورسوچ در پرسش‌نامه اصلی هشت عامل خیراندیش، قضاوت‌کننده، لایتناهی، هدایت‌گر، معتبر،

الوهیت، بی‌ربط، و قهار، را معرفی کرده است. در حالی که همان‌گونه که بیان شد، در این مطالعه در روش تحلیل عاملی اکتشافی چهار مقیاس فرعی خداوند خیراندیش، دروغین، دور-قهار و ارزش‌مند استخراج گردید. عمده‌ترین تفاوت بین نتایج تحلیل عامل گویه‌های پرسش‌نامه مفهوم خداوند در جامعه ایرانی و آمریکایی، این بود که در نمونه ایرانی، دو اکثر صفات زیر یک عامل (خداوند خیراندیش) قرار گرفت. این یافته می‌تواند به معنای ادراک همانند این صفات و غیرمجزا بودن این صفات خداوند در جامعه ایرانی باشد. ضمن اینکه تفاوت مذکور را می‌توان ناشی از تفاوت‌های فرهنگی در مفهوم خدا بین جامعه مورد مطالعه (جامعه مسلمان) و جامعه مورد مطالعه در ساخت پرسش‌نامه اصلی (جامعه مسیحی) نیز دانست. این نتایج، با نتایج پژوهش وگوت و تمای (Vergote & Tamay) (۱۹۸۱) که معتقدند: ضمن آنکه در ادراک مفهوم خدا در فرهنگ‌های مختلف شباهت‌هایی وجود دارد، برخی تفاوت‌های فرهنگی نیز دیده می‌شود، همسو است. بنابراین، ضرورت انجام پژوهش‌های کیفی و یا مطالعاتی که به بررسی چرایی این عدم تفکیک صفات مختلف خداوند بپردازد، احساس می‌گردد.

در مجموع، نتایج حاصل از این بررسی بیانگر برخورداری پرسش‌نامه مفهوم خداوند از اعتبار و روایی مناسب جهت سنجش باورهای مذهبی و کفایت این پرسش‌نامه برای استفاده در جمعیت دانشجویان ایرانی بود. اما باید توجه داشت: گرچه پیش از به‌کارگیری پرسش‌نامه مفهوم خداوند، در فرهنگ ایرانی با استفاده از واژه‌ها و مفاهیم ایرانی و اسلامی درباره خداوند، یک مطالعه مقدماتی انجام گرفته و عوامل و ابعاد مربوط به مؤلفه‌های مفهوم خداوند با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی بررسی شده است. گرچه به نظر می‌رسد که این پرسش‌نامه برای فرهنگ ما و ارزیابی مفهوم خداوند از دیدگاه افراد ایرانی و مسلمان کاربرد دارد. اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که مقیاس اولیه این آزمون، مربوط به فرهنگ مسیحیت است. این احتمال را نیز باید در نظر داشت که جامعه مورد مطالعه در این پژوهش (یعنی جمعیت دانشجویی ایرانی)، می‌تواند در به وجود آمدن این تفاوت نقش داشته باشد. این احتمال وجود دارد که اگر آزمون در نمونه‌های غیردانشجویی اجرا گردد، نتایج متفاوتی به دست آید. البته دلایل احتمالی دیگری را نیز می‌توان برای تبیین یافته‌های فوق بیان کرد، ولی بهتر است بحث بیشتر در این باره را به آینده و به زمانی که یافته‌های فوق در یک یا دو مطالعه دیگر تکرار شد، واگذاشت. همچنین مطالعه کنونی را می‌توان، مطالعه مقدماتی در خصوص بررسی مفهوم خداوند در جامعه ایرانی دانست که انجام پژوهش و ساخت پرسش‌نامه‌ای با استفاده از صفات خداوند در آیات و روایات اسلامی، در دعاهایی مانند جوشن کبیر، طی پژوهش‌های آتی توسط پژوهشگران علاقه‌مند را در پی داشته باشد.

- Guilford Press.
- Knabb, J.J., & Emerson, M .Y, 2013, "I Will Be Your God and You Will Be My People": Attachment Theory and the Grand Narrative of Scripture, *Pastoral Psychology*, v. 62 (2), p. 827-841.
- Maddi, S.R, 2001, *Personality theories: A comparative analysis (6th Ed)*, Prospective Heights, IL: Waveland Press.
- Miner, M, 2007, Back to the basics in attachment to God: Revisiting theory in light of theology, *Journal of Psychology and Theology*, v. 35, p. 112–122.
- Pendleton, S. M., & et al, 2002, Religious/ spiritual coping in childhood cystic fibrosis: A qualitative study, *Pediatrics*, v. 109 (1), p. 1–11.
- Schaefer, C. A. & Gorsuch, R. L, 1991, Psychological adjustment and religiousness: The multivariate belief-motivation theory of religiousness, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 30, p. 448-461.
- Schaefer, C. A. & Gorsuch, R. L, 1992, dimensionality of religion belief and motivation as predictors of behavior, *Journal of psychology and Christianity*, v. 11(3), p. 244-254.
- Spilka, B, & et al, 1964, The concept of God: A factor-analytic approach, *Review of religious research*, V. 6, P. 28-36.
- Tamminen, K, 1994, Religious experiences in childhood and adolescence: A viewpoint of religious development between the ages of 7 and 20, *International Journal for the Psychology of Religion*, v. 4, p. 61–85.
- Vergote, A. & Tamay, O.A, 1981, *The parental figures and the representation of God: A psychological and cross-cultural study*, The Hague: Mouton.
- Wong-McDonald, A, & Gorsuch, R, L, 2004, A multivariate theory of God concept, religious motivation, locus of control, coping and spiritual well-being, *Journal of Psychology and Theology*, v. 32, p. 318-334.
- Zeifman, D, & Hazan, C, 1997, *A process model of adult attachment formation*, In S. Duck (Ed.), *Handbook of personal relationships* (p. 179–195), Chichester, UK: Wiley.
- Benson, P. & Spilka, B, 1973, God image as a function of self-esteem and locus of control, *Journal for the Scientific study of Religion*, v. 12, p. 297-310.
- Brown, S. L, & et al, 2004, Religion and emotional compensation: Results from a prospective study of widowhood, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 30, p. 1165–1174.
- Carr, L.C, 1975), A case for christian psychotherapy, *Journal of Psychology and theology*, v. 3, p. 99-103.
- Cassidy , J , Shaver. PR, 2008, *Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications*, 2nd ed, The Guilford Press, New York.
- Cicirelli, V. G, 2004, God as the ultimate attachment figure for older adults, *Attachment and Human Development*, v. 6, p. 371–388.
- Compaan, A, 1985, Anger, denial and the healing of memories, *Journal of psychology and Christianity*, v. 4, p. 83-85.
- De Roos, S. A, et al, 2004, Influence of Maternal Denomination, God Concepts, and Child-Rearing Practices, on Young Children's God Concepts, *Scientific Study of Religion*, v. 43(4), p. 519-535.
- Dehart, P, 2002, The ambiguous infinite: Jungel, Marion, and the God of Descartes journal of religion, v. 82 (1), p. 75-96.
- Eshleman, A. K, & et al, 1999, Mother God, father God: Children's perceptions of God's distance, *International Journal for the Psychology of Religion*, v. 9, p. 139–146.
- Eurelings-Bontekoe. E. H. M, & et al, 2005, The association between personality, attachment, psychological distress, church denomination and the God concept among a non-clinical sample. *Mental Health, Religion & Culture*, v. 8 (2), p. 141-154.
- Gorsuch, R.L, 1968, The conceptualization of God as seen in adjective ratings, *Journal for the scientific study of Religion*, v. 7, p. 56-64.
- Granqvist, P, 1998, Religiousness and perceived childhood attachment: on the question of compensation or correspondence, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 37, p. 350–367.
- Granqvist, P, 2003, Attachment theory and religious conversions: A review and a resolution of the classic and contemporary paradigm chasm, *Review of Religious Research*, v. 45, p. 172–187.
- Griffin , J, & et al, 2009, Four Brief Studies of Relations Between Postformal Thought and NonCognitive Factors: Personality, Concepts of God, Political Opinions, and Social Attitudes, *J Adult Dev*, v. 16, p. 173–182.
- Hood, J.R. W, & et al, 2009, *The psychology of Religion. fourth Edition*, The Guilford press, London and New york.
- Hyde, K.E, 1990, *Religion in Childhood and Adolescence: a comprehensive review of the research*, Birmingham, AL, Religious Education Press.
- Ironson , G, & et al, 2011, View of God as benevolent and forgiving or punishing and judgmental predicts HIV disease progression, *J Behav Med*, v. 34, p. 414–425.
- Karpov, V, 2002, Religiosity and tolerance in the United States and Poland, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 41, p. 267–88.
- Kirkpatrick, L. A, 2005, *Attachment, evolution, and the psychology of religion*, New York,

مقدمه

«معنویت» یکی از سازه‌هایی است که علی‌رغم نداشتن مفهوم روشن و مشخص، به‌طور گسترده و به‌صورت گوناگون به‌کار می‌رود. به‌رغم این ابهام در مفهوم‌ها، گزارش‌ها از گسترش علاقه به معنویت حکایت دارد. برای نمونه، کانترویکس و همکاران (۱۹۹۴) گزارش می‌دهند ۸۵ درصد از آمریکایی‌ها به دنبال رشد معنوی‌اند و این آمار بی‌تردید در آغاز هزاره سوم گسترش بیشتری یافته است (جهانگیرزاده، ۱۳۸۴). کوئیک و همکاران معتقدند معنویت عبارت است از: جست‌وجو و مطالبه مستحضر برای درک و فهم پاسخ سؤال‌هایی درباره زندگی، معنا و ارتباط با نیروی مقدس یا متعالی، که ممکن است منجر به رشد آئین‌های مذهبی و تکوین جامعه شود یا نشود (کوئیک و همکاران، ۱۹۹۱).

نکته اساسی در بسیاری از توصیفات و تعاریف ارائه‌شده از معنویت، این است که «معنایابی» یکی از اعمال و فعالیت‌های درونی (و غالباً نیمه‌هشیارانه) انسان است. سوویتون دریافت که معنویت جنبه‌ای از زندگی است که به فرد انسانیت می‌بخشد (غباری‌بناب، ۱۳۸۵، ص ۲۴). این اصطلاح، شامل مجموعه‌ای از ساختارهای مهم است که به زندگی انسان جهت و معنا می‌بخشد و به افراد کمک می‌کند تا با مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی مقابله نمایند. با این بیان، معنویت شامل ابعاد مهمی نظیر جست‌وجوی معنا، هدف، دانش تعالی‌بخش انسانی، روابط پرمعنای عشق و تعهد و از همه مهم‌تر آخرت‌نگری می‌باشد (همان).

یکی از ابعاد مهم معنویت، آخرت‌نگاری است. میل به بقا، یکی از بنیادی‌ترین انگیزه‌های انسان است. در انسان به‌صورت فطری این انگیزه وجود دارد که می‌خواهد باقی باشد و حیات دائمی داشته باشد (منظری توکلی و همکاران، ۱۳۹۲). ترس از مرگ نیز یکی از ترس‌های جدی است که در طول زندگی کم و بیش با انسان همراه است. شاید به همین دلیل است که برخی روان‌شناسان در تلاشند تا این ترس را از بین برده، احساس آرامش را جایگزین آن نمایند (همان).

روان‌شناسی به‌صورت سنتی با موضوع مرگ درگیر می‌باشد. برای نمونه، روان‌تحلیل‌گری و مبتکر آن فروید، نقش کشاننده‌ای را تصریح می‌کند که اثری ساختاری در سازماندهی روانی انسان به‌عهده دارد، کشاننده مرگ به‌عنوان نیروی بنیادین در مقابل کشاننده زندگی، ساختار روان‌شناختی را تولید می‌کند (ابراهیمی و بهرامی، ۱۳۹۰). علی‌رغم آنکه پارادایم روان‌تحلیل‌گری در غرب، به سرعت جای خود را به رویکردی دیگر داد، با این حال نفی آخرت و تمام مفاهیم وابسته به آن در تمام نظام‌های روان‌شناختی کم و بیش وجود دارد. رفتارگراها و در کنار آن حتی دیدگاه‌های انسان‌گرایانه، به اتفاق رویکردهای آخرت‌نگرانه را نفی و تمام روان‌شناسی را در مرزهای زندگی دنیایی ترسیم کرده‌اند (کنت،

رابطه آخرت‌نگری و پنج عامل شخصیت در دانشجویان

فاطمه پورابراهیمی / کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد تهران مرکز و مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر کرمان
مسعود کریمی فر / کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی
masoudkarimi.psy@gmail.com

سالار رضائی‌نژاد / کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

وحید منظری توکلی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بافت، ایران
دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۲۵
manzari.v63@gmail.com

چکیده

«میل به بقا» یکی از بنیادی‌ترین انگیزه‌های انسان و یکی از ابعاد مهم معنویت، نگرش به جهان پس از مرگ (آخرت‌نگری) است. هدف این پژوهش، بررسی رابطه آخرت‌نگری و پنج عامل شخصیت در دانشجویان بود. بدین‌منظور، تعداد ۲۲۰ دانشجوی دانشگاه تهران انتخاب شدند و مقیاس‌های آخرت‌نگری ابراهیمی-بهرامی (۱۳۸۹) و پنج عامل شخصیتی نئو (NEO-FFI) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آخرت‌نگری کلی با ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، گشودگی، با وجدان بودن و موافق بودن رابطه مثبت و معنی‌دار و با روان‌رنجوری رابطه منفی و معنی‌دار داشت. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که از بین ویژگی‌های شخصیتی دو مؤلفه با وجدان بودن و برون‌گرایی، حدود ۳۱ درصد از واریانس آخرت‌نگری را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: آخرت‌نگری، پنج عامل شخصیت، معنویت.

ایران مورد غفلت واقع شده و اطلاعات اندکی هم در دست است. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی و آخرت‌نگری در دانشجویان دانشگاه تهران است.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری موردمطالعه تمامی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، مشغول به تحصیل در سال ۹۲-۱۳۹۱ می‌باشند. از این میان، تعداد ۲۲۰ نفر براساس فرمول مورگان به روش چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. از بین دانشکده‌ها، سه دانشکده مدیریت، فنی و روان‌شناسی به تصادف انتخاب و سپس از هر دانشکده دو کلاس، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از جلب مشارکت آزمودنی‌ها و اطمینان‌خاطر از این جهت که اطلاعات جمع‌آوری شده فقط برای مقاصد پژوهشی استفاده می‌شود، به پرسش‌نامه‌های آخرت‌نگری و پنج عاملی شخصیت پاسخ دادند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری نظیر میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

ابزار پژوهش

الف: مقیاس آخرت‌نگری ابراهیمی- بهرامی احسان: این مقیاس با استفاده از آیات و روایات استخراج شده از منابع دین مقدس اسلام ساخته شده است. فرم نهایی آن دارای ۴۴ سؤال است که از ۵ خرده‌مقیاس تکلیف‌گریزی، آمادگی، آخرت‌محوری، تعالی و لذت‌جویی تشکیل یافته است که نمره کل از جمع ۵ عامل (پس از معکوس کردن نمرات دو عامل تکلیف‌گریزی و لذت‌جویی) به‌دست می‌آید. این مقیاس را هم به‌صورت گروهی و هم به‌صورت انفرادی می‌توان اجرا کرد. اعتبار این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای کل آزمون ۰/۸۵ و برای خرده‌مقیاس‌ها تکلیف‌گریزی ۰/۵۲، آمادگی ۰/۷۲، آخرت‌محوری ۰/۷۹، تعالی ۰/۶۵ و لذت‌جویی ۰/۶۷ به‌دست آمد. اعتبار آزمون از طریق دو نیمه‌سازی، همبستگی بین نیمه اول با نیمه دوم ۰/۸۶ به‌دست آمد (ابراهیمی، ۱۳۸۹). منظری‌توکلی و همکاران (۱۳۹۱) اعتبار و روایی سازه این مقیاس را در جامعه دانشجویی مورد تأیید قرار دادند.

ب: مقیاس پنج عامل شخصیتی نئو (NEO-FFI): این مقیاس در سال ۱۹۹۱ توسط الیور و جان به‌منظور بررسی پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، موافق بودن، گشودگی و با وجدان بودن) ساخته شد و دارای ۶۰ سؤال است که براساس مقیاس لیکرت تهیه شده است. هر ۱۲ سؤال آن، یکی از پنج عامل مذکور را اندازه‌گیری و نمرات هر عامل جداگانه حاسبه می‌شود. بشیری (Bashiri) (۲۰۰۷) روایی

(۲۰۰۷). از این رو، در ادبیات روان‌شناسی معاصر، پژوهشی با مضمون آخرت‌نگری یافت نمی‌شود. جست‌وجو در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اساساً با این مفهوم و مفاهیم مشابه آن، سند علمی در دسترس نیست. یکی از عواملی که می‌تواند با آخرت‌نگری رابطه داشته باشد، ویژگی‌های شخصیت است. ویژگی‌های شخصیتی با توجه به ثباتشان در طول زمان و در فرهنگ‌های مختلف، در نحوه تعاملات افراد تعیین‌کننده‌اند (هیل و همکاران (Hill)، ۱۹۹۷). پنج ویژگی این مدل عبارتند از: روان‌رنجوری، برون‌گرایی، موافق بودن، گشودگی و باوجدان بودن (بشارت، ۱۳۸۶).

روان‌رنجوری به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودمحوری، خصومت، تکانش‌وری، کم‌رویی، تفکر غیرمنطقی، افسردگی و حرمت‌خود پایین اطلاق می‌شود. برون‌گرایی به تمایل برای تجربه هیجان‌های مثبت، هیجان‌طلبی، مهربانی و اجتماعی بودن گفته می‌شود (همان). موافق بودن عبارت است از: تمایل به کنجکاوی، خیال‌پردازی، زیبایی‌شناسی، خردورزی، روشن‌فکری و نوآوری (میشل (Michel)، ۲۰۰۳). گشودگی به تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماددوری، همدلی، فرمان‌برداری، فداکاری و وفاداری اطلاق می‌شود. با وجدان بودن عبارت است از: تمایل به سازماندهی، نظم و ترتیب، خودنظم‌دهی، کارآمدی و قابلیت اعتماد، خویشتن‌داری، پیشرفت‌گرایی، منطقی‌گرایی و تعمق (بشارت، ۱۳۸۶). نتایج پژوهش‌های مختلف، به وجود رابطه بین معنویت و دینداری و ویژگی‌های شخصیت اشاره کرده‌اند.

آیزنک و پرسون از عوامل شخصیت، درون‌گرایی و برون‌گرایی و روان‌رنجوری را با دینداری بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که همبستگی کمی بین درون‌گرایی و متغیرهای دینداری دیده شده است، ولی برون‌گرایی هیچ همبستگی را با دینداری نشان نداد (ویبل و همکاران (Weibel)، ۲۰۱۱). کاستا و فرانیس پژوهشی روی یک نمونه ۵۷۷ تایی از مردان انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که در این افراد، با سنین متفاوت، همبستگی اندکی بین دینداری و درون‌گرایی متفکر وجود دارد. این احتمال وجود دارد که اعضای برخی از جمعیت‌های مذهبی بیشتر درون‌گرا باشند.

عامل دیگر، روان‌رنجوری است که رابطه‌ای با مذهب ندارد (ویبل و همکاران، ۲۰۱۱). آیزنک به این نتیجه رسید که بین عامل گشودگی و متغیرهای دینداری همبستگی ۲۵٪ و ۳۵٪ وجود دارد. گشودگی، رگه‌ای است که نسبت به برون‌گرایی یا روان‌رنجوری از کلیت کمتری برخوردار است و به علاوه معنای دقیق آن کمتر روشن است. تحقیق نشان داده است که نمره افراد متدین در همدلی بالاتر است و این دقیقاً یک بعد وابسته (به مسئله دینداری) است که مربوط به بعد گشودگی می‌باشد.

علی‌رغم نقش ویژگی‌های شخصیت در دینداری، به‌ویژه آخرت‌نگری، این مسئله در جامعه کنونی

جدول ۲ ضریب همبستگی بین پنج عامل شخصیت را با آخرت‌نگری کل و مؤلفه‌های آن نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین پنج عامل شخصیت با بیشتر مؤلفه‌های آخرت‌نگری رابطه معنادار وجود دارد. فقط بین برون‌گرایی با آمادگی، بین موافق بودن با تکلیف‌گریزی و تعالی، بین گشودگی با تکلیف‌گریزی و تعالی و بین روان‌رنجوری با آمادگی، تعالی و لذت‌جویی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین آخرت‌نگری کلی با ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، گشودگی، باوجدان بودن و موافق بودن، رابطه مثبت و معنی‌دار و با روان‌رنجوری رابطه منفی و معنی‌دار داشت.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین پنج عامل شخصیت با آخرت‌نگری کل و مؤلفه‌های آن

متغیرها	تکلیف‌گریزی	آمادگی	آخرت‌محوری	تعالی	لذت‌جویی	آخرت‌نگری
برون‌گرایی	۰/۱۹*	۰/۱۱	۰/۲۶*	۰/۲۱*	۰/۳۳**	۰/۲۵*
باوجدان بودن	۰/۴۱**	۰/۲۴*	۰/۴۷**	۰/۳۸**	۰/۱۸*	۰/۴۶**
موافق بودن	۰/۰۹	۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۱۰	۰/۲۵*	۰/۱۹*
گشودگی	۰/۰۷*	۰/۲۱*	۰/۱۸*	۰/۰۸	۰/۳۴**	۰/۲۴*
روان‌رنجوری	۰/۱۸*	۰/۰۹	۰/۱۹*	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۱۹*

** نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ است. * نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ است.

در ادامه به منظور بررسی اینکه چه مقدار از واریانس آخرت‌نگری به وسیله ویژگی‌های شخصیتی تبیین می‌شود، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. جدول ۳ نتایج مدل رگرسیون پنج عامل شخصیت را بر آخرت‌نگری کل نشان می‌دهد. نتایج حاصل از مدل رگرسیونی نشان داد که آماره F محاسبه شده برای مدل رگرسیونی (F=52/68) در سطح $P < 0/001$ معنادار است. براساس این جدول، از میان پنج ویژگی شخصیتی دو بعد با وجدان بودن و برون‌گرایی، در دو گام حدود ۳۱ درصد از واریانس آخرت‌نگری را تبیین می‌کنند. با توجه به نتایج این جدول، در گام اول عامل با وجدان بودن که بیشترین ضریب همبستگی جزئی معنادار را با آخرت‌نگری دارد، وارد مدل شده و حدود ۲۴ درصد از تغییرات آخرت‌نگری را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم، با وارد شدن عامل برون‌گرایی، این پیش‌بینی به ۳۱ درصد افزایش یافته است. سایر عوامل به علت نداشتن همبستگی جزئی معنادار وارد مدل نشده‌اند.

جدول ۳: نتایج مدل رگرسیون پنج عامل شخصیت بر آخرت‌نگری کل

گام	متغیر پیش‌بین	B	β	T	سطح	همبستگی	R2	F	سطح
۱	باوجدان بودن	۲/۷۴	۰/۵۲۱	۹/۳۳	۰/۰۰۱	۰/۴۸۷	۰/۲۴۰	۵۲/۶۸	۰/۰۰۱
	برون‌گرایی	۰/۷۳	۰/۲۱۶	۳/۸۹	۰/۰۰۱	۰/۵۶۱	۰/۳۱۴		

این فرم را در چند مرحله بررسی کرده و مورد تأیید قرار داده است. پایایی هر یک از عوامل در یک نمونه ایرانی، بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۲ به‌دست آمده است (گروسی فرشی (Garousi Farshi)، ۲۰۰۰). کاستا و مک کری (۱۹۹۲) روایی این آزمون، بین گزارش‌های شخصی و ارزیابی همسالان را ۳۰ تا ۶۵ درصد محاسبه نمودند (همان). آتش‌افروز و همکاران (۱۳۸۷) ضریب اعتبار برای هر یک از رگه‌های روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و باوجدان بودن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ محاسبه نمودند. همچنین در پژوهشی که توسط حق‌شناس (۱۳۸۵) بر روی یک نمونه ۲۰۸ نفره از دانشجویان انجام گرفت، ضریب بازآزمایی با فاصله زمانی سه ماهه، برای روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، موافق بودن و باوجدان بودن به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۵ و ۰/۸۳ به‌دست آمد. همچنین محمدی و محمودنیا (۱۳۸۹) آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۷۸ محاسبه نمودند. در این پژوهش، پایایی عوامل براساس آلفای کرونباخ بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ محاسبه گردید.

یافته‌های پژوهش

از بین ۲۲۰ دانشجوی شرکت‌کننده در این پژوهش، ۹۵ نفر دانشجوی مرد و ۱۲۵ نفر دانشجوی زن بودند. تعداد ۱۶۶ نفر از گروه نمونه دانشجوی مقطع کارشناسی و تعداد ۵۴ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بودند. از مجموع شرکت‌کنندگان در این پژوهش، فقط ۲۵ نفر متأهل و بقیه مجرد بودند. همچنین تعداد ۱۰۱ نفر از گروه نمونه را دانشجویان دانشکده فنی، تعداد ۶۸ نفر را دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و تعداد ۵۱ نفر را دانشجویان دانشکده اقتصاد تشکیل می‌دادند. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پنج عامل شخصیت و آخرت‌نگری کل دانشجویان را به تفکیک دختر و پسر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پنج عامل شخصیت و آخرت‌نگری کل دانشجویان به تفکیک جنسیت

جنسیت	پسر		دختر		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
برون‌گرایی	۲۵/۷۵	۴/۷۲	۲۲/۲۸	۳/۹۱	۲۴/۰۱	۴/۳۲
با وجدان بودن	۲۴/۶۲	۴/۱۱	۲۳/۷۵	۳/۷۴	۲۴/۱۸	۳/۹۲
موافق بودن	۲۲/۸۱	۵/۱۱	۲۱/۹۵	۴/۶۱	۲۲/۳۸	۴/۸۶
گشودگی	۳۱/۹۵	۴/۸۶	۲۷/۲۴	۳/۸۹	۲۷/۰۹	۴/۳۷
روان‌رنجوری	۱۵/۴۳	۳/۴۶	۱۶/۶۴	۴/۱۲	۱۶/۰۳	۳/۷۹
آخرت‌نگری (کلی)	۸۸/۴۵	۹/۴۵	۹۳/۳۷	۱۰/۷۸	۹۰/۹۱	۱۰/۱۱

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بین آخرت‌نگری و پنج عامل شخصیت با تأکید بر نقش معنویت انجام گرفت. یافته‌های به‌دست‌آمده از ضریب همبستگی پیرسون، حاکی از وجود همبستگی معنادار مثبت بین آخرت‌نگری و برون‌گرایی، باوجدان بودن، موافق بودن و گشودگی بود. اما بین آخرت‌نگری و روان‌رنجوری همبستگی منفی معنادار مشاهده شد. از لحاظ تفکیک رشته‌ای، بین آخرت‌نگری و موافق بودن و برون‌گرایی در دانشجویان دانشکده مدیریت، بین آخرت‌نگری و گشودگی در دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و همچنین بین آخرت‌نگری و باوجدان بودن در دانشجویان دانشکده فنی دارای همبستگی قوی‌تر و بیشتری نسبت به یکدیگر داشتند و میزان روان‌رنجوری در دانشکده فنی، بیشتر از دانشکده‌های مدیریت و روان‌شناسی بود. از سوی دیگر، سروقد و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین کمال‌گرایی (تعالی) و برون‌گرایی، باوجدان بودن رابطه مثبت و با روان‌رنجوری رابطه منفی دارد که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد. همچنین افلاک سیر (۲۰۱۲) دریافت که با افزایش معنویت، زندگی نیز پرمعنا می‌باشد که این امر هماهنگ با رابطه مثبت بین گشودگی و آخرت‌نگری می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها، می‌توان گفت: یکی از معانی تعالی کمال‌گرایی می‌باشد که اشاره به تعالی شدن و نیل به تعالی دارد. از این نگاه، رابطه مثبت مشاهده شده بین برون‌گرایی و باوجدان بودن با تعالی هماهنگ با یافته‌های سروقد و همکاران (۱۳۹۰) می‌باشد که در آن، بین برون‌گرایی و باوجدان بودن رابطه مثبت و معنادار و بین روان‌رنجوری و کمال‌گرایی رابطه منفی و معنادار مشاهده گردید. اما در دو بعد شخصیتی، موافق بودن و گشودگی، نتایج پژوهش فوق با یافته‌های این پژوهش متناقض می‌باشد. همچنین مولایی (۱۳۸۶) در پژوهش برای بررسی رابطه کمال‌گرایی (مثبت و منفی) و ویژگی‌های شخصیتی ۹۰ دانشجوی دختر و پسر در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری از رابطه مثبت و معنادار تنها بین کمال‌گرایی مثبت و گشودگی سخن به میان آورده است. در سایر عوامل همبستگی معنادار مشاهده نشده است. از سوی دیگر، رامهرمزی و شهنی لایق (۱۳۸۰)، فراری و موتز (۱۹۹۷)، هویت و فلت (Hewitt & Flett) (۱۹۹۱) رابطه منفی میان کمال‌گرایی و برون‌گرایی را نشان داده‌اند که با نتایج این پژوهش در تضاد می‌باشد. همچنین هویت و فلت بیان کردند که کمال‌گرایی باگشودگی، رابطه منفی و معنادار و با باوجدان بودن رابطه مثبت و معنی‌دار دارد که این نتایج با یافته‌های این پژوهش همسو می‌باشند.

پژوهش‌های استامف و پارکر (Stumpf & Parker) (۲۰۰۰) و اسلید و آونز (Slade & Owens) (۱۹۹۸) نشان داد که بین کمال‌گرایی منفی و روان‌رنجوری، رابطه منفی و بین کمال‌گرایی مثبت و باوجدان بودن رابطه مثبت وجود دارد که همسو با یافته‌های این پژوهش می‌باشد. همچنین فراست و همکاران (۱۹۹۰)، از رابطه منفی کمال‌گرایی و روان‌رنجوری سخن به میان آورده است. همچنین هویت و فلت به رابطه میان افراد کمال‌گرا و میزان افسردگی و خودکشی در آنها اشاره نمودند که برخلاف این پژوهش می‌باشد (هویت و همکاران، ۱۹۹۲). از سوی دیگر، پژوهش‌های زیادی نیز بر نقش کمال‌گرایی در بیماری‌های روان‌شناختی سخن به میان آمده است که مخالف یافته‌های حاضر در خصوص رابطه سلامتی و کمال‌گرایی با سطح پایین روان‌رنجوری می‌باشد (بی‌طرف و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی و جوکار، ۱۳۸۹؛ شافرن و منسل (Shafraan & Mansell)، ۲۰۰۱؛ چنگ، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰؛ چنگ و رند (Chang & Rand)، ۲۰۰۰؛ هویت و همکاران، ۱۹۹۷؛ بلت (Blatt)، ۱۹۹۵؛ فراست و همکاران، ۱۹۹۰؛ فلت و همکاران (Flett)، ۱۹۸۹). در این میان می‌توان به نقش معنویت توجه ویژه‌ای داشت، به‌گونه‌ای که یافته‌های پژوهشی بر رابطه مثبت میان دین و معنویت و سلامت روان حکایت دارد (آیانی و همایون، ۱۳۸۳؛ جلیلود، ۱۳۸۳). این امر به نوبه خود، موجب کاهش در خصلت روان‌رنجوری و نیز افزایش گشودگی می‌گردد. این نتایج، با یافته‌های این پژوهش مبنی بر رابطه مثبت میان کاهش روان‌رنجوری و افزایش کمال‌گرایی همسو می‌باشد.

عامل بعدی ارتباط برون‌گرایی با تعالی (کمال‌گرایی) می‌باشد. برخی از پژوهش‌ها، از عدم وجود رابطه بین کمال‌گرایی و برون‌گرایی گزارش کرده‌اند (کنث (Kenneth)، ۲۰۰۷؛ هیل و همکاران، ۱۹۹۷). در رابطه میان موافق بودن و برون‌گرایی و نیز گشودگی و برون‌گرایی رابطه‌ای مشاهده نگردیده است (دانکلی و کایپاریسیس (Dunkley & Kyparissis)، ۲۰۰۸؛ کنث، ۲۰۰۷؛ دانکلی و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین در بررسی رابطه بین آخرت‌نگری و برون‌گرایی، رابطه مثبت و معنی‌دار به‌دست آمد. این عامل برخلاف علوم حاضر در خصوص رابطه مثبت میان معنویت و درون‌گرایی می‌باشد. این مسئله از چند زمینه قابل اهمیت است: نخست اینکه، شاید نوع رگه شخصیتی برون‌گرایی، که دارای صفاتی همچون تجربه هیجان‌های مثبت، تهییج‌طلبی، مهربانی و اجتماعی بودن می‌باشد، سبب گردیده که ایشان در این پاسخ‌گویی به سؤالات این پرسش‌نامه تا حدودی براساس هنجارها و بدیهیات حاکم بر جامعه پاسخ داده باشند. مورد بعدی، می‌تواند ترس از عدم مقبولیت از جانب دوستانی باشد که نظری بر خلاف ایشان را دارند و این موجب تهدید خصلت اجتماعی بودن آنها می‌گردد. همچنین افراد برون‌گرا تمایل

زیاد به تنوع و تفریح را دارند و از این لحاظ می‌توان استدلال نمود که دلیل مثبت بودن رابطه میان معنویت با برون‌گرایی، ناشی از همین میل به تنوع‌طلبی آنان باشد که دوست دارند حتی این بُعد را نیز در زندگی خود داشته و تجربه نمایند.

با توجه به رابطه مشاهده‌شده بین آخرت‌نگری و ویژگی‌های شخصیتی، برای بررسی قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی از رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌های حاصل از پنج ویژگی شخصیتی، فقط دو ویژگی برون‌گرایی و باوجدان بودن وارد مدل رگرسیونی شدند. این ویژگی‌های شخصیتی توانستند حدود ۳۱٪ از واریانس آخرت‌نگری را تبیین کنند. این نتایج با ادعای هاشمی و همکاران (۱۳۹۱)، که تعلق‌ورزی (تکلیف‌گریزی) می‌تواند با عامل باوجدان بودن همبستگی داشته باشد، هماهنگی دارد.

در پایان، با توجه به اینکه این پژوهش بر روی دانشجویان انجام گردیده است، پیشنهاد می‌شود بر روی جامعه بزرگ‌تری نیز این تحقیق صورت پذیرد تا یافته‌های آن با نتایج این پژوهش مقایسه و زمینه مناسبی برای تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر فراهم گردد. از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش می‌توان این موارد اشاره کرد: در موضوعاتی نظیر باورهای آخرت‌نگری افراد، پرسش‌نامه‌های خودگزارش‌دهی ممکن است چندان دقیق عمل نکنند همان‌گونه که در بررسی برون‌گرایی با آخرت‌نگری رابطه مثبت و معنی‌داری به‌دست آمده است؛ زیرا علاوه بر احتیاط در ابراز عقاید خویش، پاسخ به سؤالات آزمون‌ها می‌تواند صرفاً ادعای فرد باشد، نه عمل واقعی آن در شرایط واقعی. همچنین به دلیل شرایط فرهنگی، که موجود در جامعه ما، افراد معمولاً در برابر آزمون‌هایی که اعتقادات مذهبی آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، با احتیاط عمل می‌کنند و از ابراز دقیق عقاید، باورها، ارزش‌ها و اعتقادات قلبی خویش پرهیز می‌کنند و تلاش می‌کنند خود را فردی موجه و بهتر نشان دهند. این مسئله می‌تواند در پاسخ‌گویی به سؤالات آزمون‌های این پژوهش نیز نقش داشته باشد.

منابع

- ابراهیمی، ابوالفضل، ۱۳۸۹، *رابطه آخرت‌نگری با سلامت و ساخت اولیه مقیاس آخرت‌نگری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- ابراهیمی، ابوالفضل و احسان بهرامی‌احسان، ۱۳۹۰، «تهیه و اعتبار مقیاس سنجش آخرت‌نگری؛ یک مطالعه مقدماتی»، *روان‌شناسی و دین*، سال ۵، ش ۴، ص ۵۳-۷۰.
- آتش‌افروز، بهروز و همکاران، ۱۳۸۷، «ارتباط بین پنج رگه شخصیتی و پیشرفت تحصیلی» *روان‌شناسان ایرانی*، ش ۱۶ (۲)، ص ۳۶۷-۳۷۶.
- افلاک‌سیر، عبدالعزیز، ۲۰۱۲، *دینداری، معنادهی شخصی و بهزیستی روانشناختی: پژوهشی در میان دانشجویان مسلمان انگلیس همایش ملی معناداری زندگی*، در: www.civilica.com.
- آیانی، زهرا و مهین همایون، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه پابندی به دعا با میزان اضطراب دانشجویان دانشگاه تبریز»، مقاله ارائه‌شده به دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه تربیت مدرس، کتابچه ویژه همایش.
- بی‌طرف، شبنم و همکاران، ۱۳۸۹، «هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی»، *روان‌شناسان تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۸۲-۷۵.
- جلیلود، محمدامین، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه سلامت روان و پابندی به تقییدات دینی (نماز) در دانشجویان پزشکی»، مقاله ارائه‌شده به دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، کتابچه ویژه همایش.
- جهانگیرزاده، محمدرضا، ۱۳۸۴، «معنویت کشف و حفظ امر مقدس»، *معرفت*، ش ۹۷، ص ۷۷-۸۸.
- حق‌شناس، حسن، ۱۳۸۵، *طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت (راهنمای تفسیر و هنجارهای آزمون NEO-PI-R و NEO-FFI)*، شیراز، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- رامهرمزی، معصومه و منیژه شهنی‌لایق، ۱۳۷۹، «رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب اجتماعی و کمال‌گرایی با ابراز وجود دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال هفتم، ش ۳ و ۴، ص ۲۹-۵۰.
- سروقد، سیروس و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد مرودشت»، *زن و جامعه*، سال دوم، ش ۳، ص ۸۱-۱۰۲.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۵، *دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت‌الله مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

- Ferrari, J.R. & Mautz, W.T, 1997, Predicting Perfectionism: Applying tests of rigidity, *Journal of clinical psychology*, v. 23 (1), p. 1-6.
- Flett, G. L. & et al, 1989, "Self-oriented perfectionism, neuroticism and anxiety, *Personality and Individual Differences*, v. 10, p. 731-735.
- Frost, R. O. & et al, 1990, The dimensions of perfectionism, *Cognitive Therapy and Research*, v. 14 (5), p. 449-468.
- Frost, R. & et al, 1990, The dimensions of perfectionism, *Cognitive Therapy and Research*, v. 14, p. 449-468.
- Garousi Farshi, MT, 2000, *Innovative methods for evaluating personality, Analytical application in personality studies*, 1st ed, Tabriz: Danial publication and Progress society, p. 35-54. [In Persian].
- Hewitt, P. L. & et al, 1992, Perfectionism and suicidal potential, *British Journal of Clinical Psychology*, v. 31, p. 181-190.
- Hewitt, P. L. & et al, 1997, Perfectionism and suicidal ideation in adolescent psychiatric populations, *Journal of Abnormal Child Psychology*, v. 25, p. 95-101.
- Hewitt, P. L. & Flett, G. L., 1990, Perfectionism and depression: A multidimensional analysis, *Journal of Social Behavior and Personality*, v. 5, p. 423-438.
- Hewitt, P. L. & Flett, G. L., 1991, Dimensions of perfectionism in unipolar depression, *Journal of Abnormal Psychology*, v. 100, p. 98-101.
- Hewitt, P.L. & Flett, G.L., 1991, Dimensions of Perfectionism and Suicide Ideation, *Cognitive therapy and Research*, v. 18, v. 5, p. 439-459.
- Hill, R. W. & et al, 1997, Perfectionism and the Big Five Factors, *Journal of Social Behavior & Personality*, v. 12 (1), p. 257-270.
- Kenneth, G. R., 2007, Perfectionism and the Five-Factor Model of Personality, *Assessment*, v. 14 (4), p. 385-398.
- Koing, G. L. & et al, 1991, Perfectionism, self-actualization, and personal adjustment, *Journal of Social Behavior and Personality*, v. 6, p. 147-160.
- Michel, Harren, 2003, relationship between the five-factor personality model and coping styles, *psychology & education: and in trdisplialiy journal*, v. 40, N. 1, p. 38-44.
- Shafran, R. & Mansell, W., 2001, Perfectionism and psychopathology: A review of research and treatment, *Clinical Psychology Review*, v. 21, p. 879-906.
- Slade, P.D. & Owens, R.G., 1998, A dual process model of perfectionism based on reinforcement theory, *Behavior Modification*, v. 22 (3), p. 372-390.
- Stumpf, H. & Parker, W.D., 2000, A hierarchical structural analysis of perfectionism and its relation to other personality characteristic, *Personality and Individual Differences*, v. 28, p. 837-852.
- Weibel, D. & et al, 2011, The influence of neuroticism on spatial presence and enjoyment in films, *Personality and Individual Differences*, v. 51, p. 866-869.

خیمینی

- غباری‌بناب، باقر، ۱۳۸۵، معنویت؛ راهی برای رشد و شکوفایی شخصی، تهران، معاونت دانشجویی و فرهنگی.
- کوروش‌نیا، مریم و مرتضی لطیفیان، ۱۳۹۰، «رابطه مدل پنج عامل بزرگ شخصیت و کمال‌گرایی»، *مطالعات روان‌شناختی*، دوره هفتم، سال ۴، ص ۲۷-۵۴.
- محمدی، زهره و بهرام جوکار، ۱۳۸۹، «کمال‌گرایی، مشکلات هیجانی و رضایت از زندگی دانشجویان ایرانی»، *روان‌شناسان تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال ششم، ش ۲۳، ص ۲۶۹-۲۷۶.
- محمدی، شهناز و علیرضا محمودنیا، ۱۳۸۹، «رابطه بین پنج عامل شخصیت و فرسودگی شغلی در میان مشاوران»، *مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره دوم، ش ۴، ص ۹۷-۱۱۴.
- منظری‌توکلی، وحید و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس آخرت‌نگری»، *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، دوره نهم، ش ۲، ص ۹-۲۸.
- مولائی، زهرا، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه بین کمال‌گرایی مثبت و منفی و صفات شخصیتی»، *علوم روان‌شناختی*، ش ۲۵، ص ۵۸-۴۳.
- هاشمی، تورج و همکاران، ۱۳۹۱، «نقش جهت‌گیری هدف، خودکارآمدی خودتنظیم‌گری و شخصیت در تعلل‌ورزی»، *روان‌شناسی معاصر*، سال هفتم، ش ۱، ص ۷۳-۸۴.
- هرمزی‌نژاد، معصومه و همکاران، ۱۳۷۹، «رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب اجتماعی و کمال‌گرایی با ابراز وجود دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، سال هفتم، ش ۳ و ۴، ص ۲۹-۵۰.
- Bashiri, Z., 2007, *Standardization of five factors of personality test short form Oliver-John in Isfahan [dissertation]*, Khomeini Shahr, Islamic Azad University. [In Persian].
- Blatt, S., 1995, "The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression, *American Psychologist*, v. 50 (12), p. 1003-1020.
- Chang, E. C. & Rand, k., 2000, "Perfectionism as a predictor of subsequent adjustment: Evidence for a specific diathesis-stress mechanism among college students, *Journal of Counseling Psychology*, v. 47, p. 129-137.
- Chang, E. C., 1998, "Cultural differences, perfectionism and suicidal risk in college population: Does social problem solving still matter? *Cognitive Therapy and Research*, v. 22, p. 237-254.
- Chang, E. C., 2000, "Perfectionism as a predictor of positive and negative psychological outcomes: A mediation model in younger and older adults, *Journal of Counseling Psychology*, v. 47, p. 18-26.
- Dunkley, D. M. & et al, 2006, Specific perfectionism components versus self-criticism in predicting maladjustment, *Personality & Individual Differences*, v. 40, p. 665-675.
- Dunkley, D. M. & Kyparissis, A., 2008, "What is DAS self-critical perfectionism really measuring?"

مقدمه

«بهبودی معنوی» حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنی و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی است. بهبودی معنوی، یک سازه چندبعدی عمودی و افقی است. بعد عمودی آن به ارتباط با خدا و بعد افقی آن به احساس هدفمندی در زندگی و رضایت از آن، بدون در نظر گرفتن مذهب خاص اشاره دارد (موبرگ (Moberg)، ۱۹۷۸). از دید الیسون (Ellison)، بهبودی معنوی شامل یک عنصر روانی-اجتماعی و یک عنصر مذهبی است. بهبودی معنوی بیانگر ارتباط با یک قدرت برتر، یعنی خداست. بهبودی وجودی بیانگر احساس فرد از اینکه چه کسی است، چه کاری و چرا انجام می‌دهد و به کجا تعلق دارد، می‌باشد. هم بهبودی مذهبی و هم بهبودی وجودی شامل تعالی و حرکت فراتر از خود می‌باشد (الیسون، ۱۹۸۳). از دیگر متغیرهای تأثیرگذار در رضایت از زندگی، امید است. برخی محققان امیدواری را مجموعه‌ای شناختی می‌دانند که مبتنی بر احساس موفقیت ناشی از منابع گوناگون (انرژی معطوف به هدف) و مسیرها (برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف) است (اشنایدر و همکاران (Synader)، ۱۹۹۱). بنابراین، امید یا تفکر هدف‌مدار، از دو مؤلفه مرتبط به هم، یعنی مسیرهای تفکر و منابع تفکر تشکیل شده است و از طریق ترکیب منابع و مسیرها، می‌توان به اهداف رسید. اگر هر کدام از این دو عنصر شناختی وجود نداشته باشند، رسیدن به اهداف غیرممکن است (لوپز و همکاران (Lopez)، ۲۰۰۳، ص ۹۱). با توجه به اهمیت سازه‌های روان‌شناختی، نظیر بهبودی معنوی و امید در رضایت از زندگی، در این پژوهش نقش این دو متغیر در افراد سالمند بررسی شده است.

سالمندی به‌عنوان یکی از دوران زندگی بشر، مرحله‌ای مهم و اثرگذار در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی یک ملت می‌باشد. تبیین جایگاه سالمندان یکی از مهم‌ترین عوامل در برنامه‌ریزی‌های کشوری است. افراد سالمند، علاوه بر تغییرات بیولوژیکی و فیزیولوژیکی که در بدن رخ می‌دهد، با رویدادهای مهم زندگی از قبیل بازنشستگی، مرگ دوستان و اعضای خانواده، رفتن به خانه جدید و عقب‌نشینی از فعالیت‌های اجتماعی و تغییراتی در روابط اجتماعی و وضعیت مالی مواجه می‌شوند. با این حال، می‌توان گفت: در اثر بهبود شرایط پزشکی و بهداشتی، میزان طول عمر افراد سالمند نیز تدریجاً افزایش یافته است. در ایران نیز براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت سالمند ۶۰ سال و بالاتر، ۷/۲۷ درصد تخمین زده شده است که درصد قابل توجهی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). با توجه به آمار مطرح‌شده و افزایش رو به رشد جمعیت سالخوردگان، متخصصان سلامت باید به دنبال

رابطه بین بهبودی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان

hajloo53@uma.ac.ir

esa_jafary@yahoo.com

ک. نادر حاجلو / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

عیسی جعفری / استادیار گروه روان‌شناسی پیام‌نور آستارا

دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی ارتباط بهبودی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان بود. روش این پژوهش، توصیفی - همبستگی و جامعه آماری آن کلیه سالمندان شهرستان اردبیل بود. داده‌های تحقیق از ۱۰۰ سالمند که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، جمع‌آوری گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های بهبودی معنوی، امید و رضایت از زندگی استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه استاندارد و رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین بهبودی مذهبی و امید؛ بین بهبودی مذهبی و رضایت از زندگی؛ بهبودی وجودی و امید؛ بهبودی وجودی و رضایت از زندگی؛ رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین معلوم شد که رضایت از زندگی سالمندان توسط متغیرهای بهبودی معنوی و امید به خوبی قابل پیش‌بینی است. سهم این متغیرها در پیش‌بینی رضایت از زندگی سالمندان حتی با کنترل جنسیت، سن، و تحصیلات آنها، قابل توجه است.

کلیدواژه‌ها: بهبودی معنوی، امید، رضایت از زندگی، سالمند.

راهبردهایی در جهت بهبود زندگی، کاهش مشکلات مربوط به سازگاری و متعاقب آن، رضایت از زندگی سالمندان باشند. علاوه بر اهمیت سالمندی در متون روان‌شناختی، در دین مبین اسلام نیز سالمندان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، این موضوع در آیات قرآن و احادیث بزرگان دین، به‌ویژه پیامبر اکرم^ص به روشنی قابل درک است. در سوره مبارکه اسراء صراحتاً بر نیکی و احترام به پدر و مادر، بخصوص زمانی که والدین به سن پیری می‌رسند، تأکید خاصی شده است (اسراء: ۲۳). همچنین احادیث زیادی بر اهمیت سالمندان و احترام به آنان وجود دارد. در حدیثی پیامبر اکرم^ص می‌فرماید: «پیر در میان خانواده خود، مانند پیامبر در میان امت خویش است» (پاینده، ۱۳۸۵). با توجه به مسائل فوق می‌توان گفت: سالمندان از دید قرآن و اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و پژوهش در حوزه سالمندی و شناسایی عوامل متعدد مؤثر در رضایت از زندگی افراد سالمند حائز اهمیت است. بنابراین، با شناسایی این عوامل و ارتقاء آن می‌توان سطح رضایت از زندگی را در افراد سالمند بالا برد. ازجمله این عوامل، می‌توان به بهزیستی معنوی و امیدواری اشاره کرد.

تحقیقات بسیاری در حمایت از این فرضیه، که بهزیستی معنوی می‌تواند کارکرد روانی و سازگاری را تقویت کند، وجود دارد. همبستگی‌های معناداری بین نمرات بهزیستی معنوی و متغیرهایی از قبیل رضایت از زندگی (یون (Yoon)، ۲۰۰۶) و امیدواری (اشنایدر و همکاران، ۲۰۰۲) گزارش شده است. در راستای مطالعات مرتبط با معنویت پیرون و دیگران رابطه معنویت، نقش‌های خانوادگی و رضامندی زندگی را در گروهی از بزرگسالان مورد مطالعه قرار دادند و یافته‌ها نشان داد که بهزیستی مذهبی، بخصوص بهزیستی وجودی و رضایت زناشویی نقش مهم و معناداری در رضامندی زندگی دارند (پیرون و همکاران (Perrone)، ۲۰۰۶). در پژوهش دیگری، رابطه بین معنویت، دینداری و رضامندی زندگی در دانشجویان بررسی شد و نتایج نشان داد که دانشجویانی که در مقیاس‌های معنویت و دینداری، نمرات بالاتری کسب کردند، در مقیاس سلامت خود ادراک شده نیز نمرات بالاتری داشتند. این خود بر رضامندی از زندگی تأثیر داشت (زولینگ و همکاران (Zullig)، ۲۰۰۶). در پژوهش مرتبط انجام‌شده در کشور نیز یافته‌ها نشان داد که بهزیستی معنوی با سلامت روانی سالمندان رابطه معناداری دارد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهش هومن و همکاران نشان داد که بهزیستی معنوی رابطه معناداری با رضایت از زندگی و خودکارآمدی و تأثیر منفی بر احساس تنهایی دارد (هومن و همکاران، ۱۳۸۹). در پژوهشی که در ارتباط با پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت از زندگی انجام شد، نتایج نشان داد که بهزیستی معنوی از

پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی رضایت از زندگی است و بهزیستی معنوی رابطه معناداری با رضایت از زندگی دارد (تمنائی‌فر و منصوری نیک، ۱۳۹۲). ایجاد و حفظ، حسی از بهزیستی معنوی نقش حیاتی در سازگاری و رضامندی دارد. تحقیقات فوق حاکی از آن است که بهزیستی معنوی تأثیر مثبتی در رضایت از زندگی افراد دارد.

همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در راستای بهزیستی معنوی و امید نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد (چن و کرو (Chen & Crewe)، ۲۰۰۹؛ جعفری و همکاران، ۲۰۱۰؛ یون و همکاران، ۲۰۰۸؛ بایلی و اشنایدر (Bailey)، ۲۰۰۷). در پژوهشی که در ارتباط با اثربخشی امیددرمانی و افزایش رضایت‌مندی صورت گرفت، نتایج نشان داد که آموزش رویکرد امیددرمانی، موجب افزایش میزان امید و رضایت زناشویی در افراد مورد بررسی شده است (خوشخرام و گلزاری، ۱۳۹۰). همچنین در پژوهش دیگری مشخص شد که بین دینداری و رضایت زناشویی و شادکامی در افراد مورد بررسی رابطه وجود دارد و دینداری به‌طور مثبتی پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). در همه این مطالعات، امیدواری یک عامل مهم و پویا در دستیابی به معنا از تجارب در نظر گرفته شده است. از این رو، می‌توان گفت: امید و باورهای معنوی موجب ایجاد بهزیستی و رضامندی شده و این امر سازگاری افراد با عوامل فشارزای زندگی را ممکن ساخته و سطح رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد (میلر (Miller)، ۱۹۹۱).

با توجه به اینکه سالمندی یک مرحله تغییرناپذیر زندگی است و عوامل متعددی موجب آسیب‌پذیری و کاهش رضامندی در این افراد می‌شود، پژوهش پیرامون عوامل روان‌شناختی مرتبط با رضایت از زندگی در این افراد ضروری است. اگرچه نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌ها، همواره یکسان نبوده است، در حال حاضر با توجه به شواهد پژوهشی روان‌شناختی مرتبط می‌توان گفت: متغیرهای گوناگونی بر رضامندی این قشر از جامعه تأثیر معناداری دارد. بنابراین به منظور شناسایی رابطه بین بهزیستی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان، این پژوهش انجام گرفت.

روش پژوهش

روش این تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق را کلیه سالمندان زن و مرد شهرستان اردبیل تشکیل می‌داد. از این جامعه، تعداد ۱۰۰ سالمند (۴۶ زن و ۵۴ مرد) به‌طور تصادفی ساده انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. به دلیل نقص در پاسخ‌ها، تعداد ۴ نفر از سالمندان مورد

مطالعه (هر ۴ نفر هم زن) از تحلیل کنار گذاشته شدند و اطلاعات به دست آمده از ۹۶ سالمند (۴۲ زن و ۵۴ مرد) وارد تحلیل نهایی شد. اطلاعات به دست آمده، با استفاده از تکنیک‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه استاندارد و رگرسیون سلسله‌مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسش‌نامه بهزیستی معنوی، پرسش‌نامه امید و پرسش‌نامه رضایت از زندگی استفاده شد.

ابزار پژوهش

مقیاس بهزیستی معنوی (SWBS): این آزمون توسط پالوتزین و الیسون (Paloutzian, R. F. & Ellison) در سال ۱۹۸۲ ساخته شد و شامل ۲۰ سؤال و دو خرده‌مقیاس است. سؤالات فرد آزمون، مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی بوده و میزان تجربه فرد از رابطه رضایت‌بخش با خدا را مورد سنجش قرار می‌دهد و سؤالات زوج، مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی وجودی است که احساس هدفمندی را می‌سنجد. مقیاس پاسخ‌گویی به سؤالات به صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. پالوتزین و الیسون در پژوهشی ضرایب آلفای کرونباخ بهزیستی مذهبی و وجودی و کل مقیاس را به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند (پالوتزین و الیسون، ۱۹۸۲). در پژوهشی روی دانشجویان دختر و پسر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی و خرده‌مقیاس بهزیستی وجودی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۲، ۰/۸۷ و با روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۸۱ گزارش شد (دهشیری و همکاران، ۱۳۸۶). در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی و وجودی ۰/۹۱، ۰/۸۴ و ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه امید: مقیاس امید بزرگسالان یک پرسش‌نامه خودگزارشی مشتمل بر ۱۲ سؤال است که توسط اشنایدر و دیگران ساخته شده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد تأیید قرار گرفته است. سؤالات ۳، ۵، ۷ و ۱۱ ماده‌های انحرافی هستند که در نمره‌گذاری وارد نمی‌شوند. هشت متغیر دیگر نمره امید کلی فرد را به دست می‌دهند که از ۸ تا ۳۲ متغیر است. در پژوهش لویز ضریب آلفای کرونباخ برای امیدواری کل ۰/۸۶ و پایایی بازآزمایی در طی ۱۰ هفته ۰/۸۲ به دست آمده است (لویز، ۲۰۰۰). در پژوهش دیگری، که توسط اشنایدر و لویز صورت گرفت، همسانی درونی کل آزمون ۰/۷۴ تا ۰/۸۴ و پایایی بازآزمایی ۰/۸۰ محاسبه شده است (اشنایدر و لویز، ۲۰۰۷). در ایران، پایایی و روایی مقیاس بر روی نمونه ۱۰۰ نفری محاسبه و خصوصیات روان‌سنجی آن رضایت‌بخش گزارش شده

است (شیرین‌زاده و میرجعفری، ۱۳۸۵). در پژوهش دیگری همسانی درونی این مقیاس ۰/۶۸ و بین این مقیاس و پرسش‌نامه عاطفه مثبت و خوش‌بینی همبستگی معنادار گزارش شده است که بیانگر اعتبار همزمان آن است (علاء‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۶).

پرسش‌نامه رضایت از زندگی: داینر و دیگران مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) را برای همه گروه‌های سنی تهیه کردند (داینر و همکاران (Diener)، ۱۹۸۵). این مقیاس دارای ۵ ماده است و هر ماده از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. نتیجه مطالعه مظفری (۱۳۸۲)، که در ایران روی مقیاس SWLS صورت گرفت، نشان داد که مقیاس مذکور از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. براساس مطالعه مذکور، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و ضریب بازآزمایی آن در فاصله ۶ هفته برابر با ۰/۸۴ بوده است. در پژوهش دیگری، روایی این آزمون به شیوه تحلیل عاملی محاسبه گردید که نتایج حاکی از وجود یک عامل کلی در مقیاس داشت که بیش از ۵۴ درصد از واریانس سؤال‌ها را پیش‌بینی می‌نمود (جوکار، ۱۳۸۵).

یافته‌های پژوهش

از کل افراد مورد مطالعه، ۴۲ نفر زن و ۵۴ نفر مرد بودند. ۳۰ نفر بی‌سواد، ۳۶ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۴ زیر دیپلم، ۷ نفر دیپلم، ۹ نفر لیسانس بودند. ۶۸ نفر از افراد مورد مطالعه، ۷۰-۶۵ سال، ۱۸ نفر ۷۵-۷۰ سال و ۱۰ نفر نیز بالاتر از ۷۵ سال داشتند. میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۷۰/۲۹ و انحراف معیار آن ۳/۱۳ بود.

شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ آورده شده است. براساس اطلاعات جدول مذکور، از آنجا که مقادیر کشیدگی و چولگی هریک از متغیرهای تحقیق بین ± 1 قرار داشتند، می‌توان گفت: توزیع نمرات کلیه متغیرهای مورد مطالعه از شکل نرمال برخوردارند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	M	SD	کشیدگی	چولگی
بهزیستی مذهبی	۲۶	۴۴	۳۴/۹۲	۳/۳۰	۰/۴۵	۰/۲۲
بهزیستی وجودی	۲۷	۶۰	۳۶/۲۰	۴/۵۲	۰/۷۸	۰/۸۴
امید	۱۴	۳۴	۲۴/۹۰	۴/۸۹	-۰/۲۳	-۰/۵۴
رضایت از زندگی	۵	۳۵	۲۱/۱۳	۶/۸۴	-۰/۲۷	-۰/۴۵

برای آزمون روابط دو متغیره بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی، امید و رضایت از زندگی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی دو متغیره بین بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی، امید و رضایت از زندگی (N=۹۶)

۱. بهزیستی مذهبی	-		
۲. بهزیستی وجودی	۰/۵۱*		
۳. امید	۰/۶۸*	۰/۴۴*	
۴. رضایت از زندگی	۰/۴۶*	۰/۳۷*	۰/۳۴*

*P < ۰/۰۱

اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین بهزیستی مذهبی و بهزیستی وجودی؛ بهزیستی مذهبی و امید؛ بهزیستی مذهبی و رضایت از زندگی؛ بهزیستی وجودی و امید؛ بهزیستی وجودی و رضایت از زندگی؛ و امید و رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

برای تعیین مقدار واریانس تبیین شده رضایت از زندگی، توسط سه متغیر بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید، از رگرسیون چندگانه استاندارد (روش ورود هم‌زمان) استفاده شد (جدول ۳). پیش از اجرای تحلیل رگرسیون، یک تحلیل اولیه برای بررسی مفروضه‌های رگرسیون اجرا شد. نتایج حاکی از برقراری نرمال بودن چندگانه نمرات متغیرها بود (باقیمانده‌ها به‌طور نرمال در اطراف نمرات پیش‌بینی شده رضایت از زندگی توزیع شده بودند)، روابط بین متغیرها خطی بود (باقیمانده‌ها یک رابطه خطی مستقیم با نمرات پیش‌بینی شده رضایت از زندگی داشتند)، هم خطی چندگانه وجود نداشت (همبستگی بین متغیرهای مستقل یعنی بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید کمتر از ۰/۷ بود)، یکسانی پراکندگی وجود داشت (واریانس باقیمانده‌ها در اطراف نمرات پیش‌بینی شده برای همه نمرات پیش‌بینی شده یکسان بود) و نمرات زاید وجود نداشت.

پس از اجرای رگرسیون چندگانه، مقدار R2 به‌دست آمده نشان داد که ۳۷ درصد واریانس کل رضایت از زندگی سالمندان توسط سه متغیر وارد شده در مدل، تبیین گردیده است. تحلیل ANOVA روی همین مدل نیز حاکی از معناداری مدل کلی بود: (P < ۰/۰۱ و F(۳ و ۹۶) = ۸/۱۱). برای اطلاع از سهم هریک از متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر رضایت از زندگی، ضرایب Beta بررسی شد. نتایج نشان داد که سهم یگانه هر سه متغیر بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید، از نظر آماری معنادار است.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون چندگانه میزان رضایت از زندگی بر بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید

R2	R	F	t*	Beta	SE	B	
۰/۳۷	۰/۶۱	۸/۱۱	۳/۲۱	۰/۴۰	۰/۱۱	۰/۴۳	بهزیستی مذهبی
			۳/۰۹	۰/۳۸	۰/۱۸	۰/۳۵	بهزیستی وجودی
			۳/۵۳	۰/۵۲	۰/۲۰	۰/۵۴	امید

*کلیه مقادیر t در سطح P < ۰/۰۱ معنی دار بودند

برای بررسی این موضوع که آیا با کنترل اثر متغیرهای سن، جنسیت، و سطح تحصیلات، باز هم اثر سه متغیر بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید بر میزان رضایت از زندگی سالمندان معنادار است یا نه، از تحلیل رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی تغییرات رضایت از زندگی

پیش بین	B	R2	R2Δ	P
مرحله ۱		۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۴۰
جنسیت	۲/۷۱			۰/۶۰
سن	۰/۸۵			۰/۰۳
تحصیلات	۰/۶۷			۰/۸۳
مرحله ۲		۰/۴۵	۰/۳۷	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۷۱۰			۰/۸۸
سن	۰/۶۹			۰/۰۵
تحصیلات	۰/۲۲			۰/۹۶
بهزیستی مذهبی	۰/۳۴			۰/۰۳
بهزیستی وجودی	۰/۳۰			۰/۰۴
امید	۰/۶۲			۰/۰۱

جدول ۴ نشان می‌دهد پس از اینکه متغیرهای بلوک اول (سن، جنسیت، و سطح تحصیلات)، وارد مدل شدند، مدل کلی ۸ درصد (R2 = ۰/۰۸) واریانس متغیر رضایت از زندگی را تبیین کرد. اما پس از اینکه متغیرهای بلوک دوم (بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید) نیز وارد مدل شدند، مدل کلی ۴۵ درصد واریانس رضایت از زندگی (R2 = ۰/۴۵) را تبیین کرد. همچنین مقدار R2Δ برای مدل دوم نشان می‌دهد که ۳۷ درصد واریانس کل (پس از حذف متغیرهای بلوک اول) توسط سه متغیر بلوک دوم (بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و امید) تبیین می‌شود. مقدار F تغییر برای ردیف دوم مدل نشان می‌دهد که سهم سه متغیر مذکور، در تبیین واریانس متغیر وابسته معنادار است (P < ۰/۰۱ و F(۳ و ۹۳) = ۱۱/۰۹). برای اطلاع از این موضوع که هریک از متغیرها تا چه اندازه در معادله نهایی مشارکت می‌کنند، مقادیر بتا و معناداری هریک از متغیرها بررسی شد و معلوم گردید که چهار متغیر در پیش‌بینی رضایت از زندگی سالمندان، از نظر آماری سهم معناداری دارند که به ترتیب اهمیت عبارتند از: امید، بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و سن.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بهزیستی معنوی و امیدواری با رضایت از زندگی در افراد سالمند

بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین بهزیستی معنوی و مؤلفه‌های آن (بهزیستی مذهبی و بهزیستی وجودی) و رضایت از زندگی در افراد سالمند رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بهزیستی معنوی قادر است رضایت از زندگی را در سالمندان مورد مطالعه پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های (هومن و دیگران، ۱۳۸۹؛ تمنائی‌فر و منصوری‌نیک، ۱۳۹۲؛ پیرون و همکاران، ۲۰۰۶؛ الیسون و اندرسون، ۲۰۰۱؛ زولینگ و همکاران، ۲۰۰۶) همسو است. بنابراین، بهزیستی معنوی از عوامل تأثیرگذار در رضامندی زندگی به‌شمار می‌آید. به نظر می‌رسد، معنویت در افراد حس معنا و هدف ایجاد می‌کند و این حس معنا و هدف موجب رضامندی در افراد می‌شود. گومز و فیشر (Gomez, R., & Fisher) بر این باورند که بهزیستی معنوی موجب می‌شود فرد دارای هویت یکپارچه، رضایت، شادی، عشق، احترام، نگرش‌های مثبت، آرامش درونی و هدف و جهت در زندگی باشد و این نوع نگرش‌های مثبت در رضایت از زندگی تأثیر بسزایی دارد (گومز و فیشر، ۲۰۰۳). از دیگر تبیین‌های احتمالی این رابطه، این است که افراد دارای زندگی معنوی فعال، از نظر روانی افراد سالمی هستند. این افراد تمایل دارند خود آن را دوست داشته‌نی، توانا و شایسته ببینند و می‌توانند خدایی را پیدا کنند که آنها را در زندگی‌شان راهنمایی کند، به آنها شادی ببخشد و از آنها در زمان گرفتاری حمایت کند (امونز (Emmons)، ۲۰۰۰). این مسئله در سن پیری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چون که این افراد نسبت به افراد جوان و بزرگسال عمر کوتاهی دارند. در این مدت باقیمانده زمان از طریق روی آوردن به معنویت و انجام اعمال مذهبی حس آرامش درونی در خود به وجود می‌آورند و از بار گناهان خود می‌کاهند. افراد سالمند، با بهزیستی معنوی بالا به دعا و راز و نیاز رو می‌آورند تا از این طریق، به یک منبع و قدرت معنوی پناه ببرند و این قدرت برتر آنان را در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها محافظت کند. در چنین شرایطی، حس امید و نشاط در فرد به وجود می‌آید و این حس موجب رضایت فرد از زندگی خواهد بود.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر امیدواری به‌طور معناداری در پیش‌بینی رضایت از زندگی در افراد سالمند نقش دارد. نتایج این پژوهش در خصوص رابطه امید و رضایت از زندگی با یافته‌های (خوشخرام و گلزاری، ۱۳۹۰؛ جعفری و همکاران، ۲۰۱۰؛ روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷؛ چن و کرو، ۲۰۰۹؛ بایلی و اشنایدر، ۲۰۰۷) همسو است. عوامل زیادی در امیدوار بودن نقش دارند. یکی از اساسی‌ترین آنها، باور به خداوند و اتکا به او در مشکلات و سختی‌های زندگی است. اعتقاد به وحدانیت الهی پیش‌زمینه رسیدن به لقای الهی است. از سوی دیگر، رسیدن به لقاء الهی در انسان این

امید را به وجود می‌آورد که همواره اعمال شایسته‌ای را انجام بدهد؛ زیرا فرد به این باور می‌رسد که روزی به خدا ملحق خواهد شد و در سایه رسیدن به لقای الهی، به حیات ابدی خواهد رسید و برای همیشه زنده خواهد بود. این نوع نگرش موجب می‌شود که فرد برای زندگی بهتر و سالم در این دنیا، که اساس زندگی فرد در آخرت است، برنامه‌ریزی کند. بنابراین، می‌توان گفت: امید به‌عنوان یک متغیر روان‌شناختی با ایجاد انتظارات ذهنی مثبت نسبت به حال و آینده موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود. بزرگسالانی که امیدوارترند، به دیگران به‌عنوان منابع حمایتی و پایگاه‌هایی که می‌توانند به آنها تکیه نمایند می‌نگرند، با چالش‌هایی که ممکن است در زندگی‌شان با آنها روبه‌رو شوند، سازگار می‌شوند. شادی بالاتری تجربه می‌کنند و از زندگی‌شان رضایت بیشتری دارند (اشنایدر، ۲۰۰۰، ص ۲۳۴). در مجموع، نتایج حاصل بر ترکیب مؤلفه‌های روان‌شناختی و معنوی در افزایش امید و رضامندی زندگی تأکید دارد. داشتن هدف و امید و دستیابی به آن، به زندگی فرد معنا داده و او را در مسیر خاصی قرار می‌دهد. از نظر فلدمن و اشنایدر، امید با معنایابی در زندگی رابطه دارد، به‌طوری‌که امید از دید این پژوهشگران یکی از مؤلفه‌های معنا می‌باشد (فلدمن (Feldman) و اشنایدر، ۲۰۰۵). در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد که بهزیستی معنوی و امیدواری نقش مهمی در رضایت از زندگی سالمندان ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، امیدواری می‌تواند با احساسات و شناخت‌های مثبت نسبت به خود و آینده همراه باشد و از این طریق، رضایت از زندگی را افزایش دهد.

با توجه به یافته‌های پژوهشی حاضر می‌توان گفت: متخصصان سلامت روان و افرادی که در حوزه سالمندی فعالیت می‌کنند، بایستی به‌منظور سازگاری روان‌شناختی بهتر این افراد، بر متغیرهای روان‌شناختی بهزیستی معنوی و امیدواری به‌عنوان منابع فردی، بیشتر تأکید کنند و فعالیت‌هایی را به‌منظور ارتقاء بهزیستی معنوی و رضامندی از زندگی در افراد سالمند انجام دهند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که بهزیستی معنوی و امیدواری نقش مهمی در رضایت از زندگی سالمندان ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه سالمندان نسبت به افراد جوان، امید به زندگی پایینی دارند، ممکن است از سلامت روانی پایین‌تری هم برخوردار باشند، برنامه‌ریزی برای افزایش بهزیستی معنوی با انجام آموزش‌های معنوی و مذهبی و در صورت امکان برنامه‌های دسته‌جمعی برای بالا بردن حس معنوی و امیدواری در این گروه از افراد جامعه، که با توجه به افزایش پیشرفت‌های پزشکی و ارتقاء سطح سلامت عمومی روز به روز بر تعداد آنان افزوده می‌شود، لازم به نظر می‌رسد.

- Diener, E. & et al, 1985, The satisfaction with life scale, *Journal of Personality Assessment*, v. 49, p. 71-75.
- Ellison, C. G. & Anderson, K. L, 2001, Religious involvement and domestic violence among U.S. couples, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 40, p. 269-286.
- Ellison, C. W, 1983, Spiritual well-being: Conceptualization measurement, *Journal of psychology and Theology*, v. 11, p. 330-340.
- Emmons, A, 2000, Is Spirituality Intelligence? Motivation, Cognition, and the Psychology of Ultimate Concern, *International journal for the psychology of religion*, v. 10, p. 3-26.
- Feldman, D. B. & Snyder, C. R, 2005, Hope and the meaningful life: Theoretical and empirical associations between goal-directed thinking and life meaning, *Journal of Social and Clinical Psychology*, v. 24, p. 401-421.
- Gomez, R. & Fisher, J. W, 2003, Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual Well-Being Questionnaire, *Personality and Individual Differences*, v. 35, p. 1975-1991.
- Jafaria, E, et al, 2010, Life satisfaction, spirituality well-being and hope in cancer patients, *Procedia social and Behavioral Sciences*, v. 5, p. 1362-1366.
- Lopez, S, 2000, *Handbook of positive psychology*, Oxford University Press.
- Lopez, S. J, et al, 2003, *Hope: Many definitions, many measures*, In C. R. Positive psychological assessment: A handbook of models and measures Washington, DC, US: American Psychological Association, p. 91-106.
- Miller, J, 1991, Developing and maintaining hope in the critically ill, *AACN Clinical Issues*, v. 2, p. 307-315.
- Moberg, D. O, 1978, Spiritual well-being: A neglected subject in quality of life research, *Social Indicator Research*, v. 5, p. 303-323.
- Paloutzian, R. F, & Ellison, C. W, 1982, *Loneliness: A sourcebook of current theory*, research and therapy, New York: Wiley.
- Perrone, K. M, et al, 2006, Relationship of spirituality to work and family roles and life satisfaction among gifted adults, *Journal of Mental Health Counseling*, v. 28, p. 253-268.
- Snyder, C. R, & Lopez, S, G, 2007, *Positive Psychology*, New York Published by Oxford University Press, Inc.
- Snyder, C. R, 2000, "*Handbook of Hope: Theory, Measures, and Applications*", San Diego: Academic Press.
- Snyder, C. R, et al, 1991, The will and the ways: Development and validation of an individual-differences measure of hope, *Journal of Personality and Social Development*, v. 60, p. 570-585.
- Snyder, C. R, et al, 2002, Hope for the sacred and vice versa: Positive goal-directed thinking and religion, *Psychological Inquiry*, v. 13, p. 234-238.
- Yoon, D. P, 2006, Factors affecting subjective well-being for rural elderly individuals: The importance of spirituality, religiousness, and social support, *Journal of Religion and Spirituality in Social Work*, v. 25, p. 59-75.
- Yoon, D. P, & et al, 2008, Relations among school connectedness, hope, life satisfaction, and bully victimization, *Psychology in the Schools*, v. 45, p. 446-459.
- Zullig, K. J, et al, 2006, The association between perceived spirituality, religiosity, and life satisfaction: The mediating role of self-rated health, *Social Indicators Research*, v. 79, p. 255-274.

منابع

- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، برگزیده کلمات قصار و سخنان گهربار حضرت پیامبر اکرم ﷺ، قم، طلوع مهر.
- تمنائی فر، محمدرضا و اعظم منصوری نیک، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس رگه‌های شخصیت، حمایت اجتماعی و بهزیستی معنوی»، *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ش ۲۹، ص ۷۲-۹۲.
- جعفری، عیسی و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه بهزیستی معنوی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روانی سالمندان»، *تحقیقات علوم رفتاری*، ش ۶، ص ۴۳۱-۴۴۰.
- جوکار، بهرام، ۱۳۸۶، «نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی»، *روان‌شناسی معاصر*، ش ۲، ص ۳-۱۲.
- خوشخرام، نجمه و محمود گلزاری، ۱۳۹۰، «اثربخشی امید درمانی بر افزایش میزان رضایت زناشویی و تغییر سبک دلبستگی ناایمن در دانشجویان متأهل دانشگاه»، *روان‌شناسی کاربردی*، ش ۲، ص ۸۴-۹۶.
- دهشیری، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس بهزیستی معنوی در بین دانشجویان»، *مطالعات روان‌شناختی*، ش ۳، ص ۱۲۹-۱۵۰.
- روحانی، عباس و داود معنوی پور، ۱۳۸۷، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش*، ش ۳۵-۳۶، ص ۱۸۵-۲۰۶.
- شیرین‌زاده، صمد و احمد میرجعفری ۱۳۸۵، *بررسی رابطه بین امیدواری با راهبردهای مقابله با استرس*، در: مجموعه مقالات سومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- علاء‌الدینی، زهره و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی اثربخشی امید درمانی گروهی بر میزان امید و سلامت روانی»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ش ۴، ص ۶۷-۷۶.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، *گزارش سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. www.sci.org.ir
- مظفری، شهباز، ۱۳۸۲، *همبسته‌های روان‌شناختی شادکامی ذهنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- هومن، حیدرعلی و همکاران، ۱۳۸۹، «مدل‌یابی احساس تنهایی بر پایه ساختار بهزیستی معنوی، خودکارآمدی و رضایت از زندگی»، *تحقیقات روان‌شناختی*، ش ۷، ص ۱۹-۳۲.
- Bailey, T. C. & Snyder, C. R, 2007, Satisfaction with life and hope: A look at age and marital status, *The Psychological Record*, v. 57, p. 233-240.
- Chen, R. K, & Crewe, N. M, 2009, Life satisfaction among people with progressive disabilities, *Journal of Rehabilitation*, v. 75, p. 50-58.

مقدمه

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهای جامعه بشری است، به طوری که هیچ‌گاه، بشر خارج از این پدیده، زیست نکرده و دامن از آن بر نکشیده است. اگر به صحنه گیتی نظری بیفکنیم، بسیاری از اماکن را خواهیم یافت که در آنجا نه آبادی است، نه علم و نه دولت، اما هیچ جایی را نمی‌توان یافت که خدا نباشد. یاد خدا، اندیشیدن در مورد عظمت پروردگار، تفکر درباره فلسفه خلقت، تسبیح ذات حق و شکرگزاری در برابر همه نعمت‌ها موجب آرامش جان و روان است. به طوری که در آیه ۲۸ سوره رعد می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». قرآن مجید به حالت درونی انسان در هجوم فشارهای روزمره اشاره می‌کند و از حالت دعا و طلب در پیشگاه خدا پرده برمی‌دارد. به تعبیر جیمز، انسان احساس می‌کند که در وجود او یک عیب و نقص بزرگی است که موجب ناآرامی‌ها و مشکلات ماست و همچنین حس می‌کنیم که هرگاه با قدرتی مافوق خود ارتباط برقرار کنیم، می‌توانیم خود را از ناآرامی‌ها و ناراحتی‌ها نجات دهیم (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵).

در مورد ضرورت این پژوهش، می‌توان گفت: با توجه به اینکه بیشتر گروه سنی جمعیت کشور ما را جوانان تشکیل می‌دهد، بررسی و شناسایی مشکلات آموزشی و روان‌شناختی جوانان از اهمیت فراوان برخوردار است. در این میان، لازم است به مسائل و مشکلات مهمی که به نحوی به پیشرفت تحصیلی آنان لطمه می‌زند، توجه لازم مبذول گردد. دانش‌آموزی که در عرصه‌های تحصیلی به فعالیت‌های متنوع آموزشی و مهارت‌آموزی مشغول است، بی‌شک با فشارهای روزافزون هویتی به چالش می‌افتد و چگونگی مواجهه وی با این تعارضات هویتی و از جمله هویت مذهبی، ممکن است فرایند فعالیت‌های تحصیلی او را تحت تأثیر قرار دهد. هریک از هویت‌ها (هویت شخصی، دینی، اجتماعی و مذهبی)، که بتواند انسان را از بحران‌های زندگی نجات دهد و او را از سرگردانی برهاند تا او در وجودش اختلال هویت احساس نکند، بهترین هویت است. از این رو، مهم‌ترین هویتی که مورد تأیید اندیشمندان است، هویت دینی است؛ زیرا که هویت دینی، انسان را به منبع و پشتوانه‌ای متصل می‌کند که دارای بالاترین ثبات است. علاوه بر این، به جاودانه بودن انسان اشاره دارد، جلوه‌ای زیبا به او می‌دهد و راه‌های رسیدن به کمال را برای او بیان می‌کند. مطالعه منابع اسلامی این نتیجه را به دست می‌دهد که التزام عملی به اعتقادات مذهبی، عامل بازدارنده بسیاری از بیماری‌های روانی است (عابدی، ۱۳۸۸).

نتایج پژوهش‌های گوناگون نیز حاکی از وجود تأثیر مثبت دین بر سازگاری و بهداشت روانی افراد است. برای نمونه، پژوهش‌های گارتنر و همکاران ۱۹۹۱؛ ماتون و پارگامنت ۱۹۸۷؛ پالوما و پندلتون،

رابطه سبک‌های هویت مذهبی، ابعاد دینداری

با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان

vahedi117@yahoo.com

شهرام واحدی / دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

ریحانه احمدیان / دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۴

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی روابط ساختاری سبک‌های هویت مذهبی و ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان است. ۶۶۷ دانشجو (۲۹۷ پسر و ۳۷۰ دختر) از چهار دانشکده علوم انسانی، فنی مهندسی، علوم پزشکی و کشاورزی دانشگاه تبریز در این پژوهش شرکت کردند. از آزمودنی‌ها خواسته شد که پرسش‌نامه‌های هویت مذهبی بل، ابعاد دینداری گلاک و استارک و مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف را تکمیل کنند. داده‌های به‌دست‌آمده از طریق آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر، در تمام متغیرها تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0.01$). همچنین نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش قابل قبولی برخوردار است ($p > 0.05$). ابعاد دینداری و سبک‌های هویت مذهبی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین معنی‌داری برای بهزیستی روان‌شناختی جوانان محسوب می‌شود. ابعاد دینداری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد.

کلیدواژه‌ها: هویت مذهبی، ابعاد دینداری، بهزیستی روان‌شناختی، دانشجویان.

تأثیر مثبت دین بر سلامت روانی، کاهش علایم بیماری، کاهش ناراحتی و آشفتگی را گزارش داده و از وجود یک رابطه مثبت بین دین و بهداشت روانی حمایت کردند (شجاعیان و زمانی‌منفرد، ۱۳۸۱).

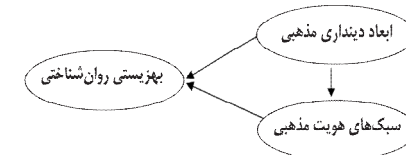
همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که میزان شرکت در مراسم مذهبی، با افسردگی رابطه منفی دارد، به‌گونه‌ای که میزان افسردگی در بین کسانی که در این‌گونه مراسم شرکت می‌کنند، تقریباً نصف میزان افرادی است که به آنجا نمی‌روند (واحدی و غنی‌زاده، ۱۳۸۸). کاپلان و همکاران نیز دریافتند که عبادت و انجام فرایض دینی، سپری ایمن در مقابل بسیاری از مسائل و مشکلات و بیماری‌هاست (صادقی، ۱۳۷۸). هاریسون (Harrison) (۲۰۰۱) نیز اثر مثبت مذهب بر سلامت روانی را تأیید کرده‌اند. نتایج پژوهش روحی‌عزیزی و روحی‌عزیزی (۱۳۸۰)، نشان داد که تقریباً ۱۰۰٪ نمازگزاران معتقد بودند که پس از انجام این فریضه الهی به حالت سکون و آرامش روحی می‌رسند؛ سختی‌ها و شداید زندگی را راحت‌تر تحمل کرده و نیروی مبارزه با مشکلات، امید و ایمان در آنها تقویت می‌گردد. با این حال، برخی از تحقیقات نتایج فوق را تأیید ننموده‌اند. برای مثال، زهروی و پهلوانی (۱۳۸۰)، در بررسی نقش مراسم عبادی روزه‌داری در سلامت روانی گزارش نمودند که بین روزه‌داری و سلامت روانی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد (واحدی و غنی‌زاده، ۱۳۸۸). بی‌تردید مذهب، انسان را در مقابل هجوم اضطراب، تردید و ناامیدی نیرومند و آماده می‌سازد. ارزش هر فرد مذهبی، به میزان رشد آگاهی و بصیرت و دانایی وی بستگی دارد، و تا زمانی که شناخت اصولی از مذهب شکل نگرفته باشد، نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی روبه‌رشد فرد داشته باشد (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵). در این صورت، هویت مذهبی در او شکل می‌گیرد که در واقع اتکای فرد به یک نظام یا پایگاه اعتقادی است که بر جهت‌گیری فرد در زمینه‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر، هویت مذهبی فلسفه زندگی و حیات یک فرد را تشکیل می‌دهد. اهمیت این هویت از این جهت است که انسان از فطرت و سرشت خداجویی برخوردار است؛ یعنی گرایش به دین و مذهب در تمامی انسان‌ها وجود دارد. اگر این گرایش در مسیر خود با موانعی مواجه نشود، انسان در جهت شناخت صحیح دین حرکت خواهد کرد و هویت مذهبی باثباتی را برای خود شکل خواهد داد. ولی اگر این شکل از هویت، به درستی و با شناخت کافی شکل نگیرد، فرد را به انحراف و انحطاط و بحران می‌کشاند و بر روند فعالیت‌های روزمره زندگی مثل سلامت روانی و تحصیل تأثیر می‌گذارد. برگین و همکاران در پژوهشی نشان دادند که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی یعنی افرادی که معتقدند مذهب در ذات آنها ریشه دارد و به‌صورت یک هویت درآمد، در مقایسه با

افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، یعنی مذهب را وسیله دستیابی به چیزهای دیگر می‌دانند، سلامت روانی مثبت‌تری دارند (برگین (Bergin)، ۱۹۹۱).

علاوه بر این، برخی تحقیقات نشان دادند که میزان آثار و علائم شاخص مشکل روانی در میان کسانی که تدین بیرونی است، بیش از سایر افراد است. اما کسانی که تدین درونی دارند، کمتر از سایر افراد مشکلات روانی داشتند. پس افراد متدین، به هر نسبت که ایمان قوی و محکم داشته باشند، از بیماری‌های روانی مصون‌تر هستند (واحدی و غنی‌زاده، ۱۳۸۸). برخی تحقیقات به بررسی رابطه بین هویت مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی پرداختند، برای نمونه، لوستون دریافت که هویت مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی رابطه متقابل بالقوه و پویا دارند. الیسون (Ellison) (۱۹۹۱) نیز به این نتیجه رسید که فعالیت‌های مذهبی و التزام عملی داشتن به اعتقادات مذهبی، مانند دعا کردن و قرائت کتاب مقدس با احساس آرامش بیشتری در افراد همراه است. تحقیق نونی و وودرام (Nooney & Woodrum) (۲۰۰۲) نیز نشان داد که الزام رفتن به کلیسا و انجام مراسم دعا، از عوامل مؤثر بر سلامت روانی هستند و با آن رابطه مثبت دارند. اما تحقیقات متضادی نیز در مورد نقش مذهب با سلامت روانی به دست آمده است. باتر و همکاران، در بررسی خود به این نتیجه دست یافتند که معنویت شخصی با نشانگان پایین افسردگی رابطه مستقیم دارد، اما تعداد دفعات دعا با میزان نشانگان افسردگی رابطه معناداری ندارد (رجایی و همکاران، ۱۳۸۸).

همچنین نتایج پژوهش الیسون و همکاران (۲۰۰۱)، نشان دادند که رفتن به کلیسا با احساس بهزیستی رابطه مثبت و با درماندگی رابطه منفی دارد و تعداد انجام مراسم دعا با بهزیستی رابطه ضعیف معکوس و با مضطرب بودن رابطه مثبت اندکی دارد (رجایی و همکاران، ۱۳۸۸). ولی بسیاری از یافته‌ها حکایت از این دارد که اعمال و شعائر مذهبی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت معنی‌دار دارد (لوین و چترز، ۱۹۹۸). ریف (Ryff) (۱۹۸۹) بهزیستی روان‌شناختی را شامل استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود می‌داند. به‌عبارت دیگر، تجربه استقلال، توانایی رویارویی در برابر فشارهای اجتماعی، عمل براساس راه‌حل‌های فردی و ارزیابی خود از طریق معیارهای شخصی و توانایی فرد در انتخاب یا ایجاد محیط‌هایی متناسب با شرایط روانی خود از ویژگی‌های مهم سلامت روانی است. از این‌رو، ارائه خدماتی که بهزیستی دانشجویان را تأمین می‌کند، خودش ارزشمند است؛ زیرا دانشجویان دانشگاه بخش حیاتی نیروی کار هر کشور است. از این‌رو، ارتقای شرایطی که بهزیستی آنها را بهبود بخشد، پیامدهای مثبتی برای اجتماع در پی خواهد

داشت. هدف این تحقیق ارزیابی یک مدل مفهومی ترکیبی است. در این مدل، هویت مذهبی و فعالیت مذهبی به‌عنوان متغیر پیش‌بین در ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی (متغیر وابسته درون‌زاد) در نظر گرفته شده است. با توجه به پژوهش‌های یادشده، اکنون این سؤال مطرح است که آیا هویت مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی دانشجویان، در بهزیستی روان‌شناختی آنان تأثیری مثبتی دارد؟



شکل ۱: مدل نظری رابطه بین سبک‌های هویت مذهبی و ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان

براین اساس، سؤالات و فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. دانشجویانی که ابعاد دینداری بیشتری دارند، سطوح بالاتری از هویت مذهبی موفق را گزارش خواهند کرد.
۲. افرادی که ابعاد دینداری بیشتری را گزارش می‌کنند، سطوح بالاتری از بهزیستی روان‌شناختی برخوردارند.
۳. آیا ابعاد دینداری مستقیم و غیرمستقیم (سبک‌های هویت مذهبی)، بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر دارد؟
۴. بین دانشجویان دختر و پسر از نظر بهزیستی روان‌شناختی، ابعاد دینداری و هویت مذهبی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف موردنظر از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. در مطالعات همبستگی، علاوه بر تجزیه و تحلیل توصیفی، رابطه بین متغیرها کشف و تبیین می‌شود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۰ تشکیل می‌داد (N=۱۵۰۰۰). پس از هماهنگی با معاونت پژوهشی دانشگاه تبریز، با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۶۶۷ نفر به روش خوشه‌ای تصادفی از میان دانشجویان دانشگاه تبریز و دانشکده‌های علوم انسانی، پایه، فنی و مهندسی و دامپزشکی به‌عنوان خوشه‌ها انتخاب شد. پرسش‌نامه‌های هویت مذهبی، ابعاد دینداری و مقیاس بهزیستی روان‌شناختی توسط دانشجویان داوطلب تکمیل گردید. سپس، برای گردآوری نهایی به کلاس‌ها مراجعه گردید. در این پژوهش، بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان متغیر

وابسته درون‌زاد، هویت مذهبی به‌صورت متغیر مستقل درون‌زاد و فعالیت مذهبی متغیر برون‌زاد در نظر گرفته شده است.

ابزار پژوهش

۱. **مقیاس هویت مذهبی بل:** این مقیاس ۲۸ سؤالی دارای طیف لیکرت ۶ درجه است. این مقیاس، مؤلفه‌های توجه و دلسوزی، ایمان، برخورد دوستانه، بخشنده بودن، کمک کردن، سخت‌کوشی، صداقت و مهربانی را می‌سنجد. روایی محتوایی این مقیاس از طریق مقایسه بین چهار وضعیت هویت مذهبی (دیررس؛ جست‌وجوی صادقانه برای یافتن راه‌های مختلف و هدف وجود دارد و صرفاً گذشت زمان و اتلاف وقت مطرح نیست و فرد به بررسی و آزمون خود در تجارب مختلف می‌پردازد)، زودرس؛ (مشخصه آن پرهیز کردن فرد از اکتشاف یا جست‌وجوگری فعال و انتخاب خودمختارانه است. فرد به‌وسیله دیگران و نه به‌وسیله خود هدایت می‌شود)، موفق (افراد، دوره‌ای از جست‌وجوگری و اکتشاف فعال را پشت سر گذاشته و تعهدات روشنی ایجاد کرده‌اند) و مغشوش؛ (اصطلاح پراکندگی هویت مترادف با مفهوم سردرگمی در هویت‌یابی اریکسون است)) در بین ۶۰۰ آزمودنی به دست آمد. پایایی آن در این پژوهش، ۰/۸۰ برآورد گردید.

۲. **پرسش‌نامه ابعاد دینداری:** سراج‌زاده (۲۰۰۹) این پرسش‌نامه را براساس مدل گلاک و استارک تهیه و با اسلام، به‌ویژه اسلام شیعی تطبیق داده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۸ سؤال است و ۵ بعد دینداری را می‌سنجد که به ترتیب عبارتند از: ۱. بعد اعتقادی یا باورهای دینی، ۲. بعد عواطف دینی، ۳. بعد پیامدی یا آثار دینی، ۴. بعد مناسکی یا اعمال دینی، ۵. بعد شناختی. کلیه عبارات پرسش‌نامه، سؤالات نگرشی بوده و در طول یک طیف ۶ قسمتی از نوع طیف لیکرت ارزش‌گذاری شده‌اند. فقط عبارات معرف بعد عملی دین، سؤالات مربوط به رفتار واقعی‌اند. وجود رابطه‌ای قوی تا متوسط بین ارزیابی افراد از میزان دینداری خود و نمره آنان در مقیاسی که بر طبق مدل گلاک و استارک ساخته شده بود را می‌توان نشان روایی مقیاس دینداری دانست. در تحقیق شریفی، اعتبار این آزمون از طریق همبسته کردن نمرات این آزمون با آزمون نگرش‌سنج مذهبی خدایاری فرد محاسبه شد. ضریب اعتبار محاسبه‌شده برابر بوده است با ۰/۴۵ که در سطح $P > ۰/۰۱$ معنی‌دار است. ضرایب آلفای استاندارد چهار مقیاس مربوط به چهار بُعد دینداری بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۲ نوسان داشتند، به استثنای بُعد عواطف دینی، که ضریب آلفای آن ۰/۵۶ بود. سراج‌زاده، به‌منظور بررسی مقدماتی پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی، بر روی نمونه‌ای از

دانش‌آموزان استفاده کرد. ضریب آلفای استاندارد شده ۰/۶۳ و ضریب همبستگی نمرات نوبت اول و دوم ۰/۸۰ بوده است. در اجرای نهایی پرسش‌نامه، آلفای ابعاد مختلف دینداری بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۳ به دست آمد. همچنین آلفای سنجه کلی دینداری، که براساس نمره پاسخ‌گویان در چهار بعد فرعی دینداری محاسبه شد، ۰/۸۳ بود. ضریب اعتبار ابعاد این آزمون، از طریق محاسبه آلفای کرانباخ، در پژوهش شریفی به ترتیب زیر است: بُعد اعتقادی (۰/۶۲)، بُعد عاطفی (۰/۵۶)، بُعد پیامدی (۰/۶۶)، بُعد مناسکی (۰/۷۹) و اعتبار کل (۰/۷۸) (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۷۷).

۳. **مقیاس بهزیستی روان‌شناختی:** این مقیاس توسط ریف (۱۹۸۹) طراحی شده است که نسخه اصلی آن شامل ۶ بعد و هریک از ابعاد آن دارای ۲۰ گویه می‌باشد. ابعاد بهزیستی روان‌شناختی ریف شامل مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت، هدف در زندگی و پذیرش خود می‌باشد. پاسخ به هر پرسش، با ۶ گزینه از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق مشخص می‌شود. شکری و همکاران در سال ۱۳۸۷، ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های سه سؤالی را ۰/۲۱ تا ۰/۳۵ گزارش کردند. *وندیرنداک* (Van Dierendonck) (۲۰۰۵) نیز مقدار آلفا را به ترتیب ۰/۳۸، ۰/۵۲، ۰/۶۴، ۰/۵۸، ۰/۱۷ و ۰/۵۳ برآورد کرد. در پژوهش *واحدی و غنی‌زاده*، مقدار پایایی به روش دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۱ محاسبه گردید (*واحدی و غنی‌زاده*، ۱۳۸۸).

تحلیل‌های آماری

پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آنها به رایانه، از نرم‌افزارهای PASW18 و Amos 18 استفاده شد. از آنجاکه مدل‌یابی معادله ساختاری (SEM) به توزیع متغیرهای غیرنرمال می‌تواند حساس باشد، تحلیل‌های تک‌متغیره و چندمتغیره برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، خطاهای ورودی و داده‌های پرت اجرا گردید. نتایج ارزیابی تحلیل تک‌متغیره نشان داد که کجی مؤلفه‌های هویت مذهبی به ترتیب از ۰/۴ تا ۱/۴۳ و کشیدگی از ۰/۸- تا ۳/۲۸ متغیر بود. همچنین کجی و کشیدگی برای متغیر بهزیستی روان‌شناختی، به ترتیب ۰/۰۶ و ۰/۰۹- بود. علاوه بر این، کجی و کشیدگی متغیرهای ابعاد دینداری نیز بین ۰/۰۸- تا ۹/۳۷ در نوسان بود. کجی و کشیدگی هیچ‌یک از متغیرها، بیشتر از نقطه برش ۱ نبودند (کلاین (Kline)، ۱۹۹۸)، که نشانگر نداشتن مشکلاتی در مورد غیرنرمال بودن تک‌متغیره می‌باشد. در نهایت، نرمال بودن چندمتغیره با استفاده از مقدار کشیدگی چندمتغیره نرمال شده ماردیا بررسی شد. براساس نظر بنتلر و وو (Bentler & Wu) (۱۹۹۵)، مقدار ماردیا در این مطالعه، بزرگتر از ۳ نبود. علاوه بر این، از روش جایگزینی میانگین برای داده‌های گمشده استفاده گردید.

SEM در دو مرحله اجرا شد: در مرحله اول، ابتدا تحلیل‌های عاملی تأییدی مورد استفاده قرار گرفت تا میزانی که هریک از پنج متغیر نهفته که به وسیله شاخص‌های مدل‌های اندازه‌گیری پیشنهادی ما بازنمایی می‌شود، ارزیابی شود. در مرحله دوم، وقتی مدل اندازه‌گیری پذیرفته شد، تحلیل مسیر برای آزمون مدل ساختاری به کار گرفته شد انجام شد.

در SEM از روش بیشترین احتمال برای برآورد الگو و از برخی شاخص‌های دیگر برای بررسی برازندگی الگو استفاده شد. رایج‌ترین شاخص‌های آماری برازش مدل برازش مطلق (آماره χ^2 دو)، شاخص‌های تصحیح ایجازی (ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب یا RMSEA)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) ارزیابی شده‌اند: اگر مجذور کای از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد، بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند. اما این شاخص در نمونه‌های بزرگتر معمولاً معنی‌دار است. از این‌رو، شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌گردد. بنابراین، برای کاهش حساسیت شاخص مجذور کای به حجم نمونه، ما از مقدار χ^2/df بهره بردیم که مقادیر کمتر از ۵ دال برازش مطلوب می‌باشد (ویتون و همکاران، ۱۹۹۷). مقدار نزدیک به یک برای شاخص‌های TLI، CFI، IFI و مقدار کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵ برای شاخص‌های RMSEA بر برازندگی مناسب و مطلوب دلالت دارند (هارینگتون (Harrington)، ۲۰۰۹).

با استفاده از شاخص‌های اصلاح، تغییراتی در مدل ایجاد کردیم. بهره‌مندی از چنین شاخص‌ها برای تجدید مدل بایستی با احتیاط انجام شود (لوهلین (Loehlin)، ۱۹۹۲)، فقط تغییراتی که در مدل ایجاد شد، دارای مفهوم است. شاخص‌های اصلاح نشان داد که با همبسته کردن برخی از باقیمانده‌های بسته سؤالات درون مقیاس‌های مدل، حداکثر دو مورد برای هر متغیر، شاخص‌های برازش مدل به‌طور قابل توجهی بهبود خواهند یافت. از آنجاکه باقیمانده‌ها تأثیراتی را بازنمایی می‌کند که در مدل قرار نگرفته است، پذیرفتنی است که گویه‌های درون یک عامل به شیوه مشابه تحت تأثیر قرار گیرند (بروس و استونس (Bruce & Stevens)، ۲۰۰۱).

یافته‌های تحقیق

۳۹۰ نفر از شرکت‌کنندگان (۵۸/۵ درصد) دختر و ۲۷۳ نفر (۴۰/۹ درصد) دانشجویان پسر بودند. با توجه به جدول ۱، میانگین کلی نمرات دانشجویان دختر، در متغیر هویت مذهبی بالاتر از میانگین کلی نمرات دانشجویان پسر در همان متغیر بود. میانگین نمرات هویت مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی و ابعاد دینداری دانشجویان دختر بالاتر از میانگین نمرات هویت مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان پسر می‌باشد.

مطلوبی داشت. همه بارهای عاملی شاخص‌ها روی متغیرهای نهفته معنی‌دار بودند ($p < .001$)؛ بدین معناست که همه سازه‌های نهفته به خوبی به وسیله شاخص‌هایشان بیان می‌شوند.

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای مکنون

شاخص‌ها						متغیر نهفته
TLI	NFI	IFI	CFI	RMSEA	CMIN/DF	
.۹۰۵	.۹۶۰	.۹۶۴	.۹۶۴	.۱۱۱	۸/۲۶	ابعاد دینداری
.۶۱۵	.۹۵۹	.۹۶۳	.۹۶۲	.۱۳۸	۱۲/۱۴	سبک هویت مذهبی
.۹۳۸	.۹۶۳	.۹۸۶	.۹۸۵	.۰۳۱	۱/۵۵۷	بهزیستی روان‌شناختی

مدل ساختاری

پس از تأیید مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش و انجام برخی اصلاحات لازم در آنها، برای بررسی حمایت از مدل فرضی ارائه‌شده در شکل ۱، از تحلیل مسیر استفاده شد که شامل مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مربوط به بهزیستی روان‌شناختی حاصل از هریک از متغیرهای ابعاد دینداری و هویت مذهبی می‌باشد. روشی که برای آزمون تناسب مدل پیشنهادی مورد استفاده قرار گرفت، برآورد بیشینه احتمال بود. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که اثر مستقیم و غیرمستقیم ابعاد دینداری و سبک‌های هویت مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان معنی‌دار است ($P < .05$).

جدول ۶: اثر مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل استاندارد متغیرهای نهفته در مدل

اثرها	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل
از ابعاد دینداری بر:			
هویت پراکنده	-.۴۱**	-	-.۴۱**
هویت تعلیقی	-.۴۴**	-	-.۴۴**
کسب هویت	.۴۴**	-	.۴۴**
هویت زودرس	.۴۵**	-	.۴۵**
بهزیستی روان‌شناختی	.۱۹**	-.۰۵*	.۱۴**
از هویت مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی:			
هویت پراکنده	-.۲۵**	-	-.۲۵**
هویت تعلیقی	-.۱۴**	-	-.۱۴**
کسب هویت	.۱۶**	-	.۱۶**
هویت زودرس	.۱۰**	-	.۱۰**

* $P < .05$ ** $P < .01$

شاخص‌های نیکویی برازش برای این مدل، در سطح مطلوبی است. این مدل با داده‌های تجربی و پژوهش برازش خوبی دارد؛ به طوری که مقدار شاخص برازش هنجاری NFI برابر با (۰/۹۳) برازش نسبتاً خوب مدل را نشان می‌دهد. مقدار شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۴)، شاخص برازش افزایشی (IFI=.۹۴)، شاخص تاکر-لویس (TLI=.۸۹) و شاخص RMSEA برابر با (۰/۰۸) نزدیک به ۱ است

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی هویت مذهبی، ابعاد دینداری و بهزیستی روان‌شناختی بر حسب جنسیت

متغیرها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هویت مذهبی	دختر	۳۸۴	۹۹/۲۲	۹/۱۲
	پسر	۲۷۰	۱/۰۰	۱۱/۱۵
	کل	۶۵۸	۹۹/۷۴	۱۰/۱۷
ابعاد دینداری	دختر	۳۸۵	۱/۳۰	۲۲/۸۷
	پسر	۲۷۰	۱/۱۵	۲۸/۶۶
	کل	۶۵۶	۱۵/۲۳	۲۶/۸۶
بهزیستی روان‌شناختی	دختر	۳۸۵	۱/۴۴	۱۶
	پسر	۲۷۰	۱/۴۳	۱۸/۰۸
	کل	۶۵۹	۱/۴۴	۱۷/۸۰

نتایج جدول ۲، نشان داد که ضریب همبستگی بین ابعاد دینداری (اعتقادی، تجربی، مناسک فردی و جمعی، پیامدی و شناختی) و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت وجود دارد ($p < .01$)؛ به این معنی که با افزایش این ابعاد، بهزیستی روان‌شناختی نیز افزایش یافت.

جدول ۲: رابطه همبستگی ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی (N=۵۰۲)

متغیر وابسته	اعتقادی	تجربی	مناسک فردی	مناسک جمعی	پیامدی	شناختی
بهزیستی روان‌شناختی	۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۲۰
سطح معنی‌داری	۰/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ در مورد رابطه بین ابعاد هویت مذهبی (هویت پراکنده، تعلیقی، زودرس و موفق)، با بهزیستی روان‌شناختی نشان داد که بین همه ابعاد هویت مذهبی زودرس و موفق رابطه مثبت، ولی با هویت پراکنده، تعلیقی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد ($p < .01$)؛ به این معنی که با افزایش نمرات هویت موفق، حتی زودرس در دانشجویان، بهزیستی روان‌شناختی آنان نیز افزایش می‌یابد. بعکس، بهزیستی روان‌شناختی در بین دانشجویان دارای هویت پراکنده و تعلیقی پایین بود.

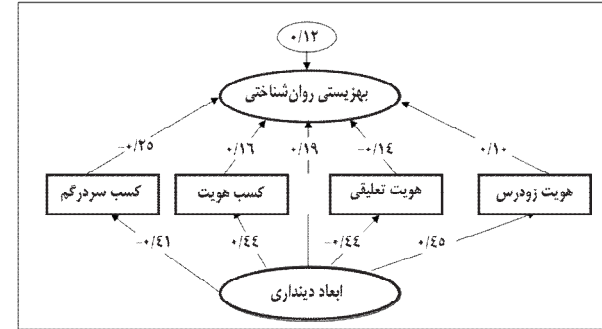
جدول ۳: رابطه همبستگی سطوح هویت مذهبی با بهزیستی روان‌شناختی (N=۴۹۵)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	هویت پراکنده	هویت زودرس	هویت تعلیقی	هویت موفق
بهزیستی روان‌شناختی	ضریب همبستگی	-۰/۱۶۷	۰/۱۶۹	-۰/۱۶۷	۰/۲۱۰
سطح معنی‌داری	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

مدل اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری بیانگر بارهای عاملی متغیرهای مشاهده‌شده برای متغیر نهفته است. شاخص‌های نیکویی برازش رایج مدل‌های اندازه‌گیری برای سه متغیر نهفته در قالب جدول ۵ ارائه شده است. نتایج جدول ۵، حاکی از این است که شاخص‌های نیکویی برازش، مدل‌های اندازه‌گیری ما با داده‌ها برازش

و از برازش خوب مدل حکایت دارد. ضرایب به‌دست‌آمده برای کلیه مسیرها و مقدار خطای متغیرها در نمودار (۱) ارائه شده است. تمامی بارهای عاملی نهفته معنی‌دار بودند ($P < 0.01$). ۱۲ درصد واریانس را بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را تبیین می‌کرد.



شکل ۲: نمودار نهایی تحلیلی مسیر همراه با ضرایب استاندارد مسیرها و مقدار خطای متغیرها

برای تعیین تفاوت بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ متغیرهای وابسته، از روش واریانس چندمتغیره بهره گرفته شد. برای تعیین معنی‌داری اثر گروه‌ها بر متغیرهای هویت مذهبی، ابعاد دینداری و بهزیستی روان‌شناختی از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شد. مقدار آن ($P < 0.01$)، $F(6, 12) = 12.62$ و $Df1=6$ و $Df2=1306$ نشان می‌دهد که بین متغیرهای هویت مذهبی، ابعاد دینداری، و بهزیستی روان‌شناختی از نظر جنسیت، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در بررسی برابری واریانس‌های متغیرهای وابسته در بین گروه‌های جنسی، نتایج آزمون لون معنی‌دار بود ($p < 0.01$).

نتایج جدول ۲، حاکی از آن است که دو گروه مورد مقایسه یعنی دانشجویان دختر و پسر، از لحاظ ابعاد دینداری و هویت مذهبی و بهزیستی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند ($P < 0.05$). از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که میزان تمام متغیرها در دانشجویان دختر بالاتر از دانشجویان پسر است.

جدول ۲: تحلیل واریانس تک متغیره برای مقایسه اثرات گروه‌های مورد مقایسه بر متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
هویت مذهبی	۳۱۷۹۸۸/۴۷۰	۱	۳۱۷۹۸۸/۴۷۰	۳/۰۹	۰/۰۰۱
ابعاد دینداری	۴۲۵۴۲۸/۵۴۰	۱	۴۲۵۴۲۸/۵۴۰	۶۴۲/۹۶	۰/۰۰۱
بهزیستی	۶۲۰۴۴۳/۸۱۵	۱	۶۲۰۴۴۳/۸۱۵	۱/۹۹	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش بیانگر این است که بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر هویت مذهبی و بهزیستی

روان‌شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارند. اما به لحاظ ابعاد دینداری، بین دو گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. به‌طوری‌که میزان شرکت دانشجویان دختر در فعالیت‌های مذهبی بیشتر از دانشجویان پسر است. نتایج این تحقیق در زمینه هویت مذهبی با یافته‌های زنوزیان و همکاران (۱۳۷۵)، احدی و همکاران (۱۳۸۷)، صفایی‌نژاد و فتحیان (۱۳۸۲)، همسو و با نتایج یافته‌های شیرشاهی (۱۳۷۸) و خدایاری‌فرد (۱۳۷۷) ناهمسو می‌باشد. دلیل ناهمسو بودن نتایج به‌دست‌آمده با سایر تحقیقات، به نمونه مورد بررسی آنها یعنی دانش‌آموزان مربوط می‌شود. افزون بر این، نتیجه دیگر این تحقیق مبنی بر اینکه ابعاد دینداری در دانشجویان دختر بیشتر از پسران بود، با نتایج پژوهش‌های علوی (۱۳۷۹) و گنجی (۱۳۸۳) همسو و با یافته طالبان (۱۳۷۷) ناهمسو بود. با توجه به متفاوت بودن نمونه حاضر، با نمونه‌های پژوهش‌های انجام‌یافته و همچنین همگن بودن گروه نمونه در مطالعه حاضر و طی کردن فرایند شکل‌گیری هویت و برخورداری از ساختارهای اجتماعی تقریباً یکسان، روشن است که بین دو گروه از لحاظ متغیرهای هویت مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی تفاوت‌های چشمگیری مشاهده شود.

افزون بر این، نتیجه این پژوهش، نشان داد که بین ابعاد دینداری دانشجویان و هویت مذهبی موفق آنها رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش عظیمی‌یزدی (۱۳۸۱) و آقایی‌چاوشی و همکاران (۱۳۸۷)، مبنی بر اینکه رفتن به محیط‌های مذهبی، با هویت آنان رابطه مثبت دارد، همسو است. بنابراین، انتظار می‌رود که در جوانان مذهبی الگوی هویت موفق را ظاهر شود؛ زیرا دین و پذیرش آن، نقش مهمی در شکل‌گیری سبک هویتی جوانان به عهده دارد. مذهب موجب احساس معنابخش بودن زندگی و به نوعی پاسخ به سؤالات جوانان در مورد هدف و معنای زندگی می‌شود که این به نوبه خود، بر هویت جوان تأثیر می‌گذارد. پس با افزایش معنابخشی زندگی و نگرش مذهبی، هویت یافتگی و سلامت روان نیز افزایش می‌یابد. این امر بیانگر میزان معناجویی و اعتقادات مذهبی در حفظ و بهداشت روانی افراد جامعه است.

از دیگر نتایج پژوهش، این است که تمام ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنی‌داری دارد. در تأیید این فرضیه، یافته‌های زیادی به‌دست آمد: از جمله عباسی و جان‌بزرگی (۱۳۸۹)، میرز و اینگلهارت (۱۹۹۰)، هادیانفرد (۱۳۸۴)، سرگلزایی و همکاران (۱۳۸۰)، جلیلونند (۱۳۸۰)، شجاعیان و زمانی منفرد (۱۳۸۱)، صادقی و مظاهری (۱۳۸۴)، کرمی (۱۳۸۵)، پناهی (۱۳۸۲)

و زهرا کار (۱۳۸۳). نتایج همه‌این پژوهش‌ها، حاکی از این است که حضور در مکان‌های مذهبی و شرکت در فعالیت‌های مذهبی، حتی اگر فرد، اعتقادات محکم و ثابتی نداشته باشد و مذهب برایش درونی نشده باشد، باز هم تأثیر زیادی در بهزیستی روان‌شناختی او دارد.

همچنین نتایج به‌دست‌آمده حکایت از این دارد که همه‌ابعاد هویت مذهبی، با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان رابطه معنی‌داری دارند. نتایج تحلیل مسیر نیز مشخص کرد که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیر هویت پراکنده (۰-۳۸)، هویت موفق (۰/۲۴) و ابعاد دینداری (۰/۲۱) اثر معنی‌داری بر بهزیستی روان‌شناختی دارند؛ یعنی با افزایش هویت موفق و ابعاد دینداری، بهزیستی روان‌شناختی نیز افزایش می‌یابد. ولی درجه تأثیرگذاری هریک از آنها بر بهزیستی روان‌شناختی متفاوت است. هویت موفق بیشترین تأثیر را بر افزایش میزان بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دارد. پس از هویت موفق، هویت زودرس در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در این میان، ابعاد دینداری نیز در درجه بعدی اهمیت قرار دارد. این یافته با نتایج کوئینگ و فوترمن (Koenig & Futterman) (۱۹۹۵)، پارگامنت و ماهونی (۲۰۰۲)، واتسون و کلارک (Watson, D, & Clark) (۱۹۹۲)، زنوزیان و همکاران (۱۳۸۷)، طهماسبی‌پور و کمانگیری (۱۳۷۵)، جان‌بزرگی (۱۳۸۷)، سرگلزایی و همکاران (۱۳۸۰)، جلیلود (۱۳۸۰)، شعاعیان و زمانی منفرد (۱۳۸۱)، مک‌نالتی (McNulty) (۲۰۰۴)، کرمی (۱۳۸۵)، پناهی (۱۳۸۲) و زهراکار (۱۳۸۳)، همسویی دارد. درواقع، بیشتر پژوهش‌های انجام‌یافته در این مورد، این فرضیه را تأیید می‌کنند. تحقیقات متضاد در این رابطه، بیشتر به این مورد اشاره دارد که مذهب در صورتی کمترین تأثیر را بر بهزیستی روان‌شناختی دارد که فرد دارای جهت‌گیری بیرونی بوده و از دین به‌عنوان دستاویزی برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند. ولی اگر فرد دارای جهت‌گیری دینی درونی باشد؛ یعنی مذهب در درون او شکل گرفته باشد، در این صورت، تأثیر آن بر سلامت روانی جوان دو چندان خواهد بود.

از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، می‌توان به مشکلاتی که در بحث روان‌شناسی مذهب، به‌ویژه در ایران وجود دارد، موضوع با اهمیت آزمون‌سازی و فراهم‌سازی ابزارهای مناسب پژوهشی است. علی‌رغم آنکه در جامعه ایران، خوشبختانه اقبال چشم‌گیری در مطالعه روان‌شناسی مذهب وجود دارد، اما با جرئت می‌توان گفت که آزمون استانداردشده‌ای در این زمینه وجود ندارد.

منابع

احدی، حسن و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه بین هویت دینی و ملی دانشجویان با هویت دینی و ملی والدینشان»، *روزنامه آفرینش*، ش ۳۲۰۷.

آقایانی چاوشی، طالبیان، داود، طرخورانی، حمید، صدقی جلال، هما و آزرمی، هاله و فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه نماز با جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، *مجله علوم رفتاری*، ش ۲، ص ۱۴۹-۱۵۶.

پناهی، علی‌احمد، ۱۳۸۲، *بررسی رابطه میزان تقید به نماز و سطح اضطراب دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان شهرستان قم، مقطع سنی ۱۶ سال در سال تحصیلی ۸۲-۸۱* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۸۶، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، *پژوهش در پزشکی*، ش ۴، ص ۳۴۵-۳۵۰. جلیلود، محمدامین، ۱۳۸۰، «بررسی رابطه سلامت روان و پایبندی به معتقدات دینی»، در: *اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان*، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران.

خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۷۷، «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان»، *روان‌شناسی*، ش ۱۵، ص ۲۶۸-۲۸۵.

ربانی، رسول و فتحیان صفائی‌نژاد، ۱۳۸۴، «فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه موردی شهر دهدشت»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۲، ص ۲۱-۴۰.

رجایی، علی و همکاران، ۱۳۸۸، «باورهای ذهنی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان»، *روان‌شناسی تحولی*، ش ۶، ص ۹۷-۱۰۷.

روحی عزیزی، مهتاب و مریم روحی عزیزی، ۱۳۸۰، «تأثیر نماز به‌عنوان یکی از ارکان دین مبین اسلام بر سلامت جسمی - روانی نسل جوان» در: *اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روانی*، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران.

زنوزیان، سعیده و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی ارتباط سلامت روان با مذهب درونی و بیرونی در شهر کاشان»، *روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ش ۳، ص ۵۹-۸۳.

زهراکار، کیانوش، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه دینداری و سلامت روانی»، *اندیشه شاهد*، ش ۱، ص ۲۷۹-۲۹۰.

زهروی، طاهره و هاجر پهلوانی، ۱۳۸۰، «مطالعه نقش روزه‌داری در سلامت روانی گروهی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان» در: *اولین همایش نقش دین در بهداشت روانی*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر، ۱۳۸۶، «مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد

سه سنجه در یک جمعیت»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۸، ص ۳۷-۷۰.

سرگلزایی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۰، «آیا فعالیت‌های مذهبی می‌تواند از افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد در دانشجویان پیشگیری نماید؟» در: اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران.

شجاعیان، رضا و افشین زمانی منفرد، ۱۳۸۱، «ارتباط دعا با سلامت روانی و عملکرد شغلی کارکنان فنی صنایع مهمات‌سازی»، *اندیشه و رفتار*، ش ۲، ص ۳۳-۳۹.

شیرشاهی، ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، *بررسی نظارت شاگردان متوسطه درباره ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

صادقی، منصوره‌السادات و محمدعلی مظاهری، ۱۳۸۶، «مقایسه سبک‌های دلبستگی در مادران با سابقه سقط جنین عمدی و خودبخودی و مادران بدون سابقه سقط»، *پژشکی باروری و ناباروری*، دوره ۸، ش ۱، ص ۶۰-۷۰.

صادقی، محمود، ۱۳۷۸، *جایگاه دین در سلامت روانی*، تهران، طریق کمال.

طالبان، محمدرضا، ۱۳۷۷، *سنجش دینداری و گرایش جوانان دانش‌آموز نسبت به نماز*، تهران، اداره آموزش و پرورش منطقه ۵.

طهماسبی‌پور، نجف و مرتضی کمانگری، ۱۳۷۶، *بررسی ارتباط نگرش مذهبی با میزان اضطراب، افسردگی و سلامت روانی گروهی از بیماران بیمارستان‌های شهدای هفتم تیر و مجتمع حضرت رسول اکرم (ص) در نیمه اول ۱۳۷۵*، پایان‌نامه دوره دکترا پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

عابدی، ستاره، ۱۳۸۸، *بررسی رابطه سبک‌های هویتی و التزام عملی به اعتقادات مذهبی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

عباسی، مهدی و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۹، «رابطه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۱۸۵.

عظیمی‌یزدی، عصمت، ۱۳۸۱، *بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با نگرش مذهبی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر کرمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۷۹، *بررسی رفتار و عملکرد دینی نوجوانان سال‌های اول، دوم و سوم دبیرستان‌های کرمان*، کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کریمی، جهانگیر و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی روابط چندگانه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه رازی»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران*، ش ۳، ص ۳۱-۵۲.

گنجی، محمد، ۱۳۸۳، *تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان،

دانشگاه اصفهان.

نوابخش، مهرداد و حمید پوریوسفی، ۱۳۸۵، «نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان»، *پژوهش دینی*، ش ۱۴، ص ۷۱-۹۴.

هادیان‌فرد، حبیب، ۱۳۸۴، «احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانانی، *اندیشه و رفتار*، ش ۴۱، ص ۲۲۴-۲۳۲.

واحدی، شهرام و سمیه غنی‌زاده، ۱۳۸۸، «الگوی روابط بین انگیزش درونی مذهبی، نماز، بهزیستی معنوی و کیفیت زندگی با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ش ۲، ص ۲۷-۴۲.

Bell, D. M, & et al, 2009, *Religious Identity: Conceptualization and Measurement of the Religious Self*, Dissertation, Available from URL: <http://pid.emory.edu/ark:/25593/19z1p>.

Bentler, P. M, & Wu, E. J. C, 1995, *EQS/Windows user's guide*, Multivariate Software, Encino, CA.

Bergin, A, 1991, Values and religious issues in psychotherapy and mental health, *American Psychologist*, v. 46, p. 394-403.

Bruce, J, & Stevens, J. J, 2001, Exploratory and confirmatory and factor analysis of the school level environment questionnaire (SLEQ), *Learning Environments Research*, v. 4, p. 325-344.

Ellison, C. G, 1991, Religious involvement and subjective well-being, *Journal of Health and Social Behavior*, v. 32, p. 80-99.

Ellison, C. G, & et al, 2001, Religious involvement, stress, and mental health, *Social Forces*, v. 80, p. 215-249.

Harrington, D, 2009, *Confirmatory factor*, Oxford University Press, Inc.

Harrison, M. O, 2001, Religious freedom and the challenge of modern pluralism, *International Review of Psychiatry*, v. 13, p. 86-94.

Kline, R. B, 1998, *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, Guilford Publications, New York.

Koenig, H.G, & Futterman, A, 1995, *Religion and health outcomes, a paper, presented at Conference on Methodological Approaches to the Study of Religion*, National Institute on aging.

levin, J. S, & et al, 1995, Religious effects on health status and life satisfaction among black American, *Journal of Gerontology (social Sciences)*, v. 50, p. 154-163.

Loehlin, J. C, 1992, *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural analysis* (2nd ed), Hillsdale, NJ: Erlbaum.

McNulty, K, & et al, 2004, Perceived uncertainty, spiritual well-being, and psychosocial adaptation in individuals with multiple sclerosis, *Rehabilitation Psychology*, v. 49, p. 91-99.

Myers, D.G, 1992, *The Pursuit of Happiness*, New York, NY: William Morrow.

Nooney, J, & Woodrum, E, 2002, Spiritual and religious factors in substance use, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 41, p. 359-368.

- Pargament, K. L, & et al, 2002, *Handbook of positive psychology*, Oxford: Oxford University Press.
- Ryff, C. D, 1989, Happiness is everything, or it is explorations on the meaning of psychological wellbeing, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 57, p. 1069-1081.
- Van Dierendonck, D, 2005, The construct validity of Ryff's Scales of Psychological Well-being its extension with spiritual well-being, *Personality and Individual Differences*, v. 36, p. 629-643.
- Watson, D, & Clark, L. A, 1992, On trait and temperaments, *Journal of Personality*, v. 60, p. 441-476.
- Wheaton, B, & et al, 1977, Assessing Reliability and Stability in Panel Models, *Sociological Methodology*, v. 8 (1), p. 84-136.

نمایه الفبایی مقالات و پدیدآورندگان سال هفتم (شماره‌های ۲۵-۲۸)

الف. نمایه مقالات

- اثربخشی آموزش طرح امید در افزایش بهزیستی فاعلی زندانیان؛ حسین رادی، شهرام وزیری، فرح لطفی کاشانی، ش ۲۵، ص ۷۱-۸۰.
- اثربخشی حضور در مراسم دهه اول محرم بر سطح دینداری عزاداران (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نظرآباد شهرستان کرج)؛ محمد حسین خانی، محمد یکه فلاح، ش ۲۸، ص ۴۱-۵۴.
- اثربخشی مداخله شناختی - رفتاری گروهی، بر افزایش رضامندی زناشویی زنان دارای تعارض زناشویی (با مقیاس اسلامی)؛ لیلا آگاه، مسعود جان‌بزرگی، عذرا غفاری، ش ۲۶، ص ۶۱-۸۰.
- بررسی اثربخشی آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر کاهش پرخاشگری زندانیان مرد زندان مرکزی شهرکرد؛ مهدی امیدیان، مهناز علی‌اکبر دهکردی، سبحان پور نیک‌دست، طیبه محتشمی، ش ۲۵، ص ۱۷-۳۰.
- بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی بر میزان پرخاشگری زندانیان قم؛ سیده‌محمدعلی محمدی، محمدباقر کجیاف، محمدرضا عابدی، ش ۲۷، ص ۴۷-۶۴.
- بررسی انتقادی «روی‌آورد یادگیری به رشد اخلاقی» از منظر قرآن؛ صادق کریم‌زاده، ش ۲۶، ص ۳۸۵.
- بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان؛ اکبر سلیمان‌نژاد، حورا سودی، ش ۲۶، ص ۸۸۱-۹۸۸.
- بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی؛ اعظم محمودزاده، سیمین حسینیان، سیداحمد احمدی، مریم فاتحی‌زاده، ش ۲۵، ص ۵۹-۷۰.
- بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مفهوم خداوند؛ راضیه نصیرزاده، کاظم رسول‌زاده طباطبایی، نرجس عرفان‌منش، ش ۲۸، ص ۵۵-۶۶.

پیش‌بینی‌کنندگی سبک زندگی براساس نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد دارای تجربه طلاق و افراد بدون تجربه طلاق؛ فرزانه خالقی دهنوی، فریبا یزدخواستی، ش ۲۶، ص ۹۹-۱۱۰.

تبیین سازه خودمهارگری براساس اندیشه اسلامی؛ حمید رفیعی‌هنر، مسعود جان‌بزرگی، عباس پسندیده، سیدکاظم رسول‌زاده طباطبایی، ش ۲۷، ص ۲۶۵.

رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز؛ پرویز عسگری، سحر صفرزاده، ش ۲۵، ص ۹۶۸۱.

رابطه احساس قدردانی نسبت به خدا با شخصیت و کارکردهای مثبت روانی در ایران و لهستان؛ ناصر آقابابایی، آگاتا بلچنیو، ش ۲۶، ص ۱۱۱-۱۲۴.

رابطه آخرت‌نگری و پنج عامل شخصیت در دانشجویان؛ فاطمه پورابراهیمی، مسعود کریمی‌فر، سالار رضائی‌نژاد، وحید منظری توکلی، ش ۲۸، ص ۶۷-۷۸.

رابطه بهزیستی معنوی و امیدواری با رضایت از زندگی در سالمندان؛ ابوالقاسم یعقوبی، حسین محقق، فریبا منظمی‌تبار، ش ۲۷، ص ۱۰۹-۱۲۰.

رابطه بین بهزیستی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان؛ نادر حاجلو، عیسی جعفری، ش ۲۸، ص ۷۹-۹۰.

رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان؛ محمد زارعی توپخانه، سیده‌خدیدجه مرادیانی گیزه‌رود، عباسعلی هراتیان، ش ۲۷، ص ۸۱-۹۲.

رابطه جهت‌گیری مذهبی، خوش‌بینی و هوش معنوی با سلامت معنوی مریبان قرآن؛ جمال عاشوری، محمدرضا صفاریان، نورالله سیفی، ش ۲۶، ص ۱۲۵-۱۳۶.

رابطه سبک‌های هویت مذهبی، ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان؛ شهرام واحدی، ریحانه احمدیان، ش ۲۸، ص ۹۱-۱۰۷.

رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی؛ مریم حاجی کاظم تهرانی، معصومه اسمعیلی، علی فتحی آشتیانی، ش ۲۷، ص ۹۳-۱۰۸.

ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص - قناعت؛ عباسعلی هراتیان، مژگان آگاه‌هریس، زهرا محمدی، فاطمه‌السادات شمسی‌نژاد، ش ۲۸، ص ۵-۲۲.

شناسایی و تحلیل ارزش‌ها در دانشجویان دکتری؛ منصور بیرامی، سینا شفیع‌ی سورک، ش ۲۷، ص ۲۷-۴۶.

کارآیی مدل آموزشی مبتنی بر معنویت بر بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش‌آموزان؛ یزدان موحدی، کلثوم کریمی‌نژاد، تورج هاشمی‌نصرت‌آبادی، معصومه موحدی، ش ۲۵، ص ۵-۱۶.

مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند؛ سیدعباس ساطوریان، کارینه طهماسیان، محمدرضا احمدی، ش ۲۷، ص ۶۵-۸۰.

نظریه انگیزش در اندیشه دینی؛ ابوالقاسم بشیری، ش ۲۶، ص ۳۹-۶۰.

نقد و بررسی نظریات همسرگزینی؛ هادی حسین‌خانی نائینی، مسعود جان‌بزرگی، بهروز مهرا، ش ۲۵، ص ۳۱-۴۶.

نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی؛ محمدرضا سعید، علی‌محمد نظری، محمد ابراهیمی، ش ۲۵، ص ۴۷-۵۸.

نمودهای وسواس-ناخودداری و اراسی در میان افراد مذهبی و راه‌کارهای درمانی آن براساس روایات اسلامی؛ رحیم ناروئی نصرتی، ش ۲۸، ص ۲۳-۴۰.

ب. نمایه پدید آورندگان

ابوالقاسم بشیری، نظریه انگیزش در اندیشه دینی، ش ۲۶، ص ۳۹-۶۰.

ابوالقاسم یعقوبی، حسین محقق، فریبا منظمی‌تبار، ش رابطه بهزیستی معنوی و امیدواری با رضایت از زندگی در سالمندان، ش ۲۷، ص ۱۰۹-۱۲۰.

اعظم محمودزاده، سیمین حسینیان، سیداحمد احمدی، مریم فاتحی‌زاده، بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی، ش ۲۵، ص ۵۹-۷۰.

اکبر سلیمان‌نژاد، حورا سودی، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان، ش ۲۶، ص ۸۱-۹۸.

پرویز عسگری، سحر صفرزاده، رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ش ۲۵، ص ۸۱-۹۶.

جمال عاشوری، محمدرضا صفاریان، نورالله سیفی، رابطه جهت‌گیری مذهبی، خوش‌بینی و هوش معنوی با سلامت معنوی مریبان قرآن، ش ۲۶، ص ۱۲۵-۱۳۶.

حسین رادی، شهرام وزیری، فرح لطفی کاشانی، اثربخشی آموزش طرح امید در افزایش بهزیستی فاعلی زندانیان، ش ۲۵، ص ۷۱-۸۰.

حمید رفیعی هنر، مسعود جان‌بزرگی، عباس پسندیده، سیدکاظم رسول‌زاده طباطبایی، تبیین سازه خودمهارگری براساس اندیشه اسلامی، ش ۲۷، ص ۵-۲۶.

راضیه نصیرزاده، کاظم رسول‌زاده طباطبایی، نرجس عرفان‌منش، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مفهوم خداوند، ش ۲۸، ص ۵۵-۶۶.

رحیم ناروئی نصرتی، نمودهای وسواس-ناخودداری واری در میان افراد مذهبی و راه‌کارهای درمانی آن براساس روایات اسلامی، ش ۲۸، ص ۲۳-۴۰.

سیدعباس ساطوریان، کارینه طهماسیان، محمدرضا احمدی، مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند، ش ۲۷، ص ۶۵-۸۰.

سیدمحمدعلی محمدی، محمدباقر کجفاف، محمدرضا عابدی، بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی بر میزان پرخاشگری زندانیان قم، ش ۲۷، ص ۴۷-۶۴.

شهرام واحدی، ریحانه احمدیان، رابطه سبک‌های هویت مذهبی، ابعاد دینداری با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان، ش ۲۸، ص ۹۱-۱۰۷.

صادق کریم‌زاده، بررسی انتقادی «روی‌آورد یادگیری به رشد اخلاقی» از منظر قرآن، ش ۲۶، ص ۵-۳۸.

عباسعلی هراتیان، مژگان آگاه‌هریس، زهرا محمدی، فاطمه‌السادات شمسی‌نژاد، ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص-قناعت، ش ۲۸، ص ۵-۲۲.

فاطمه پورابراهیمی، مسعود کریمی‌فر، سالار رضائی‌نژاد، وحید منطری توکلی، رابطه آخرت‌نگری و پنج عامل شخصیت در دانشجویان، ش ۲۸، ص ۶۷-۷۸.

فرزانه خالقی دهنوی، فریبا یزدخواستی، پیش‌بینی‌کنندگی سبک زندگی براساس نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد دارای تجربه طلاق و افراد بدون تجربه طلاق، ش ۲۶، ص ۹۹-۱۱۰.

لیلا آگاه، مسعود جان‌بزرگی، عذرا غفاری، اثربخشی مداخله شناختی-رفتاری گروهی، بر افزایش رضامندی زناشویی زنان دارای تعارض زناشویی (با مقیاس اسلامی)، ش ۲۶، ص ۶۱-۸۰.

محمد حسین‌خانی، محمد یکه فلاح، اثربخشی حضور در مراسم دهه اول محرم بر سطح دینداری عزاداران (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نظرآباد شهرستان کرج)، ش ۲۸، ص ۵۴-۴۱.

محمد زارعی توپخانه، سیده‌خدیجه مرادیانی گیزه‌رود، عباسعلی هراتیان، رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان، ش ۲۷، ص ۸۱-۹۲.

محمدسجاد صیدی، علی محمد نظری، محمد ابراهیمی، نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی، ش ۲۵، ص ۴۷-۵۸.

مریم حاجی کاظم تهرانی، معصومه اسمعیلی، علی فتحی آشتیانی، رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی، ش ۲۷، ص ۹۳-۱۰۸.

منصور بیرامی، سینا شفیع سورک، شناسایی و تحلیل ارزش‌ها در دانشجویان دکتری، ش ۲۷، ص ۲۷-۴۶.

مهدی امیدیان، مهناز علی‌اکبر دهکردی، سبجان پور نیک‌دست، طیبه محتشمی، بررسی اثربخشی آموزش گروهی به شیوه یکپارچه توحیدی بر کاهش پرخاشگری زندانیان مرد زندان مرکزی شهرکرد، ش ۲۵، ص ۱۷-۳۰.

نادر حاجلو، عیسی جعفری، رابطه بین بهزیستی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان، ش ۲۸، ص ۷۹-۹۰.

ناصر آقابابایی، آگاتا بلچنیو، رابطه احساس قدردانی نسبت به خدا با شخصیت و کارکردهای مثبت روانی در ایران و لهستان، ش ۲۶، ص ۱۱۱-۱۲۴.

هادی حسین‌خانی نائینی، مسعود جان‌بزرگی، بهروز مهram، نقد و بررسی نظریات همسرگزینی، ش ۲۵، ص ۳۱-۴۶.

یزدان موحدی، کلثوم کریمی‌نژاد، تورج هاشمی‌نصرت‌آبادی، معصومه موحدی، کارآیی مدل آموزشی مبتنی بر معنویت بر بهبود مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دانش‌آموزان، ش ۲۵، ص ۵-۱۶.

ملخص المقالات

صياغة ودراسة مدى اعتبار معيار إسلامي للحرص والقناعة

عباس على هراتيان / حائز على شهادة ماجستير فى علم النفس من مؤسسة الإمام الخميني (ره) للتعليم والبحوث a.haratiyan@gmail.com
 مجكان آگاه هريس / أستاذة مساعدة فى جامعة بيام نور فى مدينة كرمسار
 زهراء محمدي / خبيرة فى العلوم التربوية بجامعة أراك
 فاطمة السادات شمسى نجاد / خبيرة فى علم النفس السريرى بجامعة آزاد الإسلامية - فرع قم
 الوصول: ٥ ربيع الثانى ١٤٣٥ - القبول: ٤ شوال ١٤٣٥

الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو طرح معيار الحرص والقناعة على أساس التعاليم الإسلامية وصياغته وتقييم مدى اعتباره، وذلك لأجل تقييم الحرص الذى يعدّ رذيلة أخلاقية، وكذلك لتقييم القناعة التى تعدّ فضيلة أخلاقية. بعد أن أكمل الباحثون مراحل صياغة معيار التقييم الأوّلى وتحديد مدى اعتباره، وزّعوا استبيان يتكون من ٢٩ مقولة بين ٤٧٥ طالب جامعى وحوزوى حيث تمّ اختيارهم بشكل عنقودى عشوائى. وخلال دراسة وتحليل معطيات المعيار فقد ثبت أن ٩١/١٤ بالمائة نال موافقة الخبراء ومعيار المعنى لمعادلة تطابق كندال، وهو يشير إلى استحكام مضمون المعيار. أمّا بعد تحليل النتائج فقد ثبت أنّ المعيار الإسلامى للحرص والقناعة يشتمل على أربعة عوامل، هى: مشغولية النفس بالماديات، الشعور بالأمن المادى، السيطرة على الانحلال المادى، السيطرة على النفس مادياً، ضعف المعرفة، الانفعال الدينى / قوّة المعرفة، الانفعال الدينى، الشعور بالحرمان، الحاجة المادية، الرضا المادى.

أمّا المستويات التالية فهى تشير إلى قوّة اعتبار هذا المعيار: معدل إعادة الاختبار ٠/٨٨٧، ألفا كرونباخ ٠/٨٦٣، ومعدل صياغة التقسيم النصفى ٠/٨٢٣، وعلى أساس معطيات البحث يمكن القول إنّ هذا الاستبيان له اعتبار ومقبولية بمستوى عالٍ وقد تحصّلت منه عوامل منسجمة بحيث يمكن الاعتماد عليها لدراسة الخصائص الخلقية للحرص والقناعة لدى الناس.

كلمات مفتاحية: التقييم الأخلاقى، الحرص، القناعة، المقبولية، الاعتبار.

مظاهر الوسواس - غير الممتنع الموجود بين المتديّنين وسبيل علاجه على أساس الروايات الإسلامية

رحيم ناروئى نصرتى / أستاذ مساعد فى فرع علم النفس بمؤسسة الإمام الخميني (ره) للتعليم والبحوث marooei@yahoo.com
 الوصول: ٢٩ ربيع الثانى ١٤٣٥ - القبول: ٢٦ رمضان ١٤٣٥

الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو التعريف بمظاهر الوسواس - غير الممتنع الموجود بين المتديّنين وبالتالى طرح سبيل علاجية له وفق الروايات الإسلامية، وقد تمّ جمع هذه المظاهر على أساس الروايات الإسلامية التى تتمحور حول الروايات الشيعية وذلك بأسلوب الاجتهاد الدينى، ومن ثمّ بيّن الباحث السبيل العلاجية لها واستنبطها بهذه الطريقة وبالاعتماد على المصادر المعتمدة.

اعتمد الباحث فى هذه المقالة على ستّة مظاهر شائعة للوسواس - غير الممتنع الموجود بين المتديّنين، وهى: (١) الوسوسة فى مجال أعضاء خروج الفضلات فى الجسم (٢) الوسوسة فى الوضوء (٣) الوسوسة فى الغسل (٤) الوسوسة فى أداء الدين وحقوق الناس (٥) الوسوسة فى الصلاة (٦) الوسوسة فى نية التقرب إلى الله والشعور بالرياء.

لأجل علاج هذه الوسواس، هناك ستّة عوامل مترابطة بعضها مع بعض تمّ اكتشافها، وهى عبارة عن: (١) إنكار الأحاسيس المتلقاة وعدم قبولها (٢) تعيين نوع المعرفة للعمل (٣) تعيين حدود السلوك بدقّة (٤) العمل بالمعارف الصحيحة (٥) ترابط العمل (٦) الاحتراز من العمل وفق المعتقدات الخاطئة

كلمات مفتاحية: الوسواس غير الممتنع، الوسوسة فى مجال أعضاء خروج الفضلات فى الجسم، الوسوسة فى الوضوء، الوسوسة فى الغسل، الوسوسة فى أداء الدين وحقوق الناس، الوسوسة فى الصلاة، الوسوسة فى قصد القرية والشعور بالرياء.

تأثير الحضور في مراسم العشرة الأولى من شهر محرم على مستوى تدين المشاركين في العزاء

Hossein86@gmail.com

محمد حسين خانى / طالب دكتوراه فى العلوم الاجتماعية بأكاديمية العلوم فى طاجيكستان
محمد يكه فلاح / حائز على شهادة ماجستير فى علم النفس العام من جامعة آزاد الإسلامية - فرع أراك
الوصول: 20 ذى الحجة 1434 - القبول: 8 جمادى الأول 1435

الملخص

العزاء فى شهر محرم هو إحياء لهضة عاشوراء وترويح روحية التحرر والرجولة التى تعدّ متعارفة بين المسلمين ولا سيما الشيعة، وهذه الطقوس الثقافية لها تأثير على سائر السلوكيات، وبما فيها التدين بصفتها مقولة اجتماعية. الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة وتحليل مدى تأثير العزاء فى محرم على مستوى تدين طلاب الجامعات من الجنسين فى جامعة آزاد الإسلامية فى مدينة نظر آباد للعام الدراسى 1391 - 1392ش وذلك اعتماداً على أسلوب نصف تجريبى. وقد شملت عينة البحث 90 نموذجاً (52 طالباً و 38 طالبة) وذلك بشكل عشوائى بسيط. أما وسائل البحث فهى عبارة عن استبيان التوجه الدينى الأذربيجانى حيث تمت الإجابة عنه فى إطار مرحلتين وبفاصلة زمنية بلغت شهراً واحداً، وبالتالي تمّ تحليل المعطيات وفق منهج (t) الإحصائى المستقل والمرتبطة، وكذلك تحليل فاريانس أحادى الجانب. أما النتائج فقد أثبتت أن درجة التدين لدى طلبة الجامعات بعد الاختبار تختلف بشكل معتبر وهى على مستوى أعلا مما هى عليه قبل الاختبار. هذا الاختلاف المعتبر قد شوهد أيضاً فى الاختبار الجزئية للتوجه الدينى، كما أن درجة عينات البحث الإناث هى أعلا من درجة الرجال. ويمكن القول إن مناسك التدين لها تأثير على طلبة الجامعات، ولا سيما الطالبات.

كلمات مفتاحية: الإسلام، الأخلاق، التدين، العزاء فى محرم، العقائد، المناسك.

دراسة وتحليل المعيار النفسى لاستبيان مفهوم (الله)

Raznasirzadeh@gmail.com

راضية نصيرزاده / طالبة دكتوراه فى علم النفس السريرى بجامعة الشهيد بهشتى
كاظم رسولزاده طباطبائى / أستاذ فى علم النفس بجامعة تربية مدرس
نرجس عرفان منش / طالبة دكتوراه فى علم النفس بجامعة الزهراء
الوصول: 9 رمضان 1434 - القبول: 21 جمادى الأول 1434

الملخص

نظراً لكون إدراك مفهوم (الله) من الأساليب المتبعة لمعرفة المعتقدات الدينية للبشر، فإن محور البحث فى هذه المقالة هو إجراء دراسة أولية لخصائص المعيار النفسى حول استبيان خاص بهذا المفهوم لدى طلاب الجامعات، وعلى هذا الأساس تمّ اختيار 502 من طلاب الجامعات فى شيراز حيث اختير 281 طالبة و 221 طالباً تتراوح أعمارهم بين 18 إلى 35 عاماً، وذلك بشكل عشوائى. وتمّ الاعتماد على استبيان غورسوتش حول مفهوم (الله) وقام الطلاب بالإجابة عنه بعد الترجمة الأولية والإعداد اللازم. لدراسة اعتبار الاستبيان اعتمد على الاختبار المجدد وألفا كرونباخ حيث بلغ مستوى ذلك للاستبيان الكامل ما يعادل 0.79 و 0.71، وضمن عملية البحث فقد تمّ إحراز نجاعة المفهوم والمضمون. وبشكل إجمالى فإن النتائج المتحصلة من هذه الدراسة تشير إلى معطيات إيجابية على صعيد مفهوم (الله) لتقييم المعتقدات الدينية وكذلك فإن هذا الاستبيان يعدّ مناسباً فى دراسة وتحليل شؤون طلاب الجامعات الإيرانيين. كلمات مفتاحية: مفهوم (الله)، الاعتبار، المقبولية، التحليل العاملى.

العلاقة بين النزعة الأخروية والعوامل الخمسة للشخصية لدى طلبة الجامعات

فاطمة بور إبراهيمي / حائزة على شهادة ماجستير في العلوم التربوية جامعة آزاد الاسلامية فرع طهران المركزي و أستاذة في جامعة برديس للمعلمين - شهيد باهر في مدينة كرمان
مسعود كريمي فر / حائز على شهادة ماجستير في علم النفس العام من جامعة العلامة الطباطبائي.
سالار رضائي نجاد / حائز على شهادة ماجستير في علم النفس من جامعة العلامة الطباطبائي.
وحيد منظري توکلي / طالب دكتوراه في علم النفس بجامعة أصفهان وعضو منتدى الباحثين الشباب والنخبة في بافت - إيران.
الوصول: ٦ محرم ١٤٣٥ - القبول: ١٣ جمادى الثاني ١٤٣٥
manzari.v63@gmail.com

الملخص

(النزعة إلى البقاء) تعدّ واحدة من أهمّ دوافع الإنسان وواحدة من الأبعاد المعنوية الهامة للرؤية إلى العالم بعد الموت (النزعة الأخروية). الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة العلاقة بين النزعة الأخروية والعوامل الخمسة للشخصية لدى طلبة الجامعات، وعلى هذا الأساس تمّ اختيار ٢٢٠ من طلبة جامعة طهران وأجابوا عن استبيان النزعة الأخروية لإبراهيمي - بهرامى (١٣٨٩) واستبيان العوامل الشخصية الخمسة (NEO-FFI). وقد تمّ تحليل النتائج اعتماداً على المؤشرات الإحصائية للمعدّل والانحراف القياسى ومعدّل الترابط لبيرسون وريجرسون خطوة بخطوة. وأثبتت معطيات البحث أنّ النزعة الأخروية الكلية لها ارتباط معتبر مع الأبعاد الشخصية ذات النزعة الخارجية والانفتاحية ومع الضمير، وأثبتت وجود علاقة سلبية بين انسجام العلاقة الإيجابية والمعتبرة وبين المعاناة النفسية. نتائج ريجرسون خطوة بخطوة قد وضّحت وجود ما يقارب ٣١ بالمائة من فاريانس النزعة الأخروية من بين الخصائص الشخصية للمقولين مع الضمير والنزعة الخارجية.

كلمات مفتاحية: النزعة الأخروية، عوامل الشخصية الخمسة، المعنوية

التحسين الروحي للحياة والأمل وعلاقتها بمستوى الرضا عن الحياة لدى المسنّين

نادر حاجلو / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بجامعة "محقق اردبيلي"
عيسى جعفرى / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بجامعة "بيام نور" بمدينة أستا
الوصول: ١٣ رمضان ١٤٣٤ - القبول: ١٢ صفر ١٤٣٥

الملخص

يهدف البحث الحالى إلى دراسة علاقة التحسين الروحي للحياة والأمل بالرضا عن الحياة لدى المسنّين. لقد اعتمد الكاتبان في بحثهما على المنهج الوصفي - المتلازم، وأما عيّنة البحث فقد شملت جميع المسنّين في مدينة أردبيل الإيرانية، حيث تمّ جمع البيانات من بين ١٠٠ شخص من المسنّين الذين تمّ اختيارهم بشكل عشوائى بسيط. وقد أجاب هؤلاء المسنّين عن استبيانات حول التحسين الروحي للحياة، والأمل، والرضا عن الحياة. وأما بيانات البحث فقد تمّ تحليلها وفق الاختبارات الإحصائية منها معامل الارتباط لبيرسون، واختبار تحليل الانحدار متعدد المعايير واختبار تحليل الانحدار متعدد الخطوات. حيث تشير نتائج الاختبارات إلى أنّ هناك علاقة إيجابية ملحوظة بين التحسين الدينى للحياة والأمل، وبين التحسين الدينى للحياة والرضا عن الحياة، وبين التحسين الوجودى للحياة والأمل، وبين التحسين الوجودى للحياة والرضا عن الحياة، وبين الأمل والرضا عن الحياة. كما تشير نتائج البحث إلى أنه يمكن التنبؤ بنسبة الرضا عن الحياة لدى المسنّين بشكل جيّد عبر متغيّرى التحسين الروحي للحياة والأمل. وتساهم هذه المتغيّرات كثيراً في التنبؤ بالرضا عن الحياة لدى المسنّين ولو بتحديد الجنس والسنّ ومستوى الدراسات.
كلمات مفتاحية: التحسين الروحي للحياة، الأمل، الرضا عن الحياة، المسنّين.

hajloo53@uma.ac.ir
esa_jafary@yahoo.com

The Relationship of Religious Identity Types and Aspects of Religiosity with Students' Psychological Well-being

Shahram Vahedi / Associate Professor of Educational psychology, Tabriz University

vahedi117@ yahoo.com

Reyhaneh Ahmadian / MA student of Educational psychology

Received: 2013/01/27- Accepted: 2013/06/14

Abstract

The main aim of this research is to investigate the structural relations of the types of religious identity and aspects of religiosity with students' psychological well-being. 667 students (including 297 male students and 370 female students) from four colleges of Tabriz University; human sciences college, technical-engineering college, medical sciences college and agriculture college took part in this research. The testees were asked to complete Bell's questionnaire on religious identity, Glack and Stark's questionnaire about aspects of religiosity and Riff's psychological welfare scale. The data which were fixed through multi variable variance analysis test and structural equations modeling (SEM) have been analyzed. The results show that in all variables there is a significant difference between male and female students ($p \geq 0/01$). Also the results show that the offered model has particular suitability ($p \geq 0/05$). Aspects of religiosity and religious identity types are considered as significant predicted variables in the psychological well-being of the youth. Aspects of religiosity have direct and indirect relationship with psychological well-being.

Key words: religious identity, aspects of religiosity, psychological well-being, students.

العلاقة بين أنواع الهوية الدينية وأبعاد التدّين، وبين المعيشة النفسية لطلاب الجامعات

vahedi117@ yahoo.com

شهرام واحدی / أستاذ في علم النفس التربوي بجامعة تبريز

ريحانة أحمدیان / طالبة ماجستير في علم النفس التربوي

الوصول: ١٤ ربيع الاول ١٤٣٤ - القبول: ٤ شعبان ١٤٣٤

الملخص

الهدف الأساسي من تدوين هذه المقالة هو دراسة العلاقة البنوية بين أنواع الهوية الدينية وأبعاد التدّين، وبين المعيشة النفسية لطلبة الجامعات، حيث تمّ اختيار ٦٦٧ نموذجاً (٢٩٧ طالباً و ٣٧٠ طالبةً) من أربعة كليات للعلوم الإنسانية والفنية الهندسية والعلوم الطبية والزراعة في جامعة تبريز كعينة بحث، وقد طلب منهم الإجابة عن استبيانات الهوية الدينية لـ (بيل) وأبعاد التدّين لـ (غلاك) و(ستارك) ومقياس المعيشة النفسية لـ (ريف). قام الباحثان بتحليل النتائج المتحصلة اعتماداً على اختبار تحليل فاريانس متعدد المتغيرات وأنموذج بيان المعادلات البنوية (SEM)، وأثبتت معطيات البحث وجود اختلافات معتبرة بين الطلاب والطالبات في جميع المتغيرات في مستوى ($p > 0/01$)، كذلك أثبتت أنّ الأنموذج المقترح مناسب إلى حدّ مقبول في مستوى ($p > 0/05$). أبعاد التدّين وأنواع الهوية الدينية بصفتها متغيران فهما متوقعان بشكل معتبر للمعيشة النفسية لدى الشباب، وأبعاد التدّين بشكل مباشر وغير مباشر لا ارتباط بالمعيشة النفسية.

كلمات مفتاحية: الهوية الدينية، أبعاد التدّين، المعيشة النفسية، طلاب الجامعات

The Relationship between University Students' Thinking about the Hereafter and Their Five of Personality Characteristics

Fatimah Pourebrahimi / MA Student of Educational Science, Azad University of Tehran, Central Branch, The College of Shahid Bahonar, Kerman

Mas'ood Karimifar / MA of General Psychology, Allamah Tabataba'ii University

Salar Rezaeinezhad / MA of Psychology, Allamah Tabataba'ii University

Vahid Manzari Tavakkoli / PhD Student of Psychology, Isfahan University and Member of Club for Young Researcher and Elites, Baft, Iran

Received: 2013/11/11- Accepted: 2013/04/14

Abstract

“Survival instinct” is one of man’s prime motives and thinking about the hereafter is one of the important aspects of spirituality. The present paper seeks to investigate the relationship between university students' thinking about the hereafter and their five personality characteristics. To this end, 220 students from Tehran University were chosen for the survey. They completed Ibrahim-Bahrami’s scales about reflection on the hereafter (2010- 1389 solar) and NEO-FFI. The data were analyzed by statistical indexes including average, standard deviation, Pearson’s correlation coefficient and stepwise regression. The results show that the relationship of overall reflection on the hereafter with extraversion, openness, conscientiousness and agreeableness is significant and positive and its relationship with neuroticism is significant and negative. The results of stepwise regression show that conscientiousness and extraversion explain about %31 of the variance of reflection on the hereafter.

Key words: thinking about the hereafter, five personality characteristics, spirituality.

The Relationship of Spiritual Well-being

and Hope with Life Satisfaction among the Aged

Nader Hajloo / Assistant Professor of Psychology Department of Muhaqqiq Ardabili University

hajloo53@uma.ac.ir

Isa ja'fari / Assistant Professor, Astara Payam –e- Noor University

esa_jafary@yahoo.com

Received: 2013/07/23- Accepted: 2013/12/16

Abstract

The present paper seeks to investigate the relationship of spiritual well-being and hope with life satisfaction among the aged. A descriptive- correlative method is used in this research, and the statistical population includes all the aged in Ardabil. The data are based on a study on 100 aged people who were chosen randomly through simple sampling method, and questionnaires about spiritual well-being, hope and life satisfaction were used for gathering the data which were analyzed by Pearson correlation coefficient, standard multiple regression and stepwise multiple regression. The results show that there is a significant positive relationship between religious well-being and hope, between religious well-being and life satisfaction, between existential well-being and hope, between existential well-being and life satisfaction and between hope and life satisfaction. Furthermore, they show that life satisfaction among the aged can be accurately predicted through the variables of spiritual well-being and hope. The portion of these variables in predicting the life satisfaction of the aged is noticeable even when gender, age and educational background are controlled.

Key words: spiritual well-being, hope, life satisfaction, old person.

The Effectiveness of Participating in the Ceremonies of the First Ten Days of Muharram on the Degree of Religiosity of the Mournful (a Case Study on the Students of Nazarabad Azad University, Karaj)

Mohammad Husseinkhani / PhD student of social sciences, Academy of Sciences of Tajikistan
Hossein86@gmail.com

Mohammad Yekkeh Fallah / MA of general psychology, Arak Azad Islamic University
Received: 2013/10/26- Accepted: 2014/03/11

Abstract

Muharram mourning ceremonies which are common among Muslims, particularly Shi'as, are intended to revive 'Ashura uprising and promote the spirit of freedom and chivalrousness. These ceremonies are regarded as a kind of cultural behavior which affects other behaviors, including religiosity as a social phenomenon. The present paper seeks to investigate the extent of effectiveness of these mourning ceremonies on the degree of religiosity of the students (male and female) who study at Nazarabad Azad Islamic University in the academic year of 2012-2013 (1391-1392 solar), using a semi-experimental method. The sample includes 90 students (including 52 male students and 38 female students) who were chosen through random sampling. This research used Azerbaijani's questionnaire on religious orientation, which was conducted in two stages at monthly intervals. The data were analyzed by independent and dependent and one way ANOVA. The results show that the students' degree of religiosity after the test was significantly higher than that before the test. This significant difference was also detected in the subtests on section orientation. Furthermore, the scores which the female subjects have got are higher than those of the male subjects. It can be said that religious rituals affect students' religiosity, particularly female students.

Key words: Islam, morality, religiosity, Muharram mourning ceremonies, beliefs, religious rituals.

The Psychometric Characteristics of the Concept of God Questionnaire

Raziyeh Nasirzadeh / PhD Student of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University
Raznasirzadeh@gmail.com

Kazem Rasoolzadeh Tabataba'i / Associate Professor of Psychology Department, Tarbiat Modares University

Narjes Erfanmanesh / PhD Student of Psychology, al-Zahra University
Received: 2013/07/19- Accepted: 2013/12/05

Abstract

Considering the fact that the perception of the concept of God is one of the means of people's recognition of religious beliefs, this research seeks to conduct an initial examination of the psychometric characteristics of the questionnaire on the concept of God among students. The sample includes 502 students from Shiraz Universities (including 281 female students and 221 male students) aged 18 to 35. They were chosen through random cluster sampling. Following the translation and initial preparation of the questionnaire about the concept of God, it was distributed among and completed by the subjects. For assessing the validity the study made use of a retest and Cronbach's Alpha. The validity of the retest and Alpha's amount of the whole questionnaire was 0/79 and 0/71 respectively. Also, both the construct validity and content validity of the questionnaire were obvious. In general, the results of this study shows that the questionnaire about the concept of God is reliable and can be used for evaluating religious beliefs and it is fitting to Iranian students.

Key words: concept of God, reliability, factor analysis.

Abstracts

Constructing and Exploring the Reliability of the Islamic Type of Craving – Contentment Measure

Abbasali Haratiyan / MA student of psychology, IKI

Mojgan Agah Haris / Assistant Professor of Garmsar Payam-e- Noor University

Zahra Mohammadi / AM Student of Education, Arak University

Fatemeh Sadat-e- Shamsi Nejad / AM Student of Clinical Psychology, Qom Islamic Azad University

Received: 2014/02/06- Accepted: 2014/08/01

Abstract

The aim of this research is constructing a craving contentment measure based on Islamic doctrines which can be used for evaluating the vice of craving and virtue of contentment. After constructing and exploring the validity of the initial assessment, a questionnaire with 29 questions was conducted and completed by 475 university students and seminary students who were chosen through random cluster-sampling. The validity of the measure was examined and, resting on the 91/14 percent of experts accommodation and significance of Kondal's coincidence coefficient the findings show that the measure has large-scale validity content. The finding analysis shows that the Islamic type of craving – contentment measure has four factors: (material preoccupation/ feeling of material safety, material arbitrary/ material self-control, weakness in religious knowledge and zeal/ excess of religious knowledge and zeal, feeling of material deprivation and need/ material satisfaction). The retest coefficient: 0/887, Cronbach's Alpha: 0/863 and coefficient of split- half: 0/823 show that this measure is strongly reliable. Given the findings of research, we can say that this questionnaire has large-scale reliability and validity and provide coherent factors which can have an effective role in studying peoples' moral characteristics of craving contentment when they taken into account.

Key words: evaluation of morality, craving, contentment, validity and reliability.

Cases of Compulsion-Acrasy of Checking among Religious Individuals and the Treatment Methods in Islamic Sources of Hadith

a.haratiyan@gmail.com

Rahim Naroo'ii Nosrati / Assistant professor of psychology department, IKI

marooei@yahoo.com

Received: 2014/03/02- Accepted: 2014/07/25

Abstract

The present paper seeks to define the cases of compulsion-acrasy of checking among religious individuals and mention the treatment methods in Islamic sources of hadith. These cases are drawn from Islamic sources of hadiths, especially Shiite ones, through religious deduction. The same method was used to extract the forms of therapy from authentic sources and define them. This study refers to six cases of compulsion-acrasy of checking which are common among religious individuals: 1. compulsion of checking excretion organs; 2. compulsion of checking minor ritual ablution; 3. compulsion of checking major ritual ablution; 4. compulsion of checking the fulfillment of a debt and rights of men; 5. compulsion of checking prayers; and 6. compulsion of checking nearness to God and feeling of hypocrisy. Six interlinked components were found to cure these compulsions: 1. negating and rejecting perceptive sensations; 2. determining the type of cognition to act; 3. exact determination of behavior boundaries; 4. acting out correct cognitions; 5. Continuation of the act; and 6. refraining from adherence to incorrect beliefs.

Key words: compulsion-acrasy of checking, checking excretion organs, checking minor ritual ablution, checking major ritual ablution, checking the fulfillment of a debt and rights of men, checking prayers, checking nearness to God and feeling of hypocrisy.

In the Name of Allah

Ravanshenasi va Din

A Quarterly Journal of Psychological inquiry

Vol.7, No.4

Winter 2015

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Sajad Solgi*

Translation of Abstracts: *Language Department of IKI*

Editorial Board:

☒ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*

☒ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

☒ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*

☒ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*

☒ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

☒ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*

☒ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

☒ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

☒ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

Table of Contents

Constructing and Exploring the Reliability of the Islamic Type of Craving-Contentment Measure / *Abbasali Haratiyan / Mojgan Agah Haris / Zahra Mohammadi / Fatemeh Sadat-e- Shamsi Nejad*..... 5

Cases of Compulsion-Acrasy of Checking among Religious Individuals and the Treatment Methods in Islamic Sources of Hadith / *Rahim Naroo'ii Nosrati* 23

The Effectiveness of Participating in the Ceremonies of the First Ten Days of Muharram on the Degree of Religiosity of the Mournful (a Case Study on the Students of Nazarabad Azad University, Karaj) / *Mohammad Husseinkhani / Mohammad Yekkeh Fallah* 41

The Psychometric Characteristics of the Concept of God Questionnaire / *Raziye Nasirzadeh / Kazem Rasoolzadeh Tabataba'I / Narjes Erfanmanesh* 55

The Relationship between University Students' Thinking about the Hereafter and Their Five of Personality Characteristics / *Fatimah Pourebrahimi / Mas'ood Karimifar / Salar Rezaiinezhad / Vahid Manzari Tavakkoli* 67

The Relationship of Spiritual Well-being and Hope with Life Satisfaction among the Aged / *Nader Hajloo / Isa ja'fari* 79

The Relationship of Religious Identity Types and Aspects of Religiosity with Students' Psychological Well-being / *Shahram Vahedi / Reyhaneh Ahmadian*..... 91